

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۸۵، دوشنبه اول خرداد ۱۳۹۶ - ۲۲ مه ۲۰۱۷

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

- بازنده بزرگ انتخابات - منصور امانص ۲
- خروجی جعبه شعبده، کارگزار نظام و دشمن مردم! - زینت میرهاشمیص ۳
- در خیابانها بمانید! - لیلا جدیدیص ۴
- صحبتهای يك دانشجو در دانشگاه تبریز در جلسه سخنرانی حسن عباسیص ۵
- تحریم قاطع نمایش انتخابات در خارج از کشور به نقل از آمار دولتیص ۵
- آفرینندگان عالی ترین ارزش در روز ۲۹ اردیبهشت - مهدی سامعص ۶
- تمرکز بر سیاست خارجی؛ تمدید چهارساله یک دور باطل - منصور امانص ۹
- سرکوبی و ارزان سازی نیروی کار در برنامه روحانی - زینت میرهاشمیص ۱۲
- نگاهی به وضع معادن ایران - امید برهانیص ۱۴
- نامه افشاگرانه آرش صادقی از زندانص ۲۵
- آیا قواعد جنگ سوریه تغییر کرده؟ - برگردان: بابکص ۲۷
- به یاد فرزاد کمانگر - فرنگیس بایقرهص ۲۹
- زنان در مسیر رهایی (اردیبهشت ۹۶) - اسد ظاهریص ۳۳
- دانشگاه در ماهی که گذشت (اردیبهشت ۹۶) - کامران عالمی نژادص ۳۶
- چالشهای معلمان در اردیبهشت ماه (۹۶) - فرنگیس بایقرهص ۴۰
- کارورزان سلامت (اردیبهشت ۹۶) - امید برهانیص ۴۵
- برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران، اردیبهشت ۱۳۹۶ - زینت میرهاشمیص ۴۹
- رویدادهای هنری ماه (اردیبهشت ۹۶) - فتح الله کیاییهاص ۶۰
- در شهادت سعید سلطانپور/ بر فراز تمثیلهای م. وحیدی (م. صبح)ص ۶۴
- شهادی فدایی در خرداد ماهص ۶۵
- انتشارات تصویری سازمانص ۶۵

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

بازنده بزرگ انتخابات

منصور امان

فراسوی خبر... شنبه ۳۰ اردیبهشت

بازنده بزرگ نمایش انتخابات ریاست جمهوری، "نظام" و در راس آن باند حاکم است. رژیم ولایت فقیه از درون فرآیندی که در انتها به انتصاب دوباره و ناگزیر حجت الاسلام حسن روحانی در مقام ریاست جمهوری رژیم مَلاها مُنتهی گردید، ضعیف تر، مُتفرق تر و رُسواتر بیرون می آید.

رژیم جمهوری اسلامی بازنده نمایش انتخابات است زیرا:

۱- با تجدید دوره ماموریت کارگزاران هسته ای خود نشان داد که هیچ راه برون رفتی از بُن بست استراتژیک "نرمش قهرمانانه" ندارد و همچنان باید از کیسه و حساب آماجها و نقشه های جاه طلبانه و ماجراجویانه اش هزینه کند. سیلاب "برجامهای یک و دو و سه و غیره" در راه است و "نظام" بدون جان پناه و سیل شکن، راه را جاری شدن آن هموار کرده است.

۲- افشاگری و حملات رُسواگرانه باندهای رقیب "خودی" علیه یکدیگر در جریان کمپین انتخابات، ضربه جُبران ناپذیری به حیثیت و مشروعیت "نظام" و حاکمان وارد آورد که آثار آن پیش از همه، در بدنه وفادار به حُکومت و همچنین بخشهای مُتوهم به اصلاح پذیری آن لمس پذیر خواهد بود. میلیونها نفر توانستند به طور زنده و از طریق تلویزیون دولتی به اعماق تاریک فساد و انحطاط "نظام" و نُخبگان برگزیده آن نظر بیاندازند و داوری خود در باره آن را شکل دهند. این آگاهی گسترش یافته، بُشکه باروتی است که بی واسطه در کنار آتش بیکاری، گرسنگی، فقر و بی حُقوقی جای گرفته است.

۳- رقابت مهندسی شده دو باند اصلی "زیر خیمه نظام"، به دلیل بُحران سیاسی حاکمیت به یک قُطب بندی تمام عیار بدل گردید که در یک سوی آن "نظام" با همه انگاشتهای سیاسی و ایدئولوژیک، چکمه و سرنیزه اش نشانده شد و در سوی دیگر، خواسته ها و آماجهای اکثریت جامعه قرار گرفت که در پایین و با استفاده از فُرصت کشمکش روی صحنه، مجالی برای بروز یافت. ابتکار ابلهانه در چینش یک قاتل بدنام به عنوان نامزد جناح حاکم برای گرم کردن تنور انتخابات، به ژرفش مهار ناپذیر تضاد و قُطب بندی حُکومت - جامعه کُمک شایانی کرد. شُعله تنور گر گرفته، در انتها ریش "نظام" را دود داد.

۴- کمپین انتخاباتی آقای روحانی نشان داد فاصله گیری مردم از دستگاه حاکم چنان ابعادی یافته است که حتی جناحهای حُکومتی تنها شانس خود برای عوامفریبی، گُلاهدرداری و جذب بخشهایی از جامعه را در قرار گرفتن در موضع اپوزیسیون آن جُستجو می کنند. "خط قرمز"هایی که نامزد و پایوران جناح "خودی" میانه پُشت سر گذاشتند، پیشروی جامعه و محدود شدن قلمرو "نظام" را مُستند کرد. کارزار تبلیغاتی جناح میانه حُکومت علیه رُقبای خود که بر پُشت نحیف سیستم حمل می شد، اعتبار و وزنه جبهه مُخالفان و مُنتقدان را ناخواسته تقویت کرد و به همان میزان، امکان مُدیریت و بازی با مُطالبات و خواستههای آنها را کاهش داده و قواعد تازه ای به میدان مانور جناح میانه تحمیل کرد.

۵- و سرانجام، رژیم جمهوری اسلامی با همه جناحها و دسته بندیهای آن بازنده بزرگ نمایش انتخابات است، زیرا جُنُبش اجتماعی از ارومیه تا اهواز، از مشهد تا کرمان و از تهران تا همدان و هر گوشه دیگر کشور که فُرصت انتخابات در اختیارش گذاشت، سرکش و خروشان سر برآورد و پتانسیل عظیم جبهه سرنگونی را به رُخ حاکمیت کشید. جوانان، زنان و مردانی که خیابانها، کوچه ها و ورزشگاه ها و استادیومها را به تسخیر خود درآوردند، افسانه غلبه حُکومت بر جنبش اعتراضی ۸۸ را به ریشخند گرفتند و کابوسهای تیره "نظام" از "فتنه" را جانی تازه بخشیدند. آنها تهدید آقای خامنه ای به "سیلی زدن" به جامعه را در عمل اجرا کردند و چنان ضربه گیج کننده ای به زیر بناگوش او و "نظام" اش وارد آوردند که از شدت آن تعادل خویش را باز نخواهد یافت. آمارهای فانتزی از میزان شرکت در نمایش حُکومتی و عددهای آماس کرده ای که "نظام" به ریش خود می آویزد، جای کبود ضربه جامعه مُعترض را نمی پوشاند.

خروجی جعبه شُعبده، کارگزار نظام و دشمن مردم!

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... شنبه ۳۰ اردیبهشت

سرانجام خیمه شب بازی موسوم به انتخابات در ساعت ۸ روز آدینه ۲۹ اردیبهشت آغاز و پس از چند بار تمدید در ساعت ۲۴ همین روز پایان یافت. علیرغم التماسهای خامنه ای و به صحنه آوردن هنرمندان، ورزشکاران و ... جعبه گسترده تحریم در هموردی با نظام ولایت فقیه قوی تر از پیش بر ادامه وضع موجود خط بطلان کشید.

رسانه های حکومتی، قبل از اعلام نتیجه شعبده بازی دم از «حماسه» زدند تا آبروی ولی فقیه را در درون نظام حفظ کنند. نمایش باید به گونه ای پایان پذیرد که نظام پوسیده ولایت فقیه پیروز صحنه باشد. بر همین منظر، شرکت در انتخابات از دیدگاه صحنه گردانان شعبده بازی، نه انتخاب این یا آن فرد، بلکه در گام اول بازار گرمی به ویژه در برابر



کشورهای غربی و جوامع بین المللی است. رژیم می خواهد از این بازار گرمی برای تداوم سیاستها و اعمال تروریستی و تبهکارانه اش استفاده کند.

تردید نیست که دو کاندیدای اصلی که از جانب شورای نگهبان برگزیده شدند، کارگزار نظام ولایت فقیه و شریک در همه جنایتهای این نظام هستند. بازار گرمی رسانه های حکومتی و جریان جهانی مماشات نمی تواند دشمنان مردم را با تئوری انتخاب بین بد و بدتر به عنوان مدافع مردم جا زنند.

خبرهای متناقض در مورد میزان مشارکت و به ویژه تمدید رای گیری تا آخرین لحظات روز آدینه و اعتراض ستاد رئیسی به تخلفهای بی شمار نشاندهنده آن است که این بار در پشت صحنه ی نمایش بازار تقلب گرم بوده است.

از آن جا که هیچ آماری در یک انتخابات غیر دموکراتیک و بدون نظارت جهانی اعتبار ندارد و به خاطر این که حاکمان مستبد همیشه دروغ تحویل جامعه می دهند، به رقم ارایه شده حکومت در مورد تعداد شرکت کنندگان نباید اعتماد کرد. اطلاق تجمیع آرا برای «حماسه سازی» ایجاد شده است. در مقابل گزارشهای بسیاری که در شبکه های اجتماعی منتشر شده گسترش جعبه تحریم را نشان می دهد. وجود یک جعبه گسترده تحریم می تواند افقی روشن برای حرکت تمامی نیروهای تحول خواه و مترقی ترسیم کند.

در خیابانها بمانید!

لیلا جدیدی



فراسوی خبر...
دوشنبه ۱
خرداد
سرانجام نمایش
انتخاباتی رژیم
ولایت فقیه به
پایان رسید. از
یکسو میلیونها
نفر از شهروندان
ایرانی در داخل
و صدها هزار نفر
ایرانی رانده شده
از وطن در

خارج، به کارزار تحریم انتخابات گرویدند. از سوی دیگر، بخش دیگری نیز به امید آنکه زندگی انسانی و بهتری داشته باشند، پای صندوق رای رفتند و به روحانی، این شیاد رسوا، رای دادند. اما اکنون به دوش آنها که به خیابانها آمدند و شادی کردند، یک مسوولیت و یک وظیفه سنگین قرار دارد، آنها باید همچنان در کف خیابان باقی بمانند و منتخب خود را وادار کنند به برنامه ها و وعده هایی که داده عمل کند.

چهارسال پیش هم روحانی وعده هایی داد که بی پایه بودن آنها امروز دیگر نیازی به بازگویی ندارد. این بار روحانی ژست برداشتن وزنه سنگین تری را که نه توان و نه خواست جدی حمل آن را دارد، گرفت. وی شیادانه آمالهای زنان و مردان و به ویژه جوانان را به بازی گرفت.

لیست جدید وعده های روحانی شامل بخشی از وعده های عملی نشده قبلی باضافه تعدادی وعده تازه است و مواردی مانند مسکن، بهداشت، برابری زن و مرد، فرصتهای بهتر، روابط خارجی با تنش زدایی و تهدید زدایی (که باید خروج از عراق، سوریه، یمن و لبنان باشد)، اجرای برجام (که باید شامل برجام ۲ و ۳ گردد) ایجاد کار و اجرای طرح کارورزی برای جوانان ۲۳ تا ۳۲ ساله با پرداخت معادل یک چهارم حداقل دستمزد (که کمتر از ۲۵۰ هزار تومان می شود)، برداشتن حصر اگر بیشتر از ۵۱ درصد رای بیاورد (که با اعلام تصاحب ۵۷ باید عملی باشد)، توجه به محیط زیست، هوای پاک و جالب تر از همه، آزادی احزاب و آزادیهای مدنی، تامین امنیت دانشگاه، دخالت نکردن در زندگی خصوصی مردم، از بین بردن فضای امنیتی، اجرای منشور حقوق شهروندی و توسعه مشارکت سیاسی (که لابد فراموش کرد از آزادی زندانیان سیاسی که فعال حقوق کودک، هنرمند، نویسنده و غیره هستند، یاد کند) و احترام به اقوام ایرانی و تنوع مذهبی و دینی کشور را در بر می گیرد؛ همه آنچه که ۳۸ سال مردم را از آن محروم کرده اند. اکنون زمان آن رسیده که جنبشهای خیابانی بدون خاموشی، پیگیر تحقق مطالبات خود باشند و علیه هر مانع و یا سد راهی از سوی هر کس که باشد، برآشوبند.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

صحبت‌های يك دانشجو در دانشگاه تبریز در جلسه سخنرانی حسن عباسی

ما از احمدی نژاد می‌گذریم و توانمان را خرج او نمی‌کنیم اما کسانی مثل شما وابستگان نظامی و میلیشیایی و اربابانتان که ۸ سال او را تقدیس کردید و نظرتان به او نزدیکتر بود و امروز این سوی میدان ایستاده و حاشا می‌کنید، باید جوابگوی خونهای ریخته شده شهدای سال ۸۸، کهریزکها، سالها زندانی و شکنجه و شلاق باشید.

اما، اما در کمال وقاحت، حامیان آن گفتمان، حامیان احمدی نژادست با بیش‌رمی و بی‌حیایی و با ژست طلبکارانه در چشم ملت نگاه می‌کنید و با انگشت اشاره به رئیسی، نشان می‌دهید و شعار سر می‌دهید، بوی رجایی بد بود، بوی بهشتی آمد.

حسن عباسی، همانا تئوری شما، تئوری ترور و وحشت و صدور سلاح و جنگ و حمایت از بشار اسد دیکتاتور و خونریز است.

آری، تئوری شما، بازی کردن با احساسات ملی و مذهبی مردم و دفاع از حریمهای وجود نداشته حمص و ادلب است. کدام حرم؟

آری تئوری شما، گفتمان شما، دفاع از قتل عامهای فجیع، غیرانسانی، غیرقانونی و غیرشرعی سال ۶۷ است. آری گفتمان شما، بالا رفتن از سفارت کسورهاست، تئوری شما بودجه مملکت را به حساب حزب الله لبنان می‌ریزد، که به اعتراف خود حسن نصرالله، سلاح، معاش، خورد و خوراک، حتی لباسهای شان را از بودجه مردم ایران تأمین می‌کنند. و کلام آخر اینکه؛ ما خیانتها و جنایتهای شما را نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم و داغ دل مردگان سرزمینمان را، مردم از شما خواهند گرفت.



تحریم قاطع نمایش انتخابات در خارج از کشور به نقل از آمار دولتی

به گزارش ایرنا در خارج از ایران ۲,۵ میلیون ایرانی واجد شرایط برای رای دادن هستند که در ۳۰۳ شعبه رای داده‌اند. از این تعداد ۵۵ شعبه در آمریکا بوده است.

به گزارش مشرق و برخی دیگر از سایتهای حکومتی تعداد ۱۷۰ هزار و ۲۹۰ ایرانی یعنی فقط ۶,۸ درصد واجدان شرایط در این شعبده بازی شرکت کرده‌اند.

نیمی از این رای دهندگان در کشورهای زیر بودند:

در آمریکا با ۵۵ شعبه اخذ رای ۳۰ هزار ۳۱۲ تن

در عراق با ۷ شعبه اخذ رای ۳۰ هزار و ۲۸۰ تن

در استرالیا ۱۰ هزار و ۳۴۳ تن

در ترکیه ۴ هزار و ۹۷۶ تن

در فرانسه ۳ هزار ۳۷۶ تن

در سوئد ۳ هزار ۲۶۸ تن

در امارات متحده عربی ۱۱ هزار و ۲۰۰ تن

در تمام قاره آفریقا ۹۸۱ تن

گرچه به هیچ یک از آمار حکومت نمی‌توان اعتماد کرد و در فقدان نظارت افراد و نهادهای مستقل داخلی و بین‌المللی، آمار ارایه شده از جانب رژیم در مورد تعداد شرکت کنندگان فاقد اعتبار است، با این حال آمار حکومتی از میزان شرکت کنندگان در نمایش انتخابات در خارج از کشور نشان می‌دهد که این شعبده بازی از جانب ایرانیان در خارج از کشور به طور قاطع تحریم شده است.

آفرینندگان عالی ترین ارزش در روز ۲۹ اردیبهشت

مهدی سامع

برای کشف اقیانوسهای جدید
باید شهامت ترک ساحل آرام خود را داشته باشید
این جهان، جهان تغییر است
نه تقدیر ...
لئون (نیکلایویچ تولستوی

در روز شنبه ۳۰ اردیبهشت، وزارت کشور رژیم نتایج نمایش موسوم به انتخابات را اعلام کرد. این نتیجه در شرایطی اعلام می شود که هیچ نهاد و شخصیت بی طرف ایرانی و غیر ایرانی بر این مضحکه و اطلاق جادویی «تجمیع آرا» نظارت نداشته و از این رو رقم سازی مربوط به تعداد شرکت کنندگان فاقد اعتبار و یک دروغ محض است. واقعیت این است که در رقابت بین دو باند درون ولایت خامنه ای، باند «حاکم» بازی را به شکل مفتضحانه باخته و حسن روحانی برای بار دوم با کسب ۵۷ درصد آرا بر صندلی ریاست قوه مجریه تکیه زده تا مسیر «ترمش قهرمانانه» خامنه ای که با نوشیدن جام زهر هسته ای آغاز شد را هموارتر کند. تا آن جا که به اکثریت مردم ایران بر می گردد، از این نمایش تکراری هیچ نصیبی نخواهند بُرد. زندگی و معیشت مردم روز به روز بدتر خواهد شد.

پیرامون این شعبده بازی بحث و تحلیل بسیار صورت گرفته و ادامه خواهد داشت. هدف این نوشته تحلیل آن چه تحت عنوان انتخابات صورت گرفته نیست. هدف این نوشته حتی گزارش جنبش گسترده تحریم از جانب اکثریت قریب به اتفاق گروههای سیاسی نیست. هدف این یادداشت ستایش و قدردانی از کسانی است که وارد این بازی سخیف نشده و آن را برنتابیدند. در این نوشته به فرازهایی از اعلام موضع شفاف و افتخار آمیز برخی از آنان می پردازم.

شعله پاکروان مادر زنده یاد ریحانه جباری در باره این شعبده بازی نوشت: «در حالی که کمتر از یک هفته به نمایش تهوع آوری به نام انتخابات باقی مانده است، من به هیچکدام از ۶ بازیگر رأی نخواهم داد. نه به سه بازیگر اصلی که خودشان با وقاحت در برابر چشمهای مردم، جنایات و دزدیهای یکدیگر را رسوا می کنند و نه ۳ سیاهی لشگری که برای خالی نبودن عریضه آمده اند. اینان در یک مورد مشترکند: همه شان طرفدار زندان و شکنجه و اعدامند. اصلی ترین مطالبه مردم نیز روشن است، آزادی، همان که زیر سایه هیچکدام از اینان دست یافتنی نیست... چگونه می خواهیم رأی دهیم و چشمهای گوهر عشقی را فراموش کنیم؟ و آخرین نگاه ندا آقا سلطان را به یاد نیاوریم؟ و صدای آرش صادقی را از خاطر ببریم؟ و صدای شهرام احمدی را؟»

شهین مهین فر، مادر زنده یاد امیر ارشد تاج میر در دلنوشته خود اعلام کرد که «به قاتلان فرزندانم رای نمی دهم».

«برای پسر مبارزم، امیر ارشد تاج میر

جگرم می سوزد، برای جوانی ات، که زیر خاک شد.

عزیز مادر، بگذار هر که می خواهد رای دهد.

حق دارد، چون هنوز جگرش نسوخته و خدا نکند بسوزد.

فقط کاش می فهمیدند و می دانستند جوانهایی که در زندان به دست جلادان می می رند و هیچ کس به دادشان نمی رسد هم ایرانی اند و از جنس خودشان.

آنها برای یک زندگی شرافتمندانه، کار می خواهند.

آنها دردشان درد کودکان کارتن خواب است.

آنها دردشان درد پدریست که کلیه می فروشد تا فرزندان شب گرسنه ن خوابند.

آنها سر پناهی کوچک می خواهند، نه کاخی در زعفرانیه.

آنها آزادی می خواهند تا حرفهای پر دردشان را بزنند.

آنها گوش شنوا می خواهند برای شنیدن، نه کتک خوردن با شوکر برقی. آنها مانند فرزندان جناب مدیر یا فلان رییس، ماشین پورشه نمی خواهند. آنها درد دارند، درمان می خواهند، بیمارستان و پزشک و دارو می خواهند. آنها بیمه و برای بچه های شان نان می خواهند نه شعار. آنها دل خوش می خواهند، غم و ستم بس است. آنها انسانیت انسانی شان را می خواهند، نه توهین و تحقیر. شما برای احترام به دوستی هرکس و به هر دلیل و به هر کاندیدا رای دهید، مختارید، اما من به قاتلان فرزندانم رای نمی دهم.»

روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶ خانواده زنده یاد ندا آقا سلطان در فیس بوک «یادبود ندا» نوشتند: «در اینجا اعلام می داریم خانواده ندا در انتخابات شرکت نخواهند کرد...» در خرداد ۱۳۹۲ هم خواهر ندا در همین صفحه نوشت: «ما هنوز چشمهای باز مونده ندا، خون ریخته شده کف خیابون رو فراموش نکردیم که بخواهیم از کسی طرفداری کنیم و به کسی رای دهیم. ماما من به هیچ کس رای نداده، رای ما روزی به کسی خواهد بود که وجود آن را داشته باشد که اعلام کند قاتل این بچه های بی گناه چه کسی بوده و انتقام آنها را بگیرد که انتظار چنین چیزی از آدمهایی که از فیلتر شورای نگهبان رد شده باشند محال است. ماما من رای نداده و نخواهد داد.»

گلرخ ابراهیمی ایرانی، زندانی سیاسی از بند زنان زندان اوین در باره مضحکه موسوم به انتخابات نوشت: «به راستی تفاوت این دو دسته که سعی دارند خود را به عنوان دو حزب به توده ی جامعه بقبولانند چیست؟! مگر جز این است که در تمام دوره ها بازداشت، احکام سنگین و بی ادله، دادگاههای فرمایشی و چند دقیقه ای، اعدام و فساد مالی و فقر و فحشا و کودک آزاری و تجاوز و آتش سوزی در مدارس و بی هویتی پاسپورت ایرانی و وعده های پوشالین و بی سر انجام مسئولان و ... را شاهد بوده ایم؟! ... در کدام دولت بازداشت و اهانت و اعدام نداشته ایم که داد آزادی و امنیت و آرامش جامعه سر می دهند. البته تا زمانی که تعدادی هورا کش و از داخل زندانها هویت خود را انکار کنند و ملیجک وار دست به قلم تمجید از امثال ظریف برند و انگشت به جوهر، ننگ حضور در این نمایش مضحک آغشته کنند؛ ایشان نیز باید بر خر مراد سوار باشند و شاهد حضور اصلاح طلبان با نام اعتدالیون که با اصول گرایان معتدل گره خورده اند باشیم... باشد که روزی شاهد حضور احزاب و منتخبی با عقاید و باورهای مختلف در عرصه ی انتخابات کشورمان باشیم. تا آن روز به جهت نبود فضای باز سیاسی و تحمیل کاندیدای گزینشی و ممانعت از حضور احزاب و عدم پاسخگویی به چرایی از میان برداشتن احزاب و گروهها و تا حضور کاندیدایی از تمامی ایدئولوژیها، مذاهب و قومیتهای ایرانی از شرکت در چنین انتخاباتی که نه حماسه ی حضور بلکه نمایش اقتدار تک روی، سرکوب و استبداد است و تنها صرف هزینه ای جهت عوام فریبی ست خودداری نموده و فعالانه تا ایجاد فضایی باز جهت فعالیت آزاد کلیه ی احزاب در ایرانی آزاد و رها از یوغ استبداد تلاش خواهیم نمود.»

زندانیان سیاسی زندان مرکزی زاهدان در بیانیه ای با تشریح تبعیض دینی در نظام حاکم، اعلام کردند: «همه اقشار مختلف به خصوص اهل سنت و اقلیتهای قومی و مذهبی و مردم ایران می خواهیم که این انتخابات را که رئیس جمهور در آن مترسکی بیش نیست و آلت دست دیگران است را تحریم کنند. ما زندانیان سیاسی زندان زاهدان هم این انتخابات را تحریم می کنیم.»

این بیانیه را مولوی نورالدین کاشانی، مولوی عبدالرحیم کوهی، امان الله بلوچ زهی، همزه ریگی، بشیر احمد حسین زهی، عابد بم پوری، اسحاق کلکلی، میثم چندانی، حسن دهوری، الیاس قلندر زهی، شیرمحمد زمانی پور، نوید سپاهی، شیرجان دهوری، ابوبکر رستمی، سجاد بلوچ، چاکری، عبدالخالق ریگی، صوفی چمبری، درمحمد شه بخش، اسماعیل شه بخش، عبدالله نوتی زهی، محسن قنبر زهی، محمد رضا قنبر زهی، عبدالملک قنبر زهی، عبدالحمید کارا زهی، عبدالصمد هود، عطا الله هود، عبدالوحید هود، زبیر هود، عظیم بلوچ زاده، ابوبکر ملازهی، مصیب وطن خواه، حامد باران زهی، امین ریسی، بشیر احمد بلیدهی، صدیق باران زهی، ادریس بلیدهی، جاوید دهقان، محمود کلکلی و امید ایمانی امضا کردند.

جمعی از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر در بیانیه ای با عنوان «تحریم نمایش مسخره انتخابات قلابی رژیم» اعلام کردند:

«علیرغم مهندسی همه جانبه ولی فقیه و رسم انواع و اقسام خطوط قرمز و ممنوعه و تهدید و رد صلاحیتهای افرادی که قبلاً ثابت کرده بودند منافع شخصی شان هیچگونه جاهتی برای رسام خطوط قرمز قائل نمی شوند، همچنین مشخص کردند که تاراج و به یغما بردن اموال میهن، آنچنان در وجود عوامل و جیره خواران رژیم ریشه دوانده که برگزیده ترین نفرات حکومت نیز برای سهم نمودن در خون به یغما برده شده به ریش ولی فقیه پوشالی و رو به اضمحلال خندیدند و هر کدام گوشه ای از فساد نهادینه و سیستماتیک رژیم را که مربوط به جناحهای دیگر بود، رو کردند و مانند مناظره های دو دوره قبل آنچه در نهایت آشکار و یا هویدا گردید این بود که شرط اساسی برای شرکت داشتن در آن (نه ۴٪ بلکه کمتر از ۲٪) افرادی که به انحاء مختلف در قدرت دستی دارند، این است که علاوه بر اینکه در مسابقه فساد و چپاول و قدرت با دیگر افراد شرکت کنند، بلکه بدون وقفه در سرکوب و شکنجه و اعدام هر آنکس که به افشای حریم فساد سردمداران ولایت و نیروی سرکوبگر آن یعنی سپاه پاسداران جهل و جنایت و بسیج ضد مردمی می پردازد، هیچگونه شک و شبهه ای به خود راه ندهند....

حال که این جانیان افشا شدن جنایتها و دزدیهای شان نزد مردم را مخل امنیت خود می دانند، بیش از پیش روشن می گردد همانطور که در قانون اساسی خود رژیم ذکر گردیده نظر مردم در مقابل نظر ولی فقیه فاقد هرگونه ارزشی می باشد. ...

حال که هیچگونه تفاوتی بین آخوند رئیسی یعنی مجری قتل عام سال ۱۳۶۷ و یا آخوند روحانی یعنی سرکوب کننده قیام ۱۸ تیر ۷۸ و قیام ۸۸ و پاسدار قالیباف (که با رئیسی ائتلاف نموده) که نماینده به قول خودشان برادران قاچاقچی در بیش از ۱۱۴ اسکله و گمرک و امثال فرودگاه پیام و ... وجود ندارد و از آنجائی که هر فردی با شرکت در نمایش انتخابات، با آلوده کردن دست خود به خون جوانان آگاه و پاکباز این میهن راه را برای کشتارهای آتی و چپاول مملکت برای این جنایتکاران هموار می کند؛

ما زندانیان سیاسی - عقیدتی زندان گوهردشت کرج یکصدا و دست در دست دیگر اقشار میهن در زنجیر، با تحریم این نمایش مسخره اعلام می نمائیم؛ ما خواهان یک انتخابات آزاد زیر نظر مراجع بین المللی برای رسیدن به یک جامعه آزاد و مبتنی بر حاکمیت و آزادی تمامی آحاد مردم، بدون هیچگونه تبعیض جنسیتی و قومی، دینی و ... مبتنی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر می باشیم.»

این بیانیه را رضا اکبری منفرد، ایرج حاتمی، لطیف حسنی، خالد حردانی، امیر دوربین قاضیانی، شاهین ذوقی تبار، سعید شیرزاد، حسن صادقی، محمد مهدی فراخی شاندریز، ابوالقاسم فولادوند، ابراهیم فیروزی، احمد کریمی و سعید ماسوری امضا کردند.

این است سند افتخار و شرافت شهروندان ایران زمین. اینان ستارگان درخشان سپهر جنبش آزادیخواهی و دادخواهی مردم ایران هستند و به قول زنده یاد احمد شاملو: «اینان دل به دریا افکنانند/به پای دارنده آتشها».

اینان در زیر تازیانه و درفش پایداری می کنند تا حماسه های واقعی را به ثبت رسانند. فریاد اینان است که اندام پوسیده ولایت خامنه ای را به لرزه انداخته است. اینان نه فراموش شدگان که تجسم واقعی اراده مردم درینند برای رهایی هستند. اینان هستند که در فضای ربا و تزویر آزادی را در درک ضرورت می دانند و به همین خاطر وارد شعبده بازی خلیفه جلال و حامیان تبهکار او نمی شوند. این عالی ترین ارزشی است که در روز ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ به ثبت رسید.

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

تمرکز بر سیاست خارجی؛ تمدید چهارساله یک دور باطل

منصور امان

مستقل از اینکه نتیجه نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری چه می بود، سیاست خارجی و بحران روابط خارجی در مرکز سیاست رژیم ولایت فقیه باقی می ماند. تشدید ماجراجویی و مداخله گری منطقه ای بی درنگ پس از دستیابی به توافق عقب نشینی هسته ای با طرفهای خارجی، کانون بحران تازه ای را شکل داده که ابعاد و دامنه آن با بحران هسته ای برابری می کند. تلاطم در این کانون را جابجایی قدرت در ایالات متحده آمریکا به میزان تعیین کننده ای افزایش داده است. بر همین اساس، جمهوری اسلامی در چهار سال آینده با شرایط متفاوتی روبرو خواهد بود که برخورد به چالشهای آن یکبار دیگر جهتگیری، برنامه و سیاست حاکمان ایران را ریل گذاری خواهد کرد. این نوشتار به ارزیابی از مهمترین ویژگیهای این جهتگیری و محیط و فاکتورهای خارجی آن می پردازد.

سیاستهای جمهوری اسلامی

در رقابت باندهای قدرت جمهوری اسلامی در نمایش انتخاباتی، آنچه که بیش از همه به چشم می خورد، حضور بسیار کم رنگ موضوع توافق هسته ای و "برجام" در کشمکشها و مشاجرات بود. در حالی که نامزدهای شورای نگهبان برای پست ریاست جمهوری با حرارت و اشتیاق پرونده های مالی و سیاسی یکدیگر را بر تریبونهای همگانی ورق می زدند، مهمترین و پر سروصدا ترین موضوع کشمکشهای چهار سال گذشته در زیر "خیمه نظام" تنها به گونه حاشیه ای و جسته و گریخته خود را نمایان می ساخت. این حضور کم رنگ در حالی بود که به ظاهر در مخالفت با عقب نشینی هسته ای، یک صف بندی نیرومند مشهور به "دلواپسان" از لایه های نظامی و امنیتی باند حاکم شکل گرفته است که با تمام نیرو در هر سه مرحله این پروسه، یعنی مذاکرات، توافقات و سپس اجرا (برجام)، به گونه سازمانیافته و با تبلیغات گسترده وارد عمل شد.

تبدیل نشدن "برجام" به موضوع کشمکش انتخاباتی، نشان روشنی از عزم حکومت و همه دسته بندیهای درونی آن بر حفظ توافق با طرفهای خارجی و استفاده از امتیازهای و امکاناتی دارد که به همراه آورده است. این واقعیت، همچنین هدف و درونمایه "دلواپسی" نمایشی علیه عقب نشینی هسته ای را نیز به گونه غریبان تری به نمایش می گذارد که چیزی بیشتر یا کمتر از فرار از مسوولیت این شکست و هزینه های گزاف آن، مهار باند رقیب و جلوگیری از پیشروی جامعه ی خسارت دیده و معترض نبوده است.

آقایان قالیباف و رئیسی به عنوان نامزدهای "دلواپسان"، با اصرار یادآوری کردند که "برجام" را "محترم" می شمارند و بدان "التزام" دارند. ژست حقوقی و دولتمردانه واری که آنها برای تغییر ناگهانی نقش به خود گرفتند، بی مایه تر از آن است که بتواند در ماندگی و ضعفی که باند حاکم با آن به پای میز مذاکره رفته و همچنان با آن دست به گریبان است را بپوشاند.

در سوی دیگر نیز نگاه به توافق با رژیم مَلاها با وجود تردیدهایی که آقای ترامپ بدانها دامن زده بود، بدون تغییر باقی مانده است. تاجر بازاری نیز در این میان قانع شده است که "پاره کردن" برجام منافی برای آمریکا ندارد و در یک معادله سود و زیان، چربش کفه حفظ آن بیشتر است.

کارکرد دیگری برای توافق هسته ای

بنابراین، موضوع محوری و غالب در سیاست خارجی رژیم جمهوری اسلامی در چهارسال آینده، توافق هسته ای در اصل و بنیاد نخواهد بود، بلکه فاکتورهایی است که به موازات آن عمل می کنند یا از درونش شکل می گیرند. در این رابطه مساله مداخلات بحران آفرین حاکمان ایران در منطقه خاورمیانه نقش ویژه ای خواهد داشت و تحولات پیرامون آن تاثیر تعیین کننده ای در همه نقاط اصطکاک "نظام" و از جمله توافق هسته ای با طرفهای خارجی اش به جا خواهد گذاشت.

شواهد متعددی از تغییر نگاه و رویکرد آمریکا به کارکردها و چشم اندازهای توافق هسته ای حکایت می کند؛ مساله ای که در درجه نخست سیاست این کشور در برابر بحران منطقه را از رویکرد دولت پیشین این کشور متمایز می سازد. برخلاف آقای اوباما که همه کارتهای خود برای حل بحران خاورمیانه را روی توافق هسته ای با مَلاها گذاشته بود، دولت جدید آمریکا اتخاذ سیاستهای گزینۀ به مَوازات آن را در دستور کار نهاده است. این به معنای آن است که رژیم مَلاها نمی تواند مطمئن باشد که توافق وین همچنان کارکردی سپر مانند برای ادامه ماجراجویی منطقه ای اش داشته باشد. بسا انتظار می رود پا برجا ماندن توافق هسته ای مشروط به "پایبندی به روح" آن گردد، امری که از اجرای تعهدات فنی و تکنولوژیک هسته ای فراتر می رود و رویکردهای منطقه ای رژیم ولایت فقیه را در بر می گیرد.

همزمان، این سیاست تشدید کنترل و بازرسی و بازنگری دایمی در پیشرفت و چگونگی اجرای توافق وین را نیز شامل خواهد شد و سووال پیرامون تصمیم سیاسی رژیم مَلاها در باره جهتگیری و آماج پروژه هسته ای را به گونه پُر رنگ تری مطرح می سازد. نخستین نشانه ها از این امر را در سخنان رییس اداره اطلاعات ملی آمریکا می تواند مشاهده کرد. آقای دن کوتس که در نشست پرسش و پاسخ کمیته امنیتی سنای این کشور سخن می گفت، تاکید کرد که با وجود شفاف سازی بیشتر فعالیتهای هسته ای رژیم مَلاها و به تاخیر انداخته شدن زمان دسترسی آن به جنگ افزار هسته ای، "ایالات متحده نمی داند که آیا رژیم ایران در نهایت تصمیم به ساخت سلاح هسته ای خواهد گرفت یا نه".

با این حال، توافق هسته ای در مرکز تضاد جمهوری اسلامی با کشورهای عربی منطقه از یکسو و آمریکا و غرب از سوی دیگر قرار ندارد. کانون جاری تضاد منافع و رویارویی، سوریه است؛ جایی که از چشم حاکمان ایران و همچنین طرفهای خارجی آنها، دروازه نفوذ ویرانگر و مرگبار "نظام" در منطقه به شمار می رود. همین فاکتور نیز به صورت تعیین کننده ای بر سرنوشت توافق هسته ای تاثیر گذار است، بدین گونه که "برجام" در فرآیند و نتیجه جنگ سوریه صیقل می خورد یا به فرسایش دُچار خواهد شد.

درب ورودی خاورمیانه

تحول مهمی که در رابطه با بحران خاورمیانه و پیرو آن بحران سوریه قطعیت یافته، بازگشت آمریکا و حضور دوباره آن به عنوان یک بازیگر تعیین کننده است. شلیک موشک به پایگاه هوایی "العشیرات" سوریه و پرتاب "مادر همه بمبها" به روی افغانستان، صدای مهیب زنگی است که ورود واشنگتن به گود را اعلام می کند. این به معنای گشوده شدن میدانهای درگیری جدید برای حاکمان ایران و روبرو شدن با چالشهای تازه ای بر سر راه سیاست کنونی آنها است. داده های فعلی، تحرک آمریکا در دو پهنه حساس و مساله ساز برای رژیم مَلاها را ثبت می کند؛ نخست در تنظیم مناسبات با متحد آن روسیه و سپس در شکل گیری روابط تازه ای با کشورهای عرب منطقه و اسرائیل.

در یک نگاه استراتژیک، سوریه نقش درب ورودی خاورمیانه را برای آمریکا بازی می کند. بحران بین المللی این کشور به گونه دقیق همان تریبونی است که واشنگتن برای فعال شدن و بازیگری بدان نیاز دارد. از یک طرف حضور نیرومند "دولت اسلامی" (داعش) و القاعده در سوریه و تبدیل این کشور به مرکزی برای جذب، آموزش و سازماندهی بنیادگرایان اسلامی از سراسر دُنیا، میدان عمل بی نظیری برای پروژه آمریکایی "جنگ علیه ترور" و حفاظت از امنیت ملی کشورهای بلوک غرب به وجود آورده است. در طرف دیگر، مداخله مستقیم رژیم جمهوری اسلامی در سوریه قرار دارد که نقش مهمی در بی ثبات سازی این کشور و همسایگان آن ایفا می کند. رویارویی آمریکا با توسعه طلبی خطرناک بنیادگرایان حاکم بر ایران می تواند فرصتی برای حل و فصل دیگر بحرانهای منطقه ای از لبنان تا فلسطین و از یمن تا بحرین باشد که رژیم مَلاها در شکل گیری یا دامن زدن به هر یک سهم به سزایی دارد.

دو چالش چهارسال آینده

موفقیت این سیاست در سوریه تا اندازه زیادی مشروط به جلب توافق روسیه است؛ قدرتی که برخلاف آمریکای دوران آقای اوباما، برای حفظ و توسعه نفوذ خود در قلب خاورمیانه و کناره های مدیترانه، به مداخله مستقیم نظامی در سوریه

توسل جست و پای خود را در زمین تحولات کنونی و آتی آن سفت کرد. اکنون آمریکا برای جُبران عقب ماندگی و رسیدن به توازن با روسیه چاره ای جز جلب همکاری آن از طریق به رسمیت شناختن منافع مُسکو - نه فقط در خاورمیانه و حوزه نفوذ سنتی آن از اوکراین تا گرجستان - ندارد.

شکل گیری چنین چارچوبی مساله مشارکت روسیه و رژیم جمهوری اسلامی در جنگ علیه مردم سوریه را بر ترازوی بازبینی و تجدید سازمان خواهد نشاند. یک شرط مُشخص آقای ترامپ برای معامله با آقای پوتین، اخراج رژیم مَلاها و مزدوران آن از سوریه است. بسیار بعید می نماید که روسیه از منافع بین المللی بازگشت به میدان بازی در نقش یک قُدرت جهانی به خاطر همکاریهای محلی و منطقه ای با رژیم مَلاها چشم پوشی کند. عاملی که تصمیم گیری روسیه در این جهت را ساده می کند، تجربه دیرینه آن در بازی موفقیت آمیز با توپ مَلاها در جریان بُحران هسته ای است. مُسکو توانست با ریسمان قُرصت طلبی، دو قُطب مُتضاد دوشیدن اقتصادی و سیاسی مَلاها و همزمان همراهی با غرب در فشار بر آن را به یکدیگر پیوند داده و با مهارت بر آن بندبازی کند. ناگفته پیداست که رشوه های ژئوپولیتیک واشنگتن، همه جذابیتهای استفاده از مَلاها را برای مُسکو از بین نمی برد. آنها به عنوان یک کارت همیشه در دسترس، روی میز باقی می ماند، گرچه آقای پوتین نقشی فراتر از ژوکر به آنها نخواهد داد.

از این رو، یک مشغله دایمی "نظام" در چهارسال آینده، تلاش برای پُر کردن خُفزه هایی خواهد بود که تغییر جبهه آقای پوتین به جا می گذارد. آقای خامنه ای و همدستانش باید یک "عقب نشینی قهرمانانه" دیگر، این بار اما در کنار روسیه را سازمان دهند. بخش مهم انرژی سیاست خارجی مَلاها در این دوره به کاهش خسارات این گام اجباری اختصاص خواهد داشت.

چالش مهم و دیگری که به انتظار "نظام" نشسته است، حرکت آمریکا در جهت شکل دهی به یک نظم منطقه ای در خاورمیانه با سازوکار بومی امنیت جمعی است؛ ساختاری که با طرح "ناتوی عربی" برجسته و شاخص می شود. در همان هنگام که تلاش برای فراهم آوردن پیش شرطهای سیاسی این ساختار آغاز گردیده، پروژه رژیم جمهوری اسلامی برای تبدیل شدن به قُدرت منطقه ای به وسیله صُدور فرقه گرایی و تروریسم و ایجاد تنش، در حال روبرو شدن با مانعی جدی است. تشکیل چنین جبهه ای، رژیم مَلاها را در انزوای خطرناکی قرار می دهد که مدیریت آن از سطح ظرفیتهای اش فراتر می رود. روشن آن است که "نظام" دو انتخاب بیشتر ندارد، پذیرش مشارکت با طرفهای عربی یا ادامه سیاست جنگی کُنونی در شرایطی که زیان آن مُتحول شده. همچنین آشکار است که دستگاه سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی برای انتخاب مسیر، چهار سال وقت ندارد.

برآمد

همانگونه که در چهار سال گذشته مهمترین خواسته ها و نیازهای جامعه در پهنه های نان و آزادی به بهانه چالشهای خارجی "نظام" بی پاسخ ماند و سرکوب گردید، چهار سال آینده نیز سیاست بُحران آفرین و ماجراجویانه حاکمان کشور و پیامدهای، همچنان در اولویت "نظام" باقی مانده تا پا بر سر امیدها و انتظارات اکثریت جامعه بگذارد و آن را لگد مال کند.

تجربه عقب نشینی هسته ای نشان داد که انتظار و امید به بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش خفقان استبدادی - مذهبی در نتیجه حل و فصل مُشکلات و بُحرانهای خارجی رژیم سرابی فریبنده بیش نیست. بُحران آفرینی خارجی همواره نقش ابزار تولید و اعمال اقتدار حُکومت برای غلبه بر خواست نان و آزادی جامعه را ایفا کرده است و از این رو پایان هر بُحران، آغاز بُحران دیگری برای پا برجا نگه داشتن این مُعادله می باشد. پایان یافتن این دور باطل و چرخه جهنمی، فقط با قطع دست حاکمان جمهوری اسلامی از تعیین سرنوشت کشور و مقدرات مردم ممکن است.

سرکوبی و ارزان سازی نیروی کار در برنامه روحانی

زینت میرهاشمی

در افشاگریهای جنجالی دزدان دانه درشت که در نمایش انتخابات کاندیدای منتخب شورای نگهبان تحت امر ولی فقیه بودند، مسایلی که به امنیت نظام مربوط می شد مطرح نشد. مناظره ها به گونه ای هدایت شد که مسئولیت دزدیها، فساد،



رانت خواری، سرکوب آزادی بیان و ... به عهده افراد طمع کار ربط داده شود و نه کل نظام. بر همین منظر هر کدام از کاندیداها خود را در پوست بره و رقبا را در لباس گرگ نشان داد. در پایان نمایش، مسئولیت ادامه و حفظ ساختار سرمایه داری انگلی نظام ولایت فقیه برای چهار سال بر دوش یکی از بازیگران افتاد. یکی به اصطلاح پوپولیست شد و دیگری طرفدار «تدبیر و امید» که کلمات تهی شده از معنا در فرهنگ رژیم است، شد. مخاطبان و رای دهندگان به روحانی از بی تدبیری کل نظم و برای دادن رای منفی به جناح مقابل به او پناه بردند.

جایگاه نیروی کار و قانون کار در برنامه «تدبیر و امید» چیست؟

در تبلیغات کاندیداهای گزینشی، حرف مشخص و برنامه ای روشن در باره حقوق کارگران، قانون کار، چرایی سرکوب کارگران، امنیت شغل، اشتغال و بیکاری، حق اعتصاب و تشکل یابی وجود نداشت. از چپاولگری در صندوق سازمان تامین اجتماعی و کمرنگ کردن نقش آن در بیمه کارگران، که در لایحه پیشنهاد اصلاح قانون کار ارایه شده به مجلس، حرفی به میان نیامد. از این که تکلیف ثروت ملی دزدیده شده در کدام مرجع رسیدگی و به مردم باز گردانده شود، صحبت نشد. زیرا اگر قرار بود مطرح شود باید همانجا همه بازیگران به زندان رفته و طبق قانون خودشان که در مورد دزدان کوچک مجازات ضد انسانی قطع دست اجرا می شود، آنان نیز محکوم شوند.

در بازی انتخابات، روحانی نقطه قوت خود را توافق برجام، برداشتن تحریمهای مربوط به پرونده هسته ای، گشایش در سیاست خارجی، بازگشایی بازار ایران و تسهیل مقررات برای سرمایه گذارهای خارجی، ایجاد فضای کسب و کار و ... که ادامه کارهای نیمه کاره ۴ سال گذشته است را به رُخ رقبا کشید.

همه نکاتی که روحانی برای دفاع از خود به آن پرداخت و یا این که ادامه آن را وعده داد، هیچ دستاورد مثبتی برای کارگران و مزدبگیران طی ۴ سال گذشته نداشته است. دوره پسا برجام هیچ تغییری در بهبود وضعیت معاش کارگران و مزدبگیران نگذاشته است. فروش نفت، داراییهای آزاد شده سفره محقر نیروی کار را رنگین تر نکرد. اعتراضهای گسترده و مداوم کارگری و خواسته های آنها، نشان می دهد که کلید روحانی نه تنها هیچ مشکلی را حل نکرد بلکه بر عکس، به سرکوب نیروی کار شدت بخشیده شد. تعداد زیادتری از فعالان کارگری و فعالان حقوق معلمان و فرهنگیان حبس و یا مورد پیگرد قرار گرفتند. تعداد بیشتری از کارگران در بیدادگاههای رژیم به دلیل شرکت در اعتصاب کارگری به شلاق و جریمه نقدی محکوم شدند. حداقل مزد نسبت به سالهای قبل درصد کمتری اضافه شد. تعداد بیشتری از مردم به خط فقر نزدیک و یا به زیر خط فقر رفتند. فعالان کارگری آزاد شده از زندان به صف بیکاران ملحق شدند. واحدهای تولیدی بیشتری غیر فعال و یا بحران زده شدند. کنوانسیونهای سازمان جهانی کار که ایران عضو آن است رعایت نشده است.

در کارنامه ۴ ساله روحانی باید تداوم اقتصاد شبه دولتی و رانت خواری را هم اضافه کرد. با توجه به این، سوال این است که بهبود کسب و کار و حقوق نیروی کار طی ۴ سال آینده چه چشم اندازی خواهد داشت؟ اجرای اقتصاد مقاومتی یا

تحمیل ریاضت اقتصادی به مردم با چه راهکارهای جدیدی پیش خواهد رفت؟ نباید فراموش کرد که اصلاحیه پیشنهادی دولت روحانی در مورد قانون کار در پی اعتراضهای گسترده و نزدیک شدن به بازی انتخابات از مجلس رژیم به طور موقت پس گرفته شد. این نوع پس گرفتن در شرایط انتخابات به این معنی است که شبح تغییر قانون کار بالای سر نیروی کار همچنان در گردش است.

مشخص است که راهبرد اقتصادی روحانی برای عملی شدن حرفها و قولهایش در ۴ سال آینده نه از زاویه عادلانه کردن حقوق نیروی کار بلکه از اتاق فکر سرمایه داران و سیاستهای صندوق بین المللی پول تاثیر می گیرد. انباشت سرمایه با افزایش درجه استثمار و پایین نگاه داشتن سطح معیشت مزدبگیران، ارزان سازی نیروی کار، آسان سازی اخراج و قرارداد کاری، ایجاد شغلهای کاذب همراه با افزایش قارچ گونه شرکتهای پیمانکار از جمله راههای پیش پای روحانی است. بدین ترتیب تغییر در قانون کار برای تسهیل انباشت سرمایه و آسان تر کردن سوددهی نیروی کار از جمله احتیاجات روحانی برای به عمل نشاندن وعده هایش خواهد بود.

افزایش نرخ بیکاری

در حالی که نرخ بیکاری یکی از پارامترهای مهم در ارزیابی وضعیت اقتصادی هر کشور است و موفقیت یا ناکامی سکانداران را با بالا رفتن و یا پایین آمدن نرخ بیکاری می سنجد، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت روحانی، نرخ بالای بیکاری را «علامت مثبتی در بازار کار» تعریف می کند. وی مدعی افزایش امنیت اقتصادی معیشتی در طی ۴ سال گذشته شد. علی ربیعی وزیر تعاون، رفاه و کار در ۲۷ اردیبهشت، گفت؛ افزایش نرخ بیکاری به معنی «افزایش نرخ مشارکت اقتصادی در دولت یازدهم» و «اتفاقاً علامت مثبتی در بازار کار است». وی که مزه و طعم بی رنگی سفره های بیکاران را نچشیده است، افزایش نرخ مشارکت (افزایش نرخ بیکاری) را «حاصل مبارک» برنامه ای توسعه ای دولت دانسته است. (ایلنا، ۲۷ اردیبهشت)

آیا وجود ۱۹۵۶ حرکت اعتراضی نیروی کار فقط در سال ۱۳۹۵ نشانه امنیت اقتصادی است؟ تعطیلی بیش از دو سوم واحدهای تولیدی و پر شدن بازار از کالاهای چینی و روسی امنیت اقتصادی است؟ معنای امنیت اقتصادی از دیدگاه این وزیر مثل همان مثبت دانستن افزایش نرخ بیکاری است.

حسن روحانی در پاسخ به پیام نوروزی ولی فقیه گفت: «سالانه ۸۰۰ هزار فارغ التحصیل وارد بازار کار می شوند و اگر سالانه ۷۰۰ هزار شغل ایجاد شود باز هم ۵۰۰ هزار نفر به بیکاران افزوده می شود». به حرف روحانی این گفته ربیعی که «اگر هر سال حتی یک میلیون شغل ایجاد شود تا سال ۱۴۰۰ نرخ بیکاری کاهش نخواهد یافت» را اضافه کنیم، سیاست فاجعه بار افزایش جمعیت ولی فقیه بهتر روشن می شود.

شیادی برای جذب رای

وزیر کار را در صحبتهایش در روز ۲۹ فروردین می توان به خوبی دید. بر اساس گزارش خبرگزاری حکومتی ایلنا، ربیعی «به صورت نمادین» در کارخانه شیشه مینا برای رای دادن حاضر شد. وی از نیروهای کار خواست که «با مشارکت در امر انتخابات فرصت دستیابی به امکانات برابر و بهتر را برای همگان فراهم کنند». بر همه روشن است که این فقط یک شعار توخالی است. توخالی بودن این شعار، بر سرلوحه اقتصاد مقاومتی ولی فقیه که روحانی هم مدافع آن است، نوشته شده است. یکی از معضلات موجود در برابر رشد اقتصادی، فقدان شرایط رقابتی واقعی و عدم امکانات و فرصتهای برابر است. رانت خواری و خصوصی سازی از طریق نزدیکان، وابستگان و آقازاده ها، فعالیتهای اقتصادی بیت خاмене ای و سپاه، امکان برابر که هیچ بلکه بسیار تبعیض آمیز را در برابر فعالان اقتصادی گذاشته است. در حالی که کارگران از اولین ترین امکان مشارکت در سرنوشت خود یعنی ایجاد تشکل مستقل برای دفاع از خود محروم هستند، سخن پراکنی ربیعی برای جذب آرای کارگران چیزی جز شیادی نیست.

نگاهی به وضع معادن ایران

امید برهانی

اطلاعات زمینه



ایران با دارا بودن حدود ۶۸ نوع ماده معدنی (غیرنفتی)، ۳۷ میلیارد تن ذخایر کشف شده و ۵۷ میلیارد تن ذخایر بالقوه، در میان ۱۵ قدرت معدنی جهان جای گرفته و یکی از کشورهای غنی از حیث داراییهای معدنی به حساب می آید. این درحالیست که تولیدات معدنی تنها ۶ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل می دهد. بر این باید افزود که معدنکاری در ایران در حال توسعه است. بر اساس آمار، تا پایان سال ۱۳۹۱ معادل ۷۸۶۷ معدن در کشور وجود داشت. از معادن موجود در کشور در این تاریخ، ۵۴۲۲ معدن فعال بوده اند و ۲۰۸۶ معدن نیز فعال نیستند. همچنین ۳۵۹ معدن در حال تجهیز قرار داشته.

بهرام شکوری، رییس کمیسیون معادن و صنایع معدنی اتاق بازرگانی ایران می نویسد: "براساس آخرین آمار منتشر شده از مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۲ تعداد ۵۳۵۵ معدن در کشور ثبت

شده که از این تعداد ۳ درصد در تملک بخش عمومی است و درصد سرمایه گذاری معادن بخش عمومی که به طور عمده دولت متولی آنها است، معادل ۴۱ درصد کل سرمایه گذاری در معادن می باشد. در مقابل، بخش خصوصی با در دست داشتن مالکیت ۹۷ درصد معادن، سهم سرمایه گذاری ۵۹ درصدی را به خود اختصاص داده است. در بخش اشتغال نیز ۱۵ درصد شاغلان معدنی در بخش عمومی و ۸۵ درصد در بخش معادن خصوصی مشغول به کارند. جمع بررسیهای جهانی نشان می دهد، متوسط اشتغالزایی بنگاه های خرد تا متوسط در ایتالیا ۷،۶۴ درصد، آلمان ۴۲ درصد و آمریکا ۲۲ درصد است. میزان اشتغال زایی در بخش معدن ایران نشاندهنده نقطه قوت این بخش است، زیرا در بخش معدن کشور، ۸۵ درصد اشتغال در دست بخش خصوصی یا به عبارتی بنگاه های خرد، کوچک و متوسط مقیاس است که نشان از توانایی و اهمیت وجود بخش خصوصی دارد. براساس نتایج تحلیل اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۵، بنگاه های کوچک و متوسط می توانند موتور محرکه توسعه باشند و ویژگی اصلی این گروه از بنگاهها، رابطه معکوس رشد آنها با میزان فساد اداری و رابطه مستقیم با شفافیت است."

ایران در منطقه ای واقع شده که کشورهای اطراف آن مانند ترکیه و عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس با توجه به آهنگ رشد و توسعه اقتصادی به منابع معدنی نیاز دارند. حتی این کشورها در صنایعی مانند فولاد سرمایه گذاری هم کرده اند اما مواد اولیه آنها وارداتی است و ایران می تواند منبع خوبی برای تامین نیازهای این کشورها که به سرعت در حال افزایش است، باشد. ایران با ۱۸ درصد منابع گاز و ۹ درصد منابع نفت در بین کشورهای معدنی دنیا موقعیت منحصر بهفردی برای تامین انرژی فعالیتهای معدنی به خصوص در فرآوری و فلزات دارد و قیمت انرژی در ایران با توجه به منابع عمده بعضاً تا ۵۰ درصد قیمت جهانی است و این موقعیت شرایطی را فراهم می کند که شرکتهای بزرگ، کل عملیات

مرتبط با معدن را از استخراج، صنایع تولید فلزات به خصوص فولاد در ایران با قیمت تمام شده مناسب انجام دهند و به بازارهای نزدیک منطقه صادر کنند.

کشور ایران با توجه به پتانسیل معدنی از هفتاد سال قبل اولین کشوری بود که تدریس رشته معدن و زمین شناسی را بین کشورهای منطقه آغاز کرد و در حال حاضر بیش از ۵۰ هزار نفر مهندس و تکنسین در رشته های معدن، متالورژی و کارشناس زمین شناسی تربیت کرده است. این خیل عظیم نیروی متخصص، کشورهای سرمایه گذار را از نظر نیروی انسانی بی نیاز می کند و این در حالی است که در سایر کشورهای منطقه چنین پتانسیلی وجود ندارد. ایران از نظر حجم ذخایر قطعی و بالقوه، وجود زیربناهای مناسب، وجود بازار مناسب مصرف در ایران و کشورهای منطقه، قیمت مناسب انرژی، دسترسی به آبهای آزاد و همچنین نیروی انسانی متخصص و تحصیلکرده بخش معدن، یکی از کشورهای بسیار شاخص جهت سرمایه گذاری شرکتهای بزرگ معدنی شناخته می شود.

تاریخچه

هرچند معدنکاری در ایران تاریخچه ۷ هزار ساله دارد، اما با توجه به پیشرفت علوم از زمان تحولات انقلاب صنعتی در اروپا، کشور ایران از نظر علوم معدنکاری در زمره کشورهای نوپا قرار می گیرد. در دوران قاجار استخراج معادن شکل دیگری به خود گرفت. در دوران صدارت میرزا تقی خان امیرکبیر، استخراج معادن برای اتباع ایرانی آزاد شد و بهره برداری از آن تا پنج سال معاف از مالیات بود.

در پی این دستور، اکتشاف و پی جویی معادن در ایران رشد چشمگیری یافت. علاوه بر این اقدام، امیرکبیر با تاسیس دارالفنون از عده ای کارشناس و معلم معدن خارجی دعوت کرد و پنج نفر از دانشجویان معدن پس از اتمام دوره تحصیلی، فعالانه در امر پی جویی و اکتشاف معادن مشغول به فعالیت شدند.

پس از بازگشت ناصرالدین شاه از انگلستان در سال ۱۲۹۲ و با اعطای امتیاز به "جولیوس رویترز" انگلیسی، وضعیت معادن تغییر یافت و هر کمپانی که صاحب معدن بود، باید آن را به قیمت متداول به این کمپانی می فروخت که این موضوع با اعتراضات گسترده مردمی روبه رو و در نهایت لغو شد.

در سال ۱۲۹۸، مخبرالدوله، وزیر علوم وقت، تعدادی مهندس معدن انتخاب و برای شناسایی معادن به سراسر ایران رهسپار کرد. این اقدام شایان توجه بود و سبب رونق گرفتن معادن و معدنکاری شد و در پیامد آن از سال ۱۳۰۳ معادن غالباً به اجاره اشخاص درآمد و فعالیت خصوصی بر معادن گسترش یافت. در سال ۱۳۰۷ و به درخواست "بانک شاهی ایران"، امتیاز بهره برداری از تمام معادن به یک کمپانی انگلیسی به نام "بانک امتیازات معادن ایران" واگذار شد.

در اوایل دهه ۱۳۴۰، "شرکت ملی ذوب آهن ایران" تاسیس شد تا کار اکتشاف معادن سنگ آهن و تجهیز آنها برای تامین نیاز فولاد کشور را سازماندهی کند. فعالیتهای اکتشافی این شرکت منجر به اکتشاف معادن "چغارت"، "چادرملو"، "چاه گز" و "سه چاهون" شد. در دهه ۱۳۵۰ این فعالیتهای گسترش یافت و منجر به اکتشاف معدن گل گهر شد.

به موازات رشد صنعت فولاد، اکتشاف معادن زغال سنگ نیز توسعه یافت. پس از صنعت فولاد، فعالیت صنعت مس با اکتشاف معدن بزرگ مس سرچشمه در دهه ۵۰ در کشور آغاز شد و در سال ۱۳۵۵ "شرکت ملی صنایع مس ایران" تاسیس و کلیه فعالیتهای معادن مس کشور به این شرکت اعطا شد. همچنین در سال ۱۳۵۱ صنعت آلومینیوم ایران با تاسیس کارخانه "ایرالکو" در اراک متولد و متعاقب آن کارخانه "آلومینیوم المهدی" در بندرعباس احداث شد که آلومینای مورد نیاز این کارخانه ها از معدن جاجرمد تامین می شود. پایه های صنعت سرب و روی در عصر جدید با صدور پروانه معدن انگوران در سال ۱۳۰۱ گذاشته شده است. "اتحادیه سرب و روی انگوران" در سال ۱۳۳۲ موفق به کسب پروانه بهره برداری از این معدن شد و متعاقب آن در سالهای بعد، شرکتهای مختلفی از این معدن بهره برداری کرده اند.

با این مقدمه، در حالت کلی می توان معدنکاری هر کشور را با دو فاکتور "علم، تکنولوژی" و "تجهیزات، ماشین آلات" با دیگر کشورها مقایسه کرد. هر جا که در این فاکتورها نقصانی وجود داشته، رکود و عدم رشد و فجایع شغلی معدنکاری پیدا شده.

استخراج و فرآوری چالشهای اکتشاف

در ۳۰ سال گذشته تکنیکهای اکتشافی پیشرفتهای قابل توجهی داشته است، به طوری که در بسیاری از موارد دقت دانشمندان در شناسایی عیار، شکل و پراکندگی ذخیره معادن افزایش یافته، ولی در ایران محدودیتهای موجود سبب عقب ماندگی در این زمینه شده است. از این جمله می توان به استفاده از تکنولوژیهای نوین همچون امواج ماهواره ای برای انجام تحلیلهای زمین شناسی اشاره کرد که به دلیل محروم بودن ایران از داشتن چنین امکانات ماهواره ای، تنها راه کسب این اطلاعات خرید آنها از شرکتهای خارجی است که در بسیاری از موارد خرید با محدودیت رو به رو است و در برخی موارد نیز این شرکتهای حتی از دادن اطلاعات خودداری می کنند.

در مورد استخراج در سالهای اخیر به دلیل بی لیاقتی و سوءمدیریت، بسیاری از ماشینآلات معدنکاری روباز مثل دامپ تراک و شاول خریداری نشده است. در این وضعیت راههایی چون خرید دستگاههای دست دوم یا دستگاههای با برند نازل برای جبران و کاهش اثر تحریمها و سایر محدودیتهای انجام شده، اما نمی توان نتایج ناگوار این امر را نادیده گرفت که در صدر آنها افزایش هزینه های تولید ناشی از تعمیر، نگهداری و استهلاک ماشین آلات نامرغوب در مقایسه با انواع نو و مناسب آن قرار دارد. از سوی دیگر، عدم امکان دسترسی به انواع ماشین آلات سبب محدود شدن گزینه های فنی شده و به صورت کاملا مستقیم در کاهش راندمان تولید موثر بوده است.

یکی از موارد ابتدایی و اساسی طراحی معدن و ماشین آلات، تناسب تولید معدن با قطر چال انفجاری است. در بسیاری از معادن کشور به دلیل محدودیت در خرید دستگاههای حفاری سایز بزرگ یا کم توجهی در استفاده از دستگاههای حفاری با قطر کوچک، بازدهی عملیات استخراج پایین آمده و در نهایت هزینه های تولید افزایش یافته است.

امروزه یکی از مسایلی که به طور جدی در کشورهای مطرح معدنی دنبال می شود، لزوم استفاده از سیستمهای هوشمند کنترلی در مونیتورینگ و دیسپاچینگ ماشین آلات معدنی است. هنوز کار جدی در این مورد در ایران انجام نشده است. حفاریهای هوشمند مجهز به سیستم ناوبری در معادن سطحی و معادن زیرزمینی موجب افزایش دقت در امر حفاری شده و با توجه به پلانهای طراحی شده توسط مهندسان معدن، مکانهای لازم جهت حفاری به صورت اتوماتیک شناسایی می شود. چنین سیستمهایی در معادن ایران هنوز وجود ندارد.

درمورد عملیات انفجار، عدم تناسب خرج ویژه (مواد منفجره مورد نیاز) با معیارهای استاندارد جهانی در برخی از معادن باعث هزینه های گزافی در عملیات انفجار و حوادث معدن شده است.

یکی دیگر از موارد کم توجهی مسوولان به معادن ایران، عدم رعایت قوانین تطبیق ماشینآلات با شرایط استخراجی معدن است. در ایران تنها شیوه حمل و نقلدر معادن روباز استفاده از سیستم تراک و شاول است در حالی که روشهای نوین حمل و نقل مانند آسانسورهای عظیم الجثه برای حمل تراکها و تغییر در روش حمل مواد مانند استفاده از تسمه نقاله ها و نوارهای نقاله جایگزین روشهای قبل شده اند.

در فرآوری مواد معدنی، تکنولوژیهای به روز به کمک معدنکاران آمده تا بتوانند مواد معدنی را با دقت بالاتر پرعیار کرده و قابل عرضه در چرخه زنجیره ارزش مواد معدنی نمایند. در چرخه زنجیره ارزش مواد معدنی در ایران، فرآوری برخی از مواد معدنی حلقه ای مفقوده است تا جایی که در بسیاری از موارد سبب عدم استقبال برای استخراج برخی از منابع معدنی شده است. از سوی دیگر، بسیاری از مواد معدنی که قابلیت استخراج نداشته را می توان با روشهای فرآوری برجا به دست آورد. با این روش امروزه کشورهای مطرح معدنی در دنیا به دنبال استخراج ذخایر با احجام کم می روند و کوچک ترین و باریک ترین ذخایر را نیز استخراج می کنند.

به کارگیری ابزارهای سنجش دقیق در معادن جهت کنترل پارامترهای ایمنی و مکانیک سنگی نقش مهمی در جلوگیری از بروز خطرات احتمالی مانند ریزش پله در معادن سطحی، ریزش دیواره و سقف در معادن زیرزمینی، نشی آب در سازه های معدنی، کنترل درزها، ترکها و حرکتهای احتمالی بلوکها و... نقش مهمی دارد و اکثر معادن بزرگ دنیا به این نوع سیستمها مجهز هستند. در معادن ایران کمتر دیده شده است که به طور کامل یک معدن مجهز به سیستم ابزار دقیق بوده و این پارامترها در آن کنترل شود. نتیجه این کاستیها در ریزش دیواره در معدن سرب و روی انگوران دیده شده.

موضوع دیگر، سیاست گذاری و بخشهای قراردادی است که به نظر می رسد سیاستهای اتخاذ شده در این بخش از کارآمدی لازم برخوردار نیست. یکی از مواردی که در این بحث مطرح می شود، چگونگی واگذاری عملیات به پیمانکار است، به نظر می رسد این سیاست بعضا موجب تقابل بین بخش خصوصی و دولتی از نظر منافع می شود. در این وضعیت پیمانکار به دنبال حجم بیشتر است، چرا که همین سیاست یکسویه، منافع او را تامین می کند و از سوی دیگر، کارفرما به دنبال تامین خوراک کارخانه است و بیشتر به کیفیت و کمیت ماده دریافتی از بخش خصوصی نظر دارد. هر چند در این وضعیت ارگانهای نظارتی نقش کنترل و ایجاد هماهنگی بین کارفرما و پیمانکار و در نهایت رسیدن به یک هدف واحد را دنبال می کنند، اما به نظر می رسد چنین رویکردی در بسیاری از موارد باعث وقفه در انجام کار و تلف شدن وقت و انرژی شده است.

آخرین مشکل در معدنکاری کشور، آموزش است. در سالهای اخیر در کشور از سوی مسوولان، آموزش در بخش معدن مورد بی توجهی شدید قرار گرفت تا جایی که موسسه آموزشی و پژوهشی وزارت صنایع و معادن که محلی برای آموزش رایگان معدنی در کشور بود، پس از واگذاری به بخشها و ارگانهای دیگر در عمل منحل شده و فقط "سازمان نظام مهندسی معدن" با گرفتن هزینه هایی نسبت به برگزاری دوره های تخصصی برای متخصصان معدنی اقدام می کند. ارتباط ضعیف معادن با دانشگاههای کشور و بالعکس و عدم همکاری مستمر در جهت به روز شدن معادن با تکنولوژیهای معدنی در جهان و دوری جامعه دانشگاهی کشور از عملیات معدنکاری موجب شده تا آموزش به معنای واقعی نتواند نیروهای متخصص فنی را تربیت کند و بسیاری از معادن کشور از داشتن نیروهای متخصص با دانش بالا نیز بی بهره باشند.

معدن و محیط زیست

محمدرضا بهرامن، رییس خانه معدن ایران می نویسد: "در کشورهای توسعه یافته اروپا مانند آلمان و ایتالیا، از اصول ارزیابی اثرات زیست محیطی به عنوان ابزاری چند منظوره استفاده می شود. در قانون معادن ایران، متولی بخش معدن مسوولیت اجرایی در پنجره واحد را برعهده داشته و سایر سازمانها و ارگانها به نحوی در این قانون از آنان نام برده شده از جمله سازمان محیط زیست، منابع طبیعی و... . لذا متولی بخش معدن طبق قانون باید پاسخگوی کلیه متقاضیان این بخش از اکتشاف تا فرآوری که در ارتباط با این سازمانها و ارگانها هستند، باشد.

مقررات ارزیابی پیامدهای زیست محیطی کشور ایران از یک سطح کلی گویانه و تنها در قالب چارچوبی نه چندان جامع، فقط به مقوله ارزیابی اشاره داشته، در حالیکه کشورهای اتحادیه اروپا از جمله آلمان و همچنین کشورهای فرانسه و کانادا، هرچند دارای نظامهای اداری و سیاسی متفاوتی می باشند، اما در اصل از یک قانون زیست محیطی جامعی برخوردار هستند و مطالعات ارزیابی پیامدهای زیست محیطی را برای سرزمین خود یک ضرورت می دانند. در کشورهای پیشرو در عرصه معدنکاری همچون استرالیا و کانادا و همچنین آفریقای جنوبی شاهدیم که قوانین خاصی برای فعالیتهای معدنی در کنار اثرات زیست محیطی تعریف شده و سرمایه گذاران در صنعت معدنکاری می دانند که از ابتدای فعالیت تا انتها ملزم به رعایت چه اصولی حتی برای بازسازی معادن و اثرات زیست محیطی صنایع معدنی و حتی منابع طبیعی خواهند بود. سازمان محیط زیست کشور با توجه به مسوولیت مستقیمی که در این خصوص برای جامعه ایرانی داشته، باید به منظور حفظ منابع ملی و ثروت کشور در کنار حفظ اثرات زیست محیطی بر جامعه، مطالعات کارشناسی خود را براساس سایر کشورهای معدنی به روز کند.

این کار در حال حاضر توسط سازمان محیط زیست عملیاتی نشده و اکنون سرمایه گذاران در این بخش با مشکلات زیادی در عمده موارد روبه رو هستند. براساس ماده ۳ مصوبه ۱۳۹۴ هیات وزیران، موارد اختلافی بین سازمان محیط زیست و متولی بخش معدن در کشور، موقوف به کار گروه تعامل فعالیتهای معدنی و محیط زیست شده است، بنابراین کلیه موارد اختلافی باید به این کار گروه ارجاع شود و در نهایت در صورت نبود منع قانونی، با همکاری دو ارگان تصمیم مناسب اتخاذ می شود.

دیدگاه محیط زیست کشور به دلیل عملکرد ضعیف در مسایل زیست محیطی، نسبت به فعالیتهای معدنی در شرایط کنونی مثبت نبوده و به آن با نگاه تخریبی می نگرند که این نشان دهنده عدم نظارتهای لازم طی سالیان گذشته سازمان محیط زیست به صنعت معدنکاری بوده است. در این مسیر فعالان این بخش هم نتوانسته اند وظایف خود را به خوبی انجام دهند که حاصل آن آسیب به منابع ملی و زیست محیطی کشور تاکنون بوده است.

بخش معدن ایران یک بخش مزیتی برای توسعه اقتصادی است و نقش اساسی نیز در ایجاد اشتغال داشته، به طوری که به ازای هر اشتغال در معدن در کشورهای معدن خیز مانند آمریکا و کانادا، ۱۷ شغل در صنایع پایین دستی آن تعریف شده است و ایران در شرایط کنونی دارای بیش از ۵۷ میلیارد تن ذخایر معدنی به ارزش تقریبی ۷۰۰ میلیارد دلار است.

هنوز اراده واقعی برای حل مشکلات بخش معدن با سازمان محیط زیست وجود ندارد تا برای جلوگیری از مشکلات زیست محیطی به جای تعطیلی معادن و صنایع معدنی، به ارایه راهکار پردازد و در کنار حفظ محیط زیست به کاهش آلاینده‌های صنایعی که آلاینده‌های بالایی دارند، کمک کند. دیدگاه سازمان محیط زیست در شرایط کنونی به دلیل عدم آشنایی کامل با رشد همکاری صنعت معدنکاری و محیط زیست در جهان، با مشکلات زیادی روبه رو است. این نگاه نیازمند به بازنگری است.

در بسیاری از کشورهای معدن خیز پس از اتمام فعالیتهای معدنی، طبق طرحهای تعریف شده در شروع فعالیت، فعالان معدنی محیط فعالیت خود را تبدیل به دریاچه، مناطق گردشگری و موزه معدنی ویژه می کنند که این عمل نشان می دهد فعالیتهای اقتصادی در بخش معدن هیچ زمان پایان نیافته و می تواند با تغییر در رویکرد شرایط محیطی خود یک فضای اقتصادی جدید در آن محدوده معدنی ایجاد کند.

معدنکاری کهن و باستان شناسی ایران را جزو کشورهای برتر جهان معرفی می کند. به عنوان مثال در "معدن سرب و روی نخلک" که در نزدیکی شهرستان انارک در استان اصفهان قرار دارد، شواهدی از معدنکاریهای کهن که به زمان ساسانیان و حتی قبل از آن بازمی گردد، دیده شده اما در کنار آن معدنکاری مدرن و پیشرفته نیز وجود دارد. معدن نخلک به عنوان یک تاریخچه معدنکاری در ایران به شمار می آید و این امکان در حال حاضر وجود دارد که این مجموعه را به یکی از جاذبه های گردشگری معدنی ایران تبدیل کرد که همزمان نیز با رعایت اصول صحیح بهره برداری و بازسازی از این معدن در طبقات پایین تر در سطح زمین و با نگاه به اثرات زیست محیطی، بهره برداری اقتصادی داشته باشد."

نبود ایمنی به دلیل نداشتن صرفه اقتصادی

طبق گفته مسوولان ذی ربط، به منظور ارتقا ایمنی معادن، در بهمن ماه سال ۹۴، ۴۰۰ دستگاه گازسنج وارد کشور گردید، در حالی که خرید و واردات تکنولوژی به تنهایی گره از مشکلات ایمنی این بخش باز نخواهد نمود، بلکه آموزش استفاده از تکنولوژی و توجه به علایم دستگاهها امری است که به شدت جای خالی آن احساس می شود. ساده ترین راهکار برای پیشگیری از چنین حوادثی مراجعه به آیین نامه ایمنی معادن هست که به صورت صریح حوادث را پیش بینی و راهکارهای پیشگیری را قانونی و لازم الاجرا نموده است

با این حال، چالشی که ذهن مخاطبان، کارگران، رسانه ها و فعالان مدنی و معدنی را درگیر نموده، این است که چرا باوجود قوانین پیشگیرانه ایمنی، وجود دستگاههای گاز سنج و حتی بازدید قبل از شروع فعالیت کارگران، چنین حادثه ناگواری اتفاق افتاد؟

عدم صرفه اقتصادی مطلوب برخی معادن زغال سنگ، یک دلیل این امر ذکر می شود. در این رابطه یک کارشناس و فعال معدن استدلال کرده است:

"۱- بنابر بررسیهای صورت گرفته، ذخایر قطعی زغال کشور حدود ۱٫۱ میلیارد تن برآورد گردیده است. بنابراین کشور ایران از نظر حجم تولید این ماده معدنی نمی تواند یکی از کشورهای صادرکننده زغال سنگ به خصوص به کشورهای دوردست باشد و تنها بازار محدودی برای زغال سنگ ایران طی سالهای اخیر در کشور ترکیه ایجاد شده است. ترکیه به دلیل بالا بودن قیمت نفت کوره ای، از زغال سنگ که نرخ پایین تری دارد، در تمامی موارد از مصرف خانگی تا صنعتی

استفاده می‌کند. با این حال، کلمبیا، افریقای جنوبی، روسیه و اوکراین اصلی‌ترین صادرکنندگان زغال سنگ به ترکیه هستند، چراکه زغال سنگ ایران کیفیت و ظرفیت صادراتی خوبی ندارد تا بتواند بازار این کشور را جذب کند. این موضوع، صادرات زغال سنگ ایران را با محدودیت مواجه می‌سازد و انگیزه تولید و بهره‌وری را از کارفرما سلب می‌نماید و این عدم انگیزه باعث عدم رسیدگی به وضعیت کارگران و ایمنی معادن می‌گردد.

۲- به دلیل وجود ذخایر غنی نفت و گاز در ایران، استفاده از تمام ظرفیتهای ذخایر زغال سنگ مورد توجه حوزه اکتشاف و استخراج قرار نگرفته و عمده‌ترین مصرف زغال سنگ در ایران منحصر به یک کارخانه تولید فولاد که از روش کوره بلند برای تولید فولاد استفاده می‌کند است و عمده اکتشافات ایران نیز به سالها پیش بازمی‌گردد.

۳- به دلیل شکل ذخایر زغال سنگ ایران که با ضخامت کم لایه ۳۰ الی ۱۵۰ سانتیمتری و جای‌گیری آنها در اعماق ۱۰۰ تا ۳۰۰ متری در زمینهای سست، عیار کم زغال سنگ، وجود گاز متان بالا و خطر انفجار، انگیزه معدن‌کاران برای هزینه در راستای مکانیزه نمودن معدن کم می‌گردد. در نتیجه، تولید زغال سنگ در معادن کشور با استفاده از روشهای سنتی استخراج و تجهیزات و ماشین‌آلات فرسوده صورت می‌گیرد و این، بهره‌وری نیروی کار را کاهش می‌دهد. برای مثال در آمریکا به ازای هر کارگر، ۱۲ هزار تن زغال سنگ در سال تولید می‌گردد. در مقابل، در ایران هر کارگر تنها ۲۵۰ تن زغال سنگ در سال تولید می‌کند. همچنین عدم توجه کارفرما به وضعیت معیشت نیروی انسانی می‌تواند موجبات بروز حوادث معدنی را مهیا سازد. برای مثال طی بررسی که از میزان حوادث رخ داده در "معدن زغال سنگ طزره" بین سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ انجام شد، بحرانی‌ترین ماه‌های حادثه خیز در این معدن، ماه شهریور و فروردین اعلام گردید. یکی از دلایل مهم و مشترک در این دو ماه حادثه خیز، دغدغه‌های مالی و اقتصادی کارگران جهت تامین مایحتاج سال نو و سال تحصیلی و نداشتن تمرکز لازم برای کارهای بدنی حساس در کارگاه عنوان گردید.

شغل زیان آور و فاجعه بار

"سخت‌ترین و زیان‌آورترین شغل"، این شاید بهترین تعریف از شغلی باشد که از قدیم با شرایط خاص و عجیب و غریب بین عامه مردم شناخته شده: کار در معدن. با کلاه ایمنی بر سر، رویی به رنگ خاک و زغال و دود و داستانی که هر روز پینه‌هایش بزرگ‌تر از قبل می‌شود. این اما شغل توست؛ شغلی که علاوه بر شرایط سخت کاری و دستمزد، جان را هم به بازی می‌گیرد تا مگر از اعماق زمین، ارمغانی برای آن بالا بیاوری و استخراجی کنی که قیمت دارد. قیمت کار و جان تو اما چه قدر است؟

کارگری در معدن طبق نظرسنجیها در صدر سخت‌ترین و زیان‌آورترین شغل‌های دنیا به شمار می‌آید. شغل‌های سخت و زیان‌آور هم طبق قانون کار در هر کشور، شرایط خاصی را شامل می‌شود تا به نوعی سختیهای این شغلها را جبران کند. شکوری، رییس کمیسیون معادن و صنایع معدنی اتاق ایران، می‌نویسد: "حدود یک درصد از نیروی کار جهانی در بخش معدن مشغول به کارند و هشت درصد از حوادث منجر به مرگ در محیط کار متعلق به این بخش است."

مطابق با آمار سازمان بین‌المللی کار، سالانه حدود ۲ میلیون نفر در محیط کار جان خود را بر اثر حوادث از دست می‌دهند و صدها هزار کارگر نیز دچار آسیبهای جدی کوچک و بزرگ می‌شوند. طبق اعلام این سازمان، مرگ هر فرد به معنای از دست دادن حدود ۷۵۰۰ روز کاری است. در ایران نیز سالانه حداقل ۱۴۰۰ نفر بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست می‌دهند و شش برابر این رقم نیز آمار مرگهای ناشی از بیماریهای شغلی است که هزینه اقتصادی و روانی سنگینی را به جامعه تحمیل می‌کند. برای مثال، در سال ۱۳۹۴ حدود ۱۸۵۰ کارگر در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست داده‌اند که به این واسطه در حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان به اقتصاد کشور هزینه تحمیل گردید. خسارت جانی، مالی، خانوادگی و روانی ناشی از بروز حوادثی از این قبیل بسیار سنگین است و اغلب جبران آن میسر نیست.

معمولاً زمانی که از سختی و خطرناکی شغلی صحبت به میان می‌آید، حرفه معدنکاری در ذهن متصور می‌شود. شایع‌ترین مخاطره‌هایی که معدنکاران با آن مواجه هستند، شامل وجود گاز متان و گردوغبار ناشی از انفجار زغال سنگ، انفجار ناقص، گازهای سمی و یا مواد منفجره موجود در زمین، پرتاب سنگ در اثر انفجار و لرزه خیزی معدن است. معادن

زیرزمینی زغال سنگ بیشترین سهم را در معدنکاری مخاطره آمیز از منظر ایمنی دارد. برای نمونه در ماه می سال ۲۰۱۴، معدن زغال سنگی در شهر "سوما" در استان "مانیسا" ترکیه (۴۵۰ کیلومتری آنکارا) در اثر انفجار در عمق ۱۶۰۰ متری از سطح زمین دچار حادثه شد و در اثر این واقعه ۳۰۱ نفر از ۷۸۷ نفر کارگر حاضر در این معدن جان باختند.

فعالیت‌های معدنی در معادن زغال سنگ زیرزمینی با سایر فعالیت‌های صنعتی و معدنی تفاوت دارد. وجود تجهیزات خاص مورد استفاده در کارگاه‌های استخراج و محیط‌های کار متنوع در این معادن از یکسو، و نیاز به سیستم‌های تهویه، باربری، بارگیری خاص از سوی دیگر، فضای کار متفاوتی را در قیاس با سایر فعالیت‌ها ایجاد نموده است. محدود بودن فضای عملیاتی، نور ناکافی و گازخیزی لایه‌های زغال، برخی از مشکلات استخراج در معادن زغال سنگ است. اما از آنجا که زغال سنگ یکی از منابع مهم انرژی در دنیاست و منبع هفتاد درصدی تامین انرژی کشورهای کمتر توسعه یافته را به خود اختصاص داده است، همچنان از مزیت قابل توجهی برای اکتشاف، استخراج و بهره برداری در دنیا برخوردار است.

مرگ دهها تن از معدنکاران رنج کش و محروم در معدن زمستان یورت استان گلستان، نه تنها قلب جامعه را به لرزه درآورد، بلکه هشدار جدی به دولت و صاحبان معادن و صنایع و کلیه فعالان اقتصادی کشور برای پیشگیری از اتفاقات مشابه و ارتقا ایمنی در همه ابعاد جامعه بود که اگر چشمی و گوش‌ی بود، می بایست درمی یافت که تنها حضور در محل فاجعه، شعار دادن و محکوم کردن و پیام‌های تبلیغاتی تسلیت، دردی از جامعه کارگری دوا نمی کند."

به همه اینها اضافه کنید آمار رسمی سازمان پزشکی قانونی کشور را که ۲۷ آذر ماه، درست یک روز پیش از فاجعه معدن طبس منتشر شد. این آمار نشان می دهد که روزانه پنج کارگر در سراسر ایران بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست می دهند. این گزارش از کشته شدن یک هزار و ۱۰۱ نفر در جریان حوادث کار در هفت ماه نخست سال ۹۱ خبر داده که این آمار در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۱۲ درصد رشد داشته است. براساس رتبه بندی سازمان پزشکی قانونی، سقوط از بلندی با ۴۵۶ قربانی، اصابت اجسام سخت با ۲۳۶ قربانی، برق گرفتگی با ۱۷۳ قربانی و سوختگی و کمبود اکسیژن به ترتیب با ۶۴ و ۳۲ قربانی به ترتیب رتبه های اول تا پنجم مرگ آورترین حوادث حین کار را به خود اختصاص داده اند. آمار منتشر شده از سوی پزشکی قانونی و یک محاسبه سر انگشتی به ما نشان می دهد که روزانه ۵ کارگر جان خود را در حوادث حین کار از دست می دهند. از این میان، روزانه ۲ کارگر تنها به دلیل سقوط از بلندی، یک کارگر روزانه بر اثر اصابت جسم سخت و ۲ کارگر دیگر به دلایل مختلف از جمله برق گرفتگی، سوختگی و کمبود اکسیژن و... جان می بازند.

در قانون کار ایران و در تعریف شغل‌های سخت و زیان آور آمده است: "کارهای سخت و زیان‌آور کارهای ایستاده در آنها عوامل فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی بیولوژیکی محیط کار غیر استاندارد بوده که در اثر اشتغال کارگر تشنیه مراتب بالاتر از ظرفیت‌های طبیعی (جسمی روانی) در وی ایجاد می گردد که نتیجتاً بیماری‌های عوارض ناشی از آن می باشد."

قانون کار سپس این مشاغل را تعریف می کند که در صدر آنها کار در معدن را می شود دید: "کار در معادن اعم از تحت الارضی یا سطح الارضی که ایجابی نماید کارگران در تونل‌ها و راهروها یسر پوشیده‌ها استخراج بپردازند. کار استخراج شامل جدا کردن یا منفجر ساختن مواد از سطح کار، حمل مواد عملیات مربوط به انفجار، اداره تاسیسات آب و برق در داخل معدن و به طور کلی هر گونه مباشرت و نظارتی که ایجاب نماید کارگر در تونل‌ها، راهروها یا میله های معدن انجام وظیفه نماید."

مطابق این قانون "بیمه شدگانی که حداقل بیست سال سابقه کار متوالی یا ۲۵ سال سابقه کار متناوب و پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان آور را دارا باشند، بدون شرط سنی می توانند درخواست بازنشستگی از سازمان تامین اجتماعی نمایند."

مهم ترین حوادث معدن در ایران

- حادثه معدن زغال سنگ طبس : در پی وقوع انفجاری در "معدن یال شمالی" طبس در سال ۱۳۸۶، هشت کارگر جان خود را از دست دادند.

- ریزش "معدن هوجدک" در راور کرمان: در آذرماه سال ۱۳۸۹ در پی ریزش این معدن، چهار نفر از معدنچیان جان خود را از دست دادند. گفتنی است، در نوزدهم فروردین ماه سال ۱۳۹۰ پیکر سه تن از کارگران کشف شد و از سرنوشت نفر چهارم خبری منتشر نشد.



- انفجار در "معدن کوهبنان" در استان کرمان: انفجار گاز در یکی از معادن زغال سنگ کوهبنان موجب کشته شدن سه نفر و زخمی شدن شش معدنچی دیگر شد. این حادثه زمانی روی داد که دهها کارگر در اعماق معدن در حال استخراج زغال سنگ بودند. در این حادثه تعدادی کارگر زیر آوار گرفتار شدند که با هوشیاری سایر معدنچیان و امدادگران از زیر آوار به سرعت خارج شدند و از حادثه جان به در بردند. اما شش نفر از معدنکاران دچار جراحت شدید شدند که به سرعت به بیمارستانهای اطراف منتقل شدند. سه تن از معدنچیان خوش شانس نبودند و به دلیل انفجار و ریزش معدن جان خود را از دست دادند.

- انفجار روز ۱۳ اردیبهشت امسال در معدن زمستان یورت بزرگ ترین فاجعه ای است که تاکنون در بخش معدن ایران اتفاق می افتد.

- معدن زمستان یورت در منطقه ای به همین نام واقع در ۲۵ کیلومتری جنوب شرق شهر آزادشهر در استان گلستان قرار دارد. این معدن با عمر ۱۶ سال، برای حدود ۶۰ سال آینده ذخیره زغال سنگ به میزان سالانه ۱۰۰ هزار تن را داراست. "زمستان یورت" (به معنای چادر قشلاقی) روستایی در نزدیکی معدن است که نام معدن از آن وام گرفته شده است. سلسله جبال البرز با مزیت‌های نسبی بالا از جمله ذخایر غنی معدنی زغال سنگ، از شمال غرب تا شمال شرق ایران ادامه دارد که شهرستان آزادشهر در بخشی از شرق آن قرار می گیرد.

مدیرعامل شرکت زغال سنگ شمال شرق گفت: "ظرفیت سالانه استخراج سنگ خام "کُک شو" از معدن زغال سنگ زمستان یورت ۱۰۰ هزار تن است که بخش فولاد کشور بیش از سایر بخشها نیازمند آن می باشد. بنابراین، این میزان به طور عمده روانه استان اصفهان می شود، هرچند در بخش کوره های آجر پزی نیز مورد استفاده و مصرف قرار می گیرد." علی نصیری افزود: "در زمان حاضر معدن زمستان یورت دارای پنج تونل فعال استخراج و یک تونل در آستانه بهره برداری است و با ۳۷۰ نفر کارگر و کارمند داریم، به عملیات استخراج مشغول است."

این معدن تحت تصدی دولتی نیست و متعلق به بخش خصوصی است که عمده سهام آن (حدود ۲۰ درصد)، به شرکت "مهر اقتصاد ایرانیان" - وابسته به بسیج - تعلق دارد و دیگر سهامداران خردتر نیز شامل "تکادو" (وابسته به شرکت سپاهان)، "نگین طبس"، کارمندان بازنشسته زغال سنگ و مردم عادی می باشند.

وزارت کار اعلام کرده است تمام کارگران معدن آزادشهر تحت پوشش بیمه با ضریب مشاغل سخت و زیان آور بوده اند و طی شش ماه آینده و با تعطیلی کارگاه، از مزایای بیمه بیکاری بهره مند خواهند شد.

ساعت ۱۲ و ۵ دقیقه چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت بر اثر انفجار در معدن زغال سنگ یورت، دهها کارگر کشته و مجروح شدند. گزارشهای اولیه حاکی بودند که جنازه دو کارگر از زیر آوار بیرون آورده شده و ۲۵ کارگر نیز به بیمارستان منتقل شدند. به گزارش رسانه های حکومتی حدود ۸۰ کارگر در این معدن مشغول به کار بوده اند که اکثر آنها زیر آوار معدن محبوس شدند. بنابر اظهارات رییس خانه صنعت و معدن رژیم در استان گلستان، دو روز بعد از حادثه ۲۱ جنازه کارگر معدن خارج شده است. این جنازه ها مربوط به معدنکارانی است که برای کمک به مصدومان وارد معدن شده بودند و این آمار مجزا از ۳۲ معدنکار محبوس شده در معدن است. لازم به ذکر است که به دلیل گاز انباشته در معدن، سگهای ردیاب و زنده یاب کارایی ندارند و تجهیزات وارد شده نیز پاسخگوی این کار نمی باشد. رژیم در وحشت از اعتراضات مردمی به

خاطر این فاجعه، یگانهای ویژه خود را در مقابل معدن مستقر کرد. کارگزاران رژیم به جای رسیدگی به مجروحان و تلاش برای نجات جان معدنکاران محبوس، اقدام به بسیج نیرو و استقرار یگان ویژه در محل کرده اند.

شرایط ظالمانه کار

مردادماه امسال "خبرگزاری مهر" با انتشار گزارشی تصویری از کار در معدن زغال سنگ طبس نوشت: "کارگران معدن زغال سنگ طبس در عمق ۳۰۰ متری زمین و در دو شیفت کاری ۶ ساعته در روز کار می کنند. این کارگران با قرارداد پیمانکاری، ماهیانه ۴۰۰ هزار تومان که حداقل حقوق تامین اجتماعی است را دریافت می کنند. کار کردن در معادن زغال سنگ به دلیل خطر ریزش معدن و وجود انواع گازهای کشنده و گرد زغال و خاک معلق در فضای معدن خطرات بسیار زیادی را برای سلامتی کارگران در پی دارد."

برخی از کارگران معدن در ایران علاوه بر شرایط سخت کاری، باید شرایط ویژه حقوق و دستمزد را نیز به مصایب شغلی خود اضافه کنند. شرایط کارگران معدن در منطقه طبس اصلا خوب نیست. یک مقام تشکل دولتی "خانه کارگر" طبس در این باره گفته بود: "بعضی از معادن خصوصی زغال سنگ از جمله "شرکت معدن جو و نگین" که سوابق حوادث کاری متعددی نیز در کارنامه دارند، کارگران را در دو تا سه شیفت کاری به صورت مداوم در ۱۵ روز به کار می گیرند. در حالی که طبق ماده ۵۲ قانون کار، کار در اعماق زمین به دلیل آثار زیان باری که در درازمدت بر سلامتی کارگران می گذارد، نباید در روز از ۶ ساعت و در هفته از ۳۶ ساعت تجاوز کند."



به گفته موسوی: "کارگران معدن طبس نه تنها از مزایای مشاغل سخت و زیان آور استفاده نمی کنند، بلکه روزانه با بیش از ۱۵ ساعت کار حتی حقوق و مزایای اضافه کاری شان نیز پرداخت نمی شود. این کارگران در طول ۱۵ روز کار مداوم ۱۵ ساعته، در سه شیفت کار می کنند و زمان استراحت شان را در خارج از معدن داخل اتاقکهای پیش ساخته فاقد امکانات رفاهی سپری می کنند."

وی با اعلام اینکه معدن داران دستمزد قانونی را به این کارگران نمی پردازند گفت: "کارگری که ۱۵ ساعت کار می کند، حدود ۵۰۰ هزار تومان حقوق می گیرد، در حالی که این دستمزد برای این میزان کار سخت و زیان آور، عادلانه نیست." این مقام محلی با اعلام اینکه کارگران شاغل در معادن با قرارداد یک ماهه مشغول به کار می شوند گفت: "در حال حاضر هیچ کارگر شاغل در معادن ذغال سنگ طبس به صورت دائمی کار نمی کند و حداکثر مدتی که یک کارگر در یک معدن شاغل است، شش ماه است و همین امر باعث می شود تا کارگر نتواند مطالبات قانونی خود را از کارفرما بخواهد."

اما این شرایط ویژه، مختص کارگران معدنهای طبس نبوده و نیست. رییس شورای اسلامی کار "معدن منگنز ایران" در قم نیز می گوید، کارگران این معدن از ضریب پایین حقوق ناراضی هستند: "ضریب حقوقی ۳۶۵ کارگر این معدن با میانگین سابقه ۱۵ سال کار، شاغل در یکی از بزرگ ترین معادن سنگ منگنز خاورمیانه، ۳۴۵۲/۵۷ است که باید اصلاح شود. این کارگران که در شرایط سخت و دشواری در اعماق ۳۴۰ متری زمین مشغول به کار هستند، به مرور دچار عوارض ناشی از کار دائم زیرزمینی همانند مشکلات تنفسی، دیسک کمر، افسردگیهای روحی و... می شوند."

رضا محمودی پارسیان، یکی از معدنچیان زمستان یورت با بیان اینکه این مسیر تونل در گذشته نیز از ایمنی مناسبی برخوردار نبود، اظهار داشت: "ما بارها این مساله را به مسوولان مربوطه معدن در شهرستان و استان اعلام کرده بودیم." این کارگر معدن با بیان اینکه معدنچیان در ۲ کارگاه و در هر شیفت ۱۶ ساعته فعالیت می کردند، افزود: "به صورت متوسط در هر کارگاه ۸ نفر مشغول به فعالیت بودند."

وی با بیان اینکه از روز گذشته بوی گاز در معدن استشمام می شد، این افزود: "موضوع به مسوولان توضیح داده شده بود، ولی در محل کارگاه یک دستگاه گاز برای سنجش گاز وجود نداشت. این تونلها راه دیگری ندارند و در مدت یک ربع تا ۲۰ دقیقه اکسیژن تمام می شد. بارها این موضوع را تذکر دادیم، اما هر کس اعتراض می کرد، از کار اخراج می شد." او افزود: "این تونل به صورت یکطرفه و محوطه بسته است و وقتی انفجار صورت می گیرد، همه موجودات زنده در تونل بر اثر گاز گرفتگی جان خود را از دست می دهند."

محمودی پارسیان با بیان اینکه ۱۸ ماه حقوق ما را پرداخت نکردند، گفت: "از سال ۱۳۹۲ تاکنون مسوولان مربوطه حقوقها را به صورت کامل واریز نکردند و در هر سال سه تا چهار ماه از حقوق ما را نپرداختند."

وی گفت: "این در حالی بود که در هر سال فقط ۳ ماه از بیمه ما را پرداخت می کردند و براساس قانون نیاز بود اینها در طول سال ما را بیمه کنند. و این حق ما معدنچیان بود."

او افزود: "۱۷ تا ۱۸ ماه طلبکار هستیم و حقوق نگرفتیم، چرا که در هر سال ۳ تا چهار ماه از حقوق ما را پرداخت نکردند."

یکی از بستگان معدنچسانی که در معدن آزادشهر گرفتار شده است، بیان کرد: "شرایط کاری معدنچیان معدن آزادشهر بسیار مشکل و سخت بود و به مطالبات آنها رسیدگی نمی شد. معدنچیان در همه تعطیلات باید سر کار می رفتند و زمانی که به این شرایط کاری اعتراض می کردند و به معدن نمی رفتند، پیمانکار برای آنها خروج از کار ثبت می کرد. معدنچیان چندین بار دست به اعتصاب زدند و به شرایط پرداخت حقوق خود اعتراض کردند، حتی جلوی فرمانداری آزادشهر رفتند اما هیچ کس به حرف آنها گوش نداد. برعکس بعضیها را گرفتند، کتک زدند یا جریمه ی نقدی کردند."

وی در باره انفجار معدن نیز تصریح کرد: "گفته می شود که انفجار معدن به خاطر خطای انسانی بوده است، اما جای سووال دارد که چرا یک معدن به خاطر یک خطای انسانی منفجر شود و چرا باید این حجم از گاز در معدن وجود داشته باشد؟ این در حالیست که در این معدن یک خروجی هوا وجود ندارد."

گسترش دامنه اعتراض

حسن روحانی که در جریان تور انتخاباتی خود به محل حادثه رفته بود، با شعارهای اعتراضی معدنچیان روبرو شد. روحانی خطاب به کارگران گفت: "در این حادثه همه مسوول هستیم و باید مشکلات موجود را پیگیری و کاستیها را جبران کنیم."

یک کارگر معدنکار در اعتراض به سخنان روحانی گفت: "آقای عزیز! چند سال پیش ما آمدیم آزادشهر شکایت کردیم و همکاران شما ما را با باتوم زدند و فرار کردیم. پارسال پس از ۱۴ ماه که حقوق نگرفتیم، با زنهائیمان آمدیم فرمانداری اعتراض کنیم و حقمان را بگیریم. یعنی تو رییس جمهور متوجه نشدی؟" سرانجام حسن روحانی در میان اعتراضات کارگران محل را ترک کرد.

همچنین کارگران مصدوم انفجار معدن آزادشهر در جریان عیادت نمایشی وزرای کار و صنعت کابینه آخوند روحانی از مصدومان نسبت به اینکه کارگران محروم و زحمتکش مقصر انفجار معرفی شده اند، اعتراض کردند. یکی از کارگران مصدوم با خشم و فریاد گفت: "همکار ما بیگناه بوده و آتش سوزی نمی تواند به علت اشتباه کارگران معدن باشد."

یکی دیگر از مصدومان گفت: "هیچگاه مسوولان به تذکرات ما توجهی نکردند و تقریباً یک هفته ای بود که بوی گاز به مشام کارگران می خورد و مسوولان به اعتراض و تذکر ما هیچ اعتنایی نداشتند."

یک مصدوم دیگر گفت: "آقای وزیر دیر آمدید و اکنون همکاران و رفقایمان را از دست داده ایم، ای کاش چند ماه زودتر فریاد کارگران مظلوم را می شنیدید."

همچنین تعدادی از معدنچیان در حاشیه جلسه ستاد بحران حادثه معدن آزادشهر که با حضور استاندار رژیم در استان گلستان برگزار شد، در خارج از چادر تجمع اعتراضی برگزار کردند. معدنچیان معترض گفتند: "حقوق ما به اندازه یک وعده عصرانه وزیران است و اگر به مشکلات مان اعتراض کنیم، اخراج خواهیم شد."

آنها گفتند بازرسی اداره کار و اداره صنعت تاکنون از معدن بازدید نداشته اند و این در حالی است که معدن زمستان یورت آزادشهر به دلیل مداربسته بودن، غیراستاندارد و غیرقانونی بوده و امکانات اولیه هم ندارد. این معدنچیان اشاره می کنند که دو هفته قبل به مسوولان تذکر داده اند که معدن استاندارد نیست و گاز نشتی دارد، اما آنها گفته اند اگر کار نمی کنید می توانید بروید!

همچنین استاندار رژیم در استان گلستان پس از ورود به این منطقه برای بازدید، با اعتراض خانواده معدنچیان روبه رو شد. آنها به روند کند امدادسانی به حادثه دیدگان اعتراض کردند. درباره تعداد مصدومان این حادثه رژیم برای پوشاندن فاجعه دردناک انفجار معدن آمارهای ضد و نقضی منتشر می کند. معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی استان گلستان از بستری شدن ۸۱ آسیب دیده در بیمارستانهای آزادشهر و گنبد خبر داد. از سوی دیگر یگان ویژه نیروی انتظامی در وحشت از خشم معدنچیان در محل حضور دارد. پاسدار رضا سلطانی، جانشین سرکرده تیپ ۲۳۰ شهید متاجی، از استقرار هفتاد تن از نیروهای خود در محل معدن خبر داد.

اعتراضها همچنان در مراسم تشییع پیکر کارگران شهید و مجالس یادبود آنها ادامه یافت... .

کلام آخر

قوه قضاییه خبر از دستگیری رییس معدن و تشکیل و ارجاع پرونده ی قضایی معدن زمستان یورت به دادگاه صالحه! خبر داد.

شیلی در سال ۲۰۱۰، جامعه جهانی را برای کمک به نجات جان کارگران معدن سن خوزه فراخواند. پس از ۷۰ روز، همه ۳۳ کارگر محبوس در عمق ۷۰۰ متری نجات داده شدند. در معدن یورت اما، گارد ضد شورش در محل معدن مستقر است!

منابع:

۱- مجله اقتصاد ایران

۲- تابناک

۳- تارنمای راه سازی و معدن " مبین "

۴- ایسنا

۵- کانال ایران آزاد

۶- ایلنا

۷- تسنیم



نامه افشاگرانه آرش صادقی از زندان

قدرت نامقید اخلاقیات را زایل می کند، اگر انسانها در پناه اصل براعت آرام نداشته باشند، آنجا که فرمان روایی حکومت نامشروط باشد، هیچ ابزاری برای محافظت افراد در مقابل حکومتها وجود ندارد. (بنزامن کنستان)

طی این مدت هشت ساله (۸۸ تا ۹۶) روزهای سختی را تجربه کردم. ورودم به دانشگاه همزمان می شود با فضای پادگانی که دولت احمدی نژاد بر دانشگاهها حاکم کرده است.



تعطیلی تشکلهای دانشجویی، تعلیق و اعمال شیوه های پلیسی، تحمیل فضای امنیتی بر دانشگاه، تحقیر دانشجو و استاد... این فضا را تاب نداریم و معتقدیم دانشگاه پادگان نیست، اعتراض می کنیم و ماحصل اعتراض می شود زندان و بعدها اخراج از دانشگاه.

یورش نیروهای امنیتی در سال ۸۹ به منزلمان (در حالی که در مرخصی چند روزه بودم) و کشته شدن مادرم در این یورش. پزشک اولیه مرگ مادر را حمله قلبی تشخیص می دهد ولی چند ماه بعد پزشکی قانونی علت مرگ را

خونریزی داخلی در ناحیه جمجمه که ناشی از اصابت سر مادر به شی سنگینی بوده را دلیل مرگ می داند. متلاشی شدن کانون گرم خانواده و عذاب وجدانهای دائمی کمترین هزینه این اتفاق بود.

اگر از اخراج از محل کارم با اعمال فشار دستگاه امنیتی در بازه زمانی که در زندان بودم و آزار خانواده و احضارهای گاه و بی گاه پدر، بازداشت و بازجویی چندساعته پدر و برادر همسرم بگذرم، اگر از هتاکیهها و آزار روحی و جسمی در دوران بازجویی خودم و همسرم و طرح بحث اعدام او به خاطر نگارش یک داستان در نقد حکم غیرانسانی سنگسار عبور کنم، فشارهایی که به همسرم در این مدت وارد کرده اند سخت ترین روزهای زندگی ام را برایم رقم زده است.

سال ۹۳ که همسرم گلرخ ایرایی از بند دو الف سپاه با وثیقه آزاد شد، پس از تحویل کارت شناسایی توسط یکی از عوامل اطلاعات سپاه، به همسرم و پدرش گفته می شود در صورت طلاق گرفتن همسرم از من، او (گلرخ) در دادگاه تبرئه خواهد شد.

متأسفانه همین مأمور که وابسته به تیم بازجویی دانشجویی سپاه است از همان روز شروع به مزاحمت برای همسرم می کند تا جایی که فرستادن پیامکهای غیراخلاقی برای ایجاد رابطه دوستی و تماسهای مکرر مورد انتقاد شدید همسرم قرار می گیرد. مأمور امنیتی در پاسخ تهدید می کند که اگر شکایت کنی برای من مساله ای ایجاد نمی شود ولی قطعاً برای تو و همسرت فرجام خوبی نخواهد داشت.

گلرخ برای طرح شکایت نزد معاون دادستان وقت رفته و با ارائه پیامکها و فایل صوتی تماسهای او از این فرد شکایت می کند، معاون دادستان قول پیگیری و برخورد می دهند ولی پس از چند هفته از عدم توانایی برخورد با عوامل امنیتی توسط قوه قضاییه پرده برداشته و می گوید زورمان به اطلاعات سپاه نمی رسد.

ماهها بعد از این اتفاق من از بند دو الف به بند ۸ اوین منتقل می شوم و توسط همسرم در جریان این موضوع قرار می گیرم. مورخ ۲۲ اسفند ۹۳ شکایتی را تنظیم کرده و برای نماینده دادستان در امور زندانیان سیاسی ارسال می کنم، ایشان وعده پیگیری و محاکمه افراد خاطی را می دهد، بعدها در جریان اعتصاب غذای ۷۲ روزه ام شکایت مجددی را در حضور دادیار ناظر بر زندان در پنج صفحه تنظیم کرده و از عوامل اطلاعات سپاه به خاطر هتک حرمت همسرم در جریان بازجوییها و بعد از آزادی شکایت می کنم که تا به امروز این شکایت همچنان مسکوت مانده است.

برخلاف قانون در سیستم فعلی بازجو آن چنان قدرت دارد که می تواند برای مرعوب و آزار متهم و خانواده اش از همه شیوه های غیر انسانی بهره گیرد و بدون وجود نهادی که بتواند آنها را کنترل و مهار کند خودسر رها شده اند.

راه مقابله با این بی قانونیها و توحش چیست؟

آیا رجوع به مراجع قضایی کمکی به حل این موضوع می‌کند؟

متأسفانه برنامه ریزی دستگاه امنیتی برای متلاشی کردن شیرازه خانواده زندانیان سیاسی در شرایطی شکل می‌گیرد که در نظامهای حقوقی مدرن هر چه بیشتر تلاش می‌شود اگر حتی به فرض فردی جرمی هم مرتکب شده باشد، امنیت روانی زندانی و خانواده او کمتر دچار اختلال شود و زمانی که دوران محکومیت او به پایان می‌رسد، مشکلی بر سر راه بازگشتش به زندگی عادی در جامعه وجود نداشته باشد.

حاکمیت جمهوری اسلامی عملاً با اصالت دادن به قدرت سیاسی در واقع تفسیر تازه‌ای از اخلاق و دین ارائه می‌دهد که هیچ ارتباطی به اسلام از ۱۴۰۰ سال پیش به این سو ندارد. بر اساس این تعریف هرگونه عمل غیراخلاقی (از حذف و زندان منتقدان و مخالفان) ذیل پارادایم حفظ نظام مجاز تلقی می‌شود.

نمونه آن فتوای برخی مجتهدان برای قتل روشنفکران در پروژه قتل‌های زنجیره‌ای و برگزاری دادگاه‌های نمایشی و حکم‌های فرمایشی و صدور احکام سنگین که یادآور دادگاه‌های تفتیش عقاید قرون وسطی می‌باشد. وقتی بازجو به خانواده متهم وعده ۶ و ۱۵ سال حکم را می‌دهد و همان حکم عیناً تأیید می‌شود، وقتی رابطه قاضی و نماینده دستگاه امنیتی رابطه دو همکار برای انجام یک پروژه مشترک علیه توست، آیا امیدی به اجرای عدالت وجود دارد؟! مرگ یک نظام سیاسی را بهتر از هر جا در آینه رفتار آن با منتقدان و شهروندانش می‌توان دید. به امید روزی که دیگر شاهد تعرض به ساحت انسانیت نباشیم.

پی نوشت: با توجه به عدم استقلال قوه قضاییه و موارد نقض قانون اعم از بازداشت و انتقال به خانه امن؛ آزار و شکنجه روحی و جسمی در جریان بازداشت و پس از آن (مزاحمت یکی از عوامل سپاه) و برگزاری دادگاه غیابی بدون حضور همسر و عدم دسترسی به مرجعی مناسب برای دادخواهی و پایان موعده دستگاه قضا برای رسیدگی به پرونده و آزادی همسر حق اعتراض به هر شکل را در آینده‌ای نزدیک برای خودم محفوظ می‌دانم!

آرش صادقی

اردیبهشت ۹۶

بند ۳۵۰ زندان اوین



زیر محک زمان

قطعه‌نامه‌های سه اجلاس شورای عالی سپفخا

(۱۳۸۸ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۳)

ناشر: سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

چاپ اول: ۱۳۹۴

چاپ و صحافی: چاپخانه باقر مرتضوی، آلمان - کلن

برای دریافت این کتاب با آدرس زیر مکاتبه کنید

NABARD/ B.P. 77 / 91130 Ris orangis/

France

می‌توانید با آدرس ای میل زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

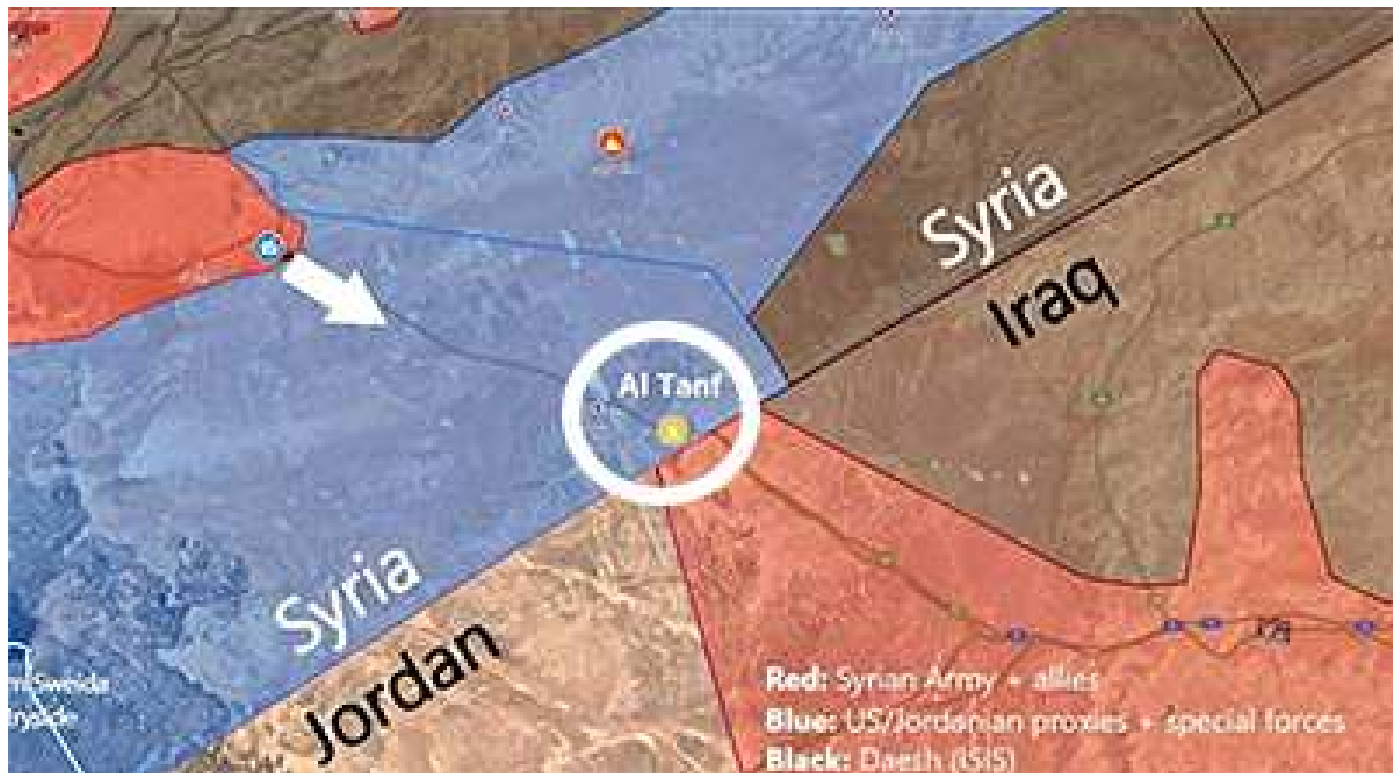
بهای کتاب ۷ یورو

هزینه پستی ۲ یورو



آیا قواعد جنگ سوریه تغییر کرده؟

دوران پس از داعش در سوریه و عراق آغاز شده است و بازیگران اصلی در پی تامین بیشترین منافع خود از این شرایط هستند. در یک شهرک کوچک در جنوب سوریه، آمریکا قواعد جدید جنگ سوریه را تعیین می کند.



توماس فن در استن - ساکن/جانگل ورلد
برگردان: بابک

حکومت اسلامی (داعش) در سوریه و عراق به شتاب در حال از بین رفتن است. در موصل، جهادیه‌ها فقط یک محله را کنترل می کنند و "پایتخت" آنها "رقه" نیز به شدت از سوی میلیشیاها "ائتلاف دموکراتیک سوریه" که توسط "یگانهای مدافع خلق" هدایت شده و از سوی ارتش آمریکا پشتیبانی می شوند، زیر فشار قرار دارد. داعش با وجود مقاومت، در حال عقب نشینی است و بازیگران مدتهاست که به دوران پس از آن می اندیشند. چه ایران، اسد، حزب الله و چه ارتش آزاد، ترکیه، اسلامگراها و حامیان شان، هر کس می خواهد بیشترین سود را از این شرایط ببرد. ایران در رویای ایجاد یک کریدور زمینی به دریا است، همچنین حزب برادر پ کا کا، "حزب اتحاد دموکراتیک" (PYD)، از نقشه ای مبنی به رسیدن به دریای مدیترانه سخن می گوید. ترکیه به نوبه خود می خواهد با تمام توان از تحقق این امر جلوگیری کند. همزمان، عربستان سعودی، اردن و نیز اسرائیل تلاش می کنند توسط پشتیبانی از شورشیان نزدیک به خود، ایران و متحدانش را متوقف کنند.

تاکنون آمریکا بر اساس اصل تعیین شده از سوی اوباما حرکت می کرد که بر مبنای آن جنگ در سوریه تنها علیه داعش پیش برده می شد. ارتش آمریکا آگاهانه از درگیری با ارتش سوریه، حزب الله، شبه نظامیان شیعی و نیروی هوایی روسیه پرهیز می کرد و حتی عملیاتش را با مسکو هماهنگ می کرد. این تاکتیک تا زمانی که داعش بخشهای بزرگی از سوریه و عراق را زیر کنترل داشت، موفقیت آمیز بود. در ماههای اخیر، نیروهای ارتش آزاد سوریه که از سوی آمریکا پشتیبانی می شوند، علیه داعش در مرز سوریه - اردن وارد عمل شده اند. آنها توسط نیروهای ویژه آمریکا و نیز ارتش اردن حمایت می شوند.

ارتش آزاد به تازگی شهرک "التنف" را به تسخیر خود درآورده و در آنجا یک پایگاه نظامی ایجاد کرده است. مشکل این است که التنف در جاده اصلی و استراتژیک بین بغداد و دمشق قرار گرفته که کنترل آن هدف اصلی ایران و متحدانش است. زیرا اگر آنها این جاده را در دست داشته باشند، می توانند از طریق زمینی به اسد و حزب الله تدارکات برسانند. آینده سوریه بیش از همه به این وابسته است که چه کسی پس از پایان جنگ با داعش، مرزهای این کشور با عراق را کنترل می کند.

در شمال، "حزب اتحاد دموکراتیک" که از سوی آمریکا حمایت می شود، توانسته در هفته های اخیر مناطق تحت کنترل خود را به طور پیوسته گسترش دهد. اکنون ایران ناچار شده نقشه ایجاد کریدور زمینی بین سوریه و ایران را به جنوب منتقل کند. و از جنوب، ارتش آزاد سوریه، یک متحد دیگر آمریکا، در حال پیشروی است. اینک اما دیگر در واشنگتن دولتی وجود ندارد که ملاحظه منافع ایران را کند، بلکه دولتی فرمان می راند که برعکس از ایران به عنوان مشکل اصلی خاورمیانه یاد می کند.

از هنگامی که ترامپ یک پایگاه هوایی سوریه را به تلافی استفاده دوباره نیروهای سوری از سلاح شیمیایی بمباران کرد، برای مسکو، تهران و دمشق روشن شده که قواعد بازی تغییر کرده است. اگر متحدان آمریکا گذرگاههای مهم مرزی بین سوریه و عراق را به کنترل خود درآورند، این امر با نقشه های ایران به طور پایه ای تصادم پیدا می کند. به همین دلیل ایران، حزب الله و شبه نظامیان سوری را به سمت التنف به حرکت درآورد. به گفته خبرگزاری دولتی "فارس نیوز"، هدف از این پیشروی، جلوگیری از یک "توطئه آمریکایی" بود. نیروهای هوادار اسد می گویند آنها در آنجا علیه "شبه نظامیان صهیونیست" می جنگند.

این بار اما نیروهای آمریکایی واکنش نشان دادند.

سخنگوی یک گروه شورشی مورد حمایت پنتاگون روز پنجشنبه (۱۸ می/۲۸ اردیبهشت) گزارش داد، هواپیماهای جنگی ائتلاف آمریکا یک ستون از شبه نظامیان تحت حمایت ایران و نیز شبه نظامیان سوری را مورد حمله قرار دادند. این ستون در حال حرکت به سمت پایگاه نظامی التنف در جنوب سوریه بود. در آنجا نیروهای ویژه آمریکا مستقر هستند.

یک سخنگوی گروه "جیش مغاویر الثوره" (ارتش فرماندهی انقلاب) در این باره به رویتر گفت، پس از یک برخورد نیروهای شورشیان با شبه نظامیان در حال



پیشروی سوری و ایرانی در ۲۷ کیلومتری پایگاه، هواپیماها به آنها حمله بردند. وی گفت: "ما به نیروهای ائتلاف اطلاع دادیم که مورد حمله قرار گرفته ایم و آنها آمدند و ستون نظامی را متلاشی کردند."

"سید صیف"، یک نماینده گروه "شهید احمد عبدو"، وابسته به ارتش آزاد، می گوید، حمله آمریکا به شورشیان کمک خواهد کرد از قلمرو خود در برابر شبیخون ارتش و شبه نظامیان تحت حمایت ایران حفاظت کنند.

منابع سازمانهای جاسوسی غرب به رویتر گفتند، نیروهای ویژه آمریکایی و انگلیسی در حال توسعه پایگاه التنف با هدف بیرون راندن جنگجویان حکومت اسلامی (داعش) از استان جنوبی "دیرالزور" هستند که از جنوب شرقی سوریه تا مرز عراق امتداد می یابد.

از همین رو روسیه و دولت سوریه حمله به ستون شبه نظامیان را به شدت محکوم کردند، چرا که در التنف می تواند قواعد نانوشته و تاکنون معتبر جنگ سوریه به گونه پایدار تغییر کند. اگر آمریکا از این پس به طور منظم در پشتیبانی از

شورشیان سوری وارد درگیری شود، افزون بر روسیه یک نیروی هوایی دیگر وارد بازی گردیده که می تواند پیشروی شبه نظامیان مورد حمایت ایران را متوقف کند. آیا واشنگتن نقشه کنترل درازمدت مناطق مرزی را می کشد؟ در هر صورت دولت ترامپ از ایجاد یک ائتلاف با عربستان سعودی و کشورهای دیگر خلیج فارس صحبت می کند. اگر این امر اتفاق بیفتد، درگیریهایی بیشتر با متحدان ایران اجتناب ناپذیر خواهد بود؛ یک درگیری که به سرعت می تواند گسترش پیدا کند، زیرا در عراق هم شبه نظامیان شیعی و نظامیان آمریکایی فقط چند قدم از یکدیگر فاصله دارند. ایران برای مدت زیادی حضور نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه را تحمل نخواهد کرد. بنابراین التنف می تواند شروع یک فصل به کلی جدید در جنگ سوریه باشد و در این راستا دوره ای که آمریکا به صورت دوفاکتو با ایران همکاری می کرد، به نظر می رسد به گذشته تعلق دارد.



به یاد فرزند کمانگر

فرنگیس بایقره

۱۹ اردیبهشت روزی است با نام او: "فرزاد کمانگر". آری، این روز سالگرد سر به دار شدن این معلم دلآور است که جرمش روشننگری، آزادیخواهی و تلاش برای تغییر دادن بود. در نگاه رژیم دیکتاتوری و جلاد جمهوری اسلامی، هر مبارزه ای که با سلاح قلم رقم خورد، خود از جرمهای نابخشودنی به حساب می آید. در زمان حاضر مبارزه برای حقوق بشر از مبارزه با سلاح آتشین نیز برای دشمن بشر کابوس آفرین تر و وحشتناک و مهلک تر است. در دنیایی که همه در تلاش آفریدن جهانی بدون ستم و جنگ هستند، امپریالیسم و حامیان مزدورش در تلاش حفظ قوانین ضد انسانی خود هستند تا نظام شان را بقا بخشند.



آفتاب نیم نگاهی به من انداخت و گفت: نشسته ای و گذر آب را می نگری...؟ می دانی چه کسانی از لب این جو عبور کرده اند و گذشته اند؟ می دانی که رفته اند و بازنگشته اند؟ می دانی که کسی بود و کسانی که دیگر نیستند و می باید می بودند و می ماندند تا این آب زلال و زلال تر گردد؟ ببین خوب بنگر! آب را آلوده اند... خوب بنگر! قطره های خونی را که دیگر با آب نمی آمیزد خواهی دید.

من ندیدم، نمی توانستم ببینم آیا؟ چشمانم پر از اشک شده بود. سر به آسمان بلند کردم تا شعاع آفتاب دیدگانم را روشن تر کند. اشک در چشمانم خشک شد. دیده ام از شوری اشکم به سوزش افتاد. ای اشک لعنتی تو هم دیگر نمی باری؟ گاهی دیده را باید شست، اما وقتی اشکی نمانده باشد، شعاع آفتاب نیز دیده ات را تار می کند... به آسمان خیره ماندم. ابری آمد و آهسته آهسته روی خورشید را گرفت. باز قلبم فشرد و بغضم گرفت. آهی از درونم برخاست و بیاد آوردم در این دشتهای و کوهپایه ها که آب و جویباران در گذر است، معلمانی با فرزندان کار و کوشش و تلاش، دانش آموزان پاپتی و جامه دریده با وصله های رنگارنگ بر روی جامه های شان، با کودکان و حتی خردسال ره پیموده اند. آری، آنها به دنبال

یافتن لاله ها و بوییدن عطر خوش گل‌های زیبای کوهساران و دشت و دمنها، به دنبال یافتن حقیقت‌های تلخ و زیبای زندگی پر آلام آلوده به رنج و درد و غم و هزاران بدبختی دیگر از نابرابریها و ستمها، در این فراز و نشیبها پیش رفته اند. آنها با معلمانی همچون صمد، مرضیه، روح انگیز، بهروز، کاظم، غزال و صبا (مهین) و نیز فرزاد در این تپه ها و دره ها ره پیموده اند. آنها به خاک و آب و گل و گیاه و درخت به آفتاب و به حیات عشق ورزیده اند.

فرزندان و یا درست تر بگوییم، دانش آموزان و نوباوگان فرزاد (که اکنون جوانانی کم و بیش آگاهند) "آ" را با آب جویبارهای جاری از کوههای سرزمین بی پشت و پناه کردستان آموخته اند. آنها درس "آ" را با آدمیت، از آذرخش و آفتاب سوزان و داغ سرزمین خویش و با آه های جانکاه مادران داغ‌دیده شان فرا گرفته اند. "ب" را با بابا آیا؟ یا با باد و باران و باد و برف و بوران و بهمنهای کولبر کش منطقه شان آموخته اند.

آنها فرزندان بوده اند کوچک که چند سال پیش با پاهای زخمی و با هزار مشقت این صخره ها را درنوردیده اند و چه شیرین بوده خاطره اینکه فرزاد برایشان کفشهایی از حقوق ناچیز معلمی اش تهیه می کرد و به آنها می بخشید. آری، این کودکان سرخوش و سرمست از هدایای گرانبهای معلم خود صخره ها و سنگلاخ ها را درنوردیده اند. از سنگسار رودخانه ها گذشته اند و با آتش و سوزش بی عدالتی در جامعه طبقاتی در آمیخته اند. شاگردان فرزاد. فرزادی که نامش آوازه روستاهای فقر زده کامیاران بود و هست. چه زیبا بود آن همراهیها و همدلیها. بی ریا، پاک و سرزنده.

یاد دادن کار فرزاد کمانگیر بود. او می دانست که باید آموخت و آموزش داد. باید پرورد و پرورش داد، انسانها را چون گلها و درخت و حتی حیوانات زیبای طبیعت رشد باید داد. او می دانست آزادگی را باید در دامان طبیعت جستجو کرد؛ طبیعتی که دیگر اکنون او نیز در دست حاکمان در زنجیر است و در نشیب نابودی و اضمحلال قرار گرفته است. فرزاد معلمی بود آگاه و روشنگر از تبار خاک و خون و آتش و مبارزه کردستان. و این بود که حاکمان را بر می انگیخت و به هیچ رو به مزاج انسان خوار و خونخوار جلادان خوش نمی آمد.

او از تباری بود که همواره تحت ستمهای مختلف موجود در کشورمان بوده و هست؛ تباری که در سرزمین اش صدای آتشبار، خمپاره و گلوله در نقطه نقطه آن طنین افکن است و در کوه و تپه هایش، بر صخره های زخمی اش پژواک هر شلیک گلوله نه هفت که هفتصد می شود.

او از سرزمینی بود که در آن علم، دانش و آگاهی بس خطرناک است. معلم بودن در آنجا هم، به آن صورتی که ایده آل فرزاد بود، جرمی ست بس سنگین.

تلاشها و کوششهای معلم پر شور فرزاد کمانگیر، توانمندیهایش و روشهای آموزشی او و در کل فعالیت‌های پیگیرانه اش در عرصه های گوناگون، جلادان را بر می انگیخت تا در پی اش باشند، تا شکارش کنند و یا بهتر بگوییم، تا همچون ماهی سیاه کوچولو صیدش کنند. او مثل صمد بهرنگی بود و درست مثل صمد بهرنگی ۱۲ سال معلمی کرد.

فرزاد کمانگر آموزگار بود و همزمان به فعالیت مدنی و فرهنگی پرداخت و آگاهی و علم و حرفه اش را درهم آمیخت و به فرزندان روستایی درس چگونه زیستن را آموخت. فرزاد ۱۲ سال سابقه معلمی در شهرستان کامیاران را داشت و دبیر هنرستان کار و دانش این شهرستان بود. در ماهنامه فرهنگی آموزشی رویان با نام مستعار "سیامند" مقاله می نوشت و عضو انجمن صنفی فرهنگیان و انجمن زیست محیطی ناسک (آهو) بود. فرزاد کمانگر در زمینه حقوق قومی و مسایل زنان نیز فعال بود. (۱)

پاسداران دست آموز حاکمان جلاد و خونخوار جمهوری اسلامی در کمین بودند و چون قدرت به دام انداختن او را در کامیاران نداشتند، او را در مرکز جولانگاه شان، در تهران به دام انداختند. فرزاد را در مرداد ۱۳۸۵ به اتهامهای واهی عضویت در پژاک و شرکت در عملیات خرابکارانه دستگیر می کنند.

"به راستی چه پلید و نفرت انگیزند آنها که برای نگرهبانی نظام بنا شده بر مالکیت خصوصی، پیکار می کنند و خون می ریزند، حتی اگر بپذیریم که برای رسیدن نظام کمونیسم گذار از این دوره هم ضروری است." (۲)

فرزاد سالها نوشته بود و سالها از زندگی دفاع کرده بود، دشمن این را بر نمی تافت و چنان شد که هرگز نمی باید می شد. او را پس از دستگیری مدتها در بند ۲۰۹ اوین و بازداشتگاه اطلاعات سنندج مورد شکنجه قرار می دهند. فرزاد طی ۳۳ ماه حبس در زندانهای اوین، رجایی شهر و سنندج در سلولهای انفرادی، تحت بدترین شرایط مورد آزار و اذیت قرار گرفت. هر بار که ماه اردیبهشت می آید، می نویسیم، می نویسیم و قلبمان از زخمهای مرهم نیافتنی شرحه شرحه می شود، آخ! اردیبهشت ماه خون است، ماه اعدام است، ماه تیربارانهای مکرر، ماه حلق آویز کردن لاله های سرخ وطن.

می دانیم که فرزاد را همراه چهار تن از عزیزان کرد دیگر، شیرین علم هولی، ۲۹ ساله و زندانی سیاسی اهل ماکو، علی حیدریان و فرهاد وکیلی، فعالان سیاسی اهل سنندج و مهدی اسلامیان در زندان اوین اعدام کردند. فدایی شهید، مرضیه احمدی اسکویی در رثای رفقای گروه "آرمان خلق" شعری سروده است که می تواند شرح حال شهیدان اردیبهشت باشد ... آنها هم پنج نفر بودند:



"آرمان خلق" ین بئش شهیدی ئوچون

سحر سحر یوردوموزدان
 قارانلیق گئجه قاچمامیش
 هله گ.نش قیزیل ساچئن
 اوجا داغلارا آچمامئش
 بئش قهرمان یاد دا قالان
 تاپشئرئلدی جلاد لارا
 مین لر تمیز سئوه ن قلبه
 ووردو جلاد؛ درین یارا
 تازا قانلار قورومامئش
 گئنه توکولدو؛ ناحاق قان بوردا
 بوجور ایستی قئرمئز قانلار
 بزک وئریر بیزیم یوردا
 قانماز طوفان، بئله بیلمز
 باهاردا لاله فصلینده
 بیر گول چمند ن سولدورسا
 مین لر تازا، لاله آچار
 سونسوز دوشمن نئجه قانسئن
 ائل لر آزادلق، یولوندا
 بیر قهرمان شهید اولسا
 مین ئوره ک د ن قورخو قاچار

ترجمه فارسی:

در رثای پنج شهید "آرمان خلق"

بامدادان به هنگامی که هنوز
شب تیره از دیارمان نگریخته بود
و هنوز خورشید گیسوان زرینش را
بر کوهساران بلند نگشوده بود
پنج قهرمان به یاد ماندنی
به جلادان سپرده شدند
هزاران قلب عاشق و پاک را
جلاد زخم عمیقی زد
هنوز خونهای تازه ریخته، نخشکیده بود
که باز هم خون ناحق ریخته شد
خونهایی بدین سان گرم و سرخ
سرزمین ما را زینت می بخشند
توفان به نادانی در نمی یابد که
در بهاران هنگام شکفتن لاله
اگر یک گل در چمن پژمرد
هزاران لاله نو می شکفت
دشمن نا فرجام، چگونه دریابد؟!
که در راه توده ها و به راه آزادی
هرآینه قهرمانی شهید شود
هراس از هزاران دل می گریزد
پازیز ۵۰ (دالغا)

پانویس:

(۱) در این که فرزاد کمانگر به مسایل زنان می پرداخته است، شکی نیست. من به بخشی از نامه فرزاد به دانش آموزانش که در اسفند ۱۳۸۶ نوشته است اشاره می کنم. او در این نامه به دانش آموزان دخترش چنین نوشته است: "کاش می شد باز پای ثابت حلقه "عمو زنجیرباف" دختران کلاس اول می شدم، همان دخترانی که می دانم سالها بعد در گوشه دفتر خاطرات تان دزدکی می نویسید کاش دختر به دنیا نمی آمدید.

می دانم بزرگ شده اید، شوهر می کنید، ولی برای من همان فرشتگان پاک و بی آلایشی هستید که هنوز "جای بوسه اهورا مزدا" بین چشمان زیبای تان دیده می شود. راستی چه کسی می داند اگر شما فرشتگان زاده رنج و فقر نبودید، کاغذ به دست برای کمپین زنان امضا جمع نمی کردید و یا اگر در این گوشه از "خاک فراموش شده خدا" به دنیا نمی آمدید، مجبور نبودید در سن سیزده سالگی با چشمانی پر از اشک و حسرت "زیر تور سفید زن شدن" برای آخرین بار با مدرسه وداع کنید و "قصه تلخ جنس دوم بودن" را با تمام وجود تجربه کنید.

دختران سرزمین اهورا! فردا که در دامن طبیعت خواستید برای فرزندانمان پونه بچینید یا برای شان از بنفشه تاجی از گل بسازید، حتماً از تمام پاکیها و شادیهای دوران کودکی تان یاد کنید."

(۲) رفیق مرضیه احمدی اسکویی، کتاب "خاطراتی از یک رفیق"

زنان در مسیر رهایی (اردیبهشت ۹۶)

اسد طاهری

قهرمان پارالمپیک ۲۰۱۶ ریو از سوی همسرش ممنوع الخروج شد

ایسنا/ رادیوفردا، ۱۸ اردیبهشت - زهرا نعمتی، پرچمدار بازیهای المپیک ۲۰۱۶ ریو و قهرمان پارالمپیک ۲۰۱۶ ریو در رشته تیر و کمان، از سوی همسرش ممنوع الخروج شد.



رهام شهابیپور، همسر زهرا نعمتی، در این باره گفت: "بعد از بازیهای پارالمپیک ریو، زهرا نعمتی بنا به دلایلی منزل را ترک کرده و تا این لحظه با وجود این که چندین بار خواستار بازگشت او به منزل بودم، از زندگی با من امتناع کرده و حتی درخواست طلاق داده است." زهرا نعمتی نخستین زن در تاریخ ورزش ایران است که موفق به کسب مدال طلا در بازیهای جهانی المپیک و پارالمپیک شده است.

براساس ماده ۱۸ قانون گذرنامه ایران، زن شوهردار "ولو کمتر از ۱۸ سال" تنها با موافقت کتبی شوهر و یا در موارد اضطراری اجازه دادستان شهرستان محل درخواست گذرنامه، می تواند گذرنامه دریافت کند. ماده ۱۹ همین قانون نیز تصریح کرده است در صورتی که "موانع صدور گذرنامه بعد از آن حادث شود"، "از خروج دارنده گذرنامه جلوگیری و گذرنامه تا رفع مانع ضبط خواهد شد".

فروردین سال جاری، نام زهرا نعمتی در کتاب رکوردهای گینس ثبت شد. او همچنین در سال ۲۰۱۴ از طرف بنیاد جهانی توسعه ورزش به عنوان یکی از ۱۸ ورزشکار نمونه جهان انتخاب شد.

همسر زهرا نعمتی همچنین تهدید کرد: "اگر نعمتی بخواهد به همین روال به مسایل دامن بزند، مطالبی را از طریق رسانه ها عنوان میکنم که میتواند تبعاتی هم برای خود وی و هم برای ورزش بانوان به دنبال داشته باشد."

برای اولین بار یک عضو پارلمان استرالیا در جلسه به فرزندش شیر داد

بی بی سی، ۲۰ اردیبهشت - "لاریسا واترز"، عضو مجلس سنای استرالیا، در پارلمان این کشور به فرزند خود شیر داده و به این ترتیب اولین سیاستمداری شده که چنین می کند.



مجلس عوام سال گذشته به مجلس سنا پیوست و شیر دادن با سینه به نوزادان را مجاز شمرد، اما تاکنون هیچ عضوی از دو مجلس عملاً از این حق استفاده نکرده بود. این تصمیم پس از جنجالی در سال ۲۰۱۵ گرفته شد، زمانی که از "کلی اودوایر"، وزیر دولت، خواسته شد برای پرهیز از غیبت در جلسات کاری پارلمان، شیر خود را پیشاپیش بدوشد.

خانم واترز در صفحه فیسبوک خود نوشت: "باید مادران و والدین بیشتری در پارلمان حضور داشته باشند. ما به یک محیط کاری انعطاف پذیر و مناسب برای خانواده و مراقبت ارزان از کودکان برای همه نیاز داریم."

"کیتی گالاگر"، سناتور حزب کارگر گفت: "باید به اهمیت این لحظه اذعان کرد. بچه دار شدن زنان که تمام نمی شود و اگر آنها بخواهند کارشان را انجام دهند و سر کار بروند و از بچه مراقبت کنند، باید شرایط آن را مهیا کنیم."

تا سال قبل اعضای پارلمان در مجلس عوام می توانستند نوزادان را به دفاتر پارلمانی یا سالنهای عمومی آن ببرند. در مقابل، شیر دادن به بچه از سال ۲۰۰۳ در سنا آزاد بود. این موضوع در اطراف جهان مساله ای حساس است. در سال ۲۰۱۶، "کارولینا بسکانسا"، نماینده پارلمان اسپانیا، نوزادش را به پارلمان برد و به او شیر داد. او به خاطر این کار با سرزنش یک گروه و تمجید گروهی دیگر روبرو شد.

نامه زنان زندانی به دادستان تهران درباره وضعیت آتنا دائمی

دوپچه وله، ۲۵ اردیبهشت - ۱۸ تن از زنان دربند در زندان اوین در نامه ای به دادستان تهران با ابراز نگرانی از اوضاع جسمانی آتنا دائمی، فعال مدنی، خواستار رسیدگی فوری به وضعیت او شدند. دائمی از ۱۹ فروردین در اعتصاب غذا به سر می برد.



در این نامه تاکید شده که باوجود وضعیت ناگوار جسمانی این زندانی، تاکنون پیگیریهای خانواده و وکیل او نتیجهای نداشته است. در این نامه با اشاره به این که ادامه اعتصاب غذای خانم دائمی موجب نگرانی شده، از جعفری دولت آبادی خواسته شده: "دستور لازم جهت رسیدگی صادر نموده و با بهره گیری از اختیارات قانونی خویش روند رسیدگی را تسریع نمایید."

مادر آتنا دائمی می گوید، دخترش از اواخر مهرماه ۱۳۹۳ بعد از شرکت در تجمعیصلح آمیز در مقابل ساختمان سازمان ملل متحد در تهران در اعتراض به حمله گروه "دولت اسلامی" (داعش) به مردم کوبانی در سوریه، توسط اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بازداشت شد. او ابتدا به اتهامهایی نظیر "اجتماع و تبانی برای بر

هم زدن امنیت کشور" و "توهین به رهبری" به ۱۴ سال حبس تعزیری محکوم شد. سپس این حکم در دادگاه تجدیدنظر تغییر کرد و به ۷ سال کاهش یافت.

محرومیت دایمی ملیپوش فوتسال بانوان به دلیل بی حجابی در خارج

صدای آمریکا، ۲۶ اردیبهشت - شیوا امینی، ملی پوش فوتسال بانوان ایران، می گوید به خاطر انتشار عکسهای بدون حجاب در خارج از کشور، از سوی مقامهای فدراسیون فوتبال و حراست برای همیشه از تیم ملی خط خورده است. این بازیکن فوتسال با انتشار عکسی از خود در شرح ماجرا نوشته: "ما این همه سکوت و صبوری تحمل می کنیم، حجاب سفت و سخت را درست مثل مومیایی شده ها بازی می کنیم که مدال بیاریم و مرتب می گوئیم مهم نیست." او درباره دلیل خط خوردن از تیم ملی گفته: "همه تلاشم را کردم تا از طریق تماس و مکالمه با فدراسیون بانوان و حراست راه خودم را باز کنم که به خاطر حجاب حذف نشوم، ولی اینها فقط ته دل آدم را خالی می کنند و می گویند شخصی و خصوصی نداریم، وقتی ملی پوش بودی، باید توی صفحه شخصی و یواشکی خودت هم با حجاب باشی. این بی رحمی است."

اظهارات این ملی پوش فوتسال بانوان ایران با واکنش فدراسیون فوتبال ایران مواجه شده است. در بیانیه فدراسیون فوتبال ادعا شده که وی از سال ۸۹ عضو تیم ملی نبوده و خط خوردن او بخاطر بی حجابی نیست.

خانم امینی در مطلب خود در اینستاگرام نگفته که تازه از تیم ملی خط خورده یا همان موقع، اما او در واکنش به بیانیه فدراسیون فوتبال گفته تمام فایل‌های گفتگو با مسوولان حراست و فدراسیون را پخش می کند تا مردم ببینند پشت پرده چه چیزهایی برایشان مهم است و چه فشارهایی وجود دارد.

گسترش ممنوعیت کمک‌های بین المللی آمریکا برای سقط جنین

میدان، ۲۶ اردیبهشت - مقام‌های دولت ترامپ ممنوعیت کمک به سازمان‌های بین‌المللی را که در زمینه سقط جنین کار میکنند، به طور قابل‌ملاحظه ای گسترش دادند. این ممنوعیتها شامل کمک‌های خارجی ۸/۸ میلیارد دلاری حال حاضر آمریکا نیز می شود.

"مارجوری دنفلسر"، رییس "کمیته کنش سیاسی ضد سقط جنین" می گوید: "تصمیم آمریکا نتایج جهانی دارد. سیاستی که از امروز اجرایی می شود، یکی از دلایل تلاش گروه‌های "حامی زندگی" برای انتخاب دونالد ترامپ است. ما به صورت رسمی صادر کردن سقط جنین به ملت‌های دیگر را متوقف کردیم."

قوانین آمریکا پیشتر استفاده از درآمدهای مالیاتی برای ارایه خدمات سقط جنین را ممنوع کرده بود. در دوره ریاست رونالد ریگان کمک به سازمان‌های غیردولتی که در موضوع سقط جنین کار می کردند و یا برای سقط جنین مشاوره می دادند هم ممنوع شد.

باراک اوباما در سال ۲۰۰۹ این قانون را لغو کرد، اما ترامپ با صدور یک فرمان اجرایی دیگر این ممنوعیتها را برگرداند و حتی فراتر از این هم رفته و وزیر امور خارجه آمریکا را مامور کرده تا برنامه های جهانی بیشتری را که می توان در زیر این ممنوعیت جمع کرد، شناسایی کند.

منتقدان می گویند این قانون ادامه کار هزاران مامور بهداشت در جهان که به فعالیتهای بهداشتی تنظیم خانواده که سقط جنین هم یکی از آنهاست می پردازند، با سووال روبرو می سازد.

پارلمان اتریش ممنوعیت برقع و روبنده را تصویب کرد

دوپیچه وله، ۲۷ اردیبهشت - قانونگذاران اتریش طرحی را به عنوان بخشی از قانون جدید مهاجرت تصویب کرده اند که پوشاندن کامل صورت را در ملاءعام غیرقانونی اعلام میکند. طرح ممنوعیت پوشش برقع باوجود اختلاف نظرهایی که سبب شکاف در ائتلاف حاکم اتریش شده بود، از حمایت هر دو حزب حاکم "سوسیال دموکرات" و "مردم" اتریش برخوردار بود و در پارلمان این کشور تصویب شد.

برابر این قانون، از اکتبر ۲۰۱۷، پلیس کسانی که پوششی در بر دارند که صورت شان را می پوشاند، جریمه نقدی خواهد کرد. این جریمه که ۱۵۰ یورو (۱۶۶ دلار) تعیین شده، برای زنانی وضع می شود که در دانشگاهها، دادگاهها یا در وسایل نقلیه عمومی برقع یا نقاب می پوشند.

حزب اصلی اتریش با افزایش محبوبیت حزب افراطی دست راستی "آزادی" (FPÖ)، تحت فشار قرار گرفته اند. این حزب از قانون یادشده انتقاد کرده و آن را ناکافی خوانده است.

یک زن فرماندهی نیروهای زمینی و هوایی آمریکا را بر عهده گرفت

یورونیوز/ویکی پدیا، ۲۸ اردیبهشت - "لری روبنسون"، فرمانده سابق نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا در اقیانوس آرام، روز جمعه فرماندهی نیروهای زمینی و هوایی آمریکای شمالی و منطقه شمال آمریکا را به عهده گرفت.



وی نخستین زن در تاریخ آمریکا است که به این مقام دست پیدا می کند. خانم رابینسون که در سال ۱۹۸۲ به نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا پیوسته است، در تاریخ ۱۸ مارس ۲۰۱۶ توسط اشتون کارتر، وزیر دفاع وقت، به فرمانده این نیرو در اقیانوس آرام برگزیده شد. وی در سال ۱۹۸۱ میلادی از دانشگاه "دورهام" نیوهامپشایر در رشته هنر فارغ التحصیل شده است.

افزایش ۲۵۰ درصدی زنان زندانی بومی استرالیا

خبرگزاری ایرنا، ۲۸ اردیبهشت - یک گزارش جدید نشان می دهد تعداد زنان بومی استرالیا که در زندان به سر می برند، به صورت سرسام آوری افزایش یافته و به یک بحران ملی تبدیل شده است، اما دولت استرالیا این بحران را نادیده می گیرد.

تارنمای شبکه "اسکای نیوز" استرالیا روز دوشنبه به نقل از مرکز حقوق بشر اعلام کرد نرخ زندان زنان بومی این کشور نزدیک به ۲۵۰ درصد افزایش یافته است و این یک رکورد را نشان می دهد.

در این گزارش اعلام نشده است افزایش حدود ۲۵۰ درصدی زنان بومی زندانی استرالیا نسبت به چه سالی است، اما براساس این آمار، زنان بومی حدود ۳۴ درصد از جمعیت زنان زندانی در استرالیا را تشکیل می دهند.

سازمان ملل نیز چندی پیش اعلام کرد استرالیا در حفاظت از زنان بومی این کشور در برابر خشونت ناکام بوده است. بومیها و جزیره‌نشینان تنگ تورس در استرالیا از لحاظ شاخصهای اجتماعی و اقتصادی در سطح بسیار پایینی قرار دارند. احتمال اینکه زنان بومی استرالیا در نتیجه خشونت در بیمارستان بستری شوند، ۳۴ برابر بیشتر از زنان غیربومی است و طبق اعلام سازمان ملل، کودکان بومی نیز حدود ۷ برابر بیشتر از سایر کودکان در استرالیا ممکن است با بدرفتاری یا بی توجهی روبرو شوند.

موضوع زندان زنان بومی استرالیا پس از آن در معرض توجه قرار گرفت که یک زن بومی استرالیایی سال ۲۰۱۴ به علت نپرداختن جریمه دستگیر شد و در زندان درگذشت.

شمار بومیان ساکن قاره استرالیا که نزدیک به ۴۰ هزار سال پیش از جنوب آسیا به این منطقه مهاجرت کرده اند، هم اکنون حدود ۲۲۸ هزار از جمعیت کل این کشور ۱۶ میلیون نفری را تشکیل می دهند.



دانشگاه در ماهی که گذشت (اردیبهشت ۹۶)

کامران عالمی نژاد

تحریم انتخابات از سوی دانشجویان دانشگاه سبزوار

دانشجویان دانشگاه سبزوار طی بیانیه ای انتخابات را تحریم کردند و از جمله نوشتند: "وقتی در دانشگاه حق طرح حداقل مطالبات از ما دانشجویان دریغ می شود و هر صدایی را با انواع نهادهای فشار در دم خفه می کنند، چگونه می توان در سرنوشت سازترین مرحله برای یک ملت که حضور در پای صندوقهای رای در انتخابات است شرکت کرد."

دانشجویان تاکید کردند: "ما جمعی از دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری این انتخابات را تحریم می کنیم. زیرا می دانیم هر یک رای به این حکومتیان، امضای حذف صدها دانشجو در کمیته های انضباطی، احضار، تحقیر و توهین، زندانی کردن و یا اخراج آنهاست."

آنها افزودند: "معتقدیم رای ما هیچ اثری در رفع مشکلات و خواسته های دانشجویان نخواهد داشت. این نظام سالیان است که اثبات نموده که ارزشی برای رای ملت قایل نیست. ما به دانشجویان دانشگاه های سراسر ایران فراخوان می دهیم که این انتخابات قلبی را تحریم کنند." (۱ اردیبهشت)

اجاره محوطه دانشگاه هشت مجروح به جا گذاشت

مسوولان دانشگاه ارومیه محوطه این دانشگاه را برای برگزاری نمایشگاه ماشینهای کلاسیک و مسابقه موتور سواری اجاره داده اند! این امر باعث شد که روز جمعه اول اردیبهشت در محوطه دانشگاه ارومیه چند تن از دانشجویان این دانشگاه



دچار مصدومیت شوند.

در حاشیه این همایش و در جریان برگزاری مسابقات موتور سواری، در اثر تصادف یکی از موتورها با دانشجویان، هفت تن از آنها و خود موتورسوار مصدوم شدند. مصدومان این حادثه به بیمارستان

انتقال داده شدند. حال دو تن از مجروح شدگان وخیم گزارش شده است.

استفاده اقتصادی از محوطه دانشگاه از سبکهای جدیدی است که تنها و تنها از دست حکومت کاسب کارهای ایران بر می آید و از دست جماعتی که همه چیز را به شکل پول می بینند و برای پول در آوردن از هیچ اقدامی کوتاهی نمی کنند. تمام مسوولان و دست اندرکاران آن هم به این ویروس آلوده هستند، وگرنه محیط و فضای دانشگاه را چه ربطی است به مسابقه موتور سواری و نمایشگاه ماشین و تا حالا کی بوده که محوطه دانشگاهی برای این امورات اجاره داده شود؟ با جان جوانان برای پول در آوردن بازی می کنند. (جوانه ها، ۱ اردیبهشت)

سخنرانی توفانی یک دانشجو در دانشگاه تبریز در حضور حسن عباسی

حسن عباسی، نظریه پرداز سپاه پاسداران، جهت شرکت در مراسم پرسش و پاسخ با موضوع "تمدن و بعثت" در دانشگاه آذربایجان مدنی تبریز حاضر شد. در این سخنرانی که در سالن شهریار دانشکده ادبیات این دانشگاه برگزار می شد، یکی از دانشجویان پشت تریبون قرار گرفت و اعتراض خود را با شدیدترین وجه به حسن عباسی ابراز داشت.

او گفت: "ما از احمدی نژاد می گذریم و توانمان را خرج او نمی کنیم، اما کسانی مثل شما، وابستگان نظامی و میلیشیایی و اربابان تان که ۸ سال او را تقدیس کردید و نظرتان به او نزدیک تر بود و امروز این سوی میدان ایستاده و حاشا می کنید، باید جوابگوی خونهای ریخته شده شهدای سالهای ۸۸، کهریزکها، سالها زندانی و شکنجه و شلاق باشید."

وی افزود: "آری تئوری و گفتمان شما، دفاع از قتل عامهای فجیع، غیرانسانی، غیرقانونی و غیرشرعی سال ۶۷ است." او در پایان گفت: "ما خیانتها و جنایتهای شما را نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم و داغ دل مردگان سرزمین مان را، مردم از شما خواهند گرفت."

گفتنی است که در ابتدای سخنرانی این دانشجو صدای بلندگو قطع شد، اما با اعتراض دانشجویان حاضر در صحنه، مجبور شدند، صدای او را دوباره وصل کنند. (شبکه جهانی کلمه، ۳ اردیبهشت)

دانشجوی کولبر پس از یکماه بستری در تبریز جان سپرد

رحمان ابراهیمی، دانشجوی دانشگاه خرم آباد که برای تامین هزینه تحصیل خود کولبری می کرد، پس از یکماه بستری در بیمارستان تبریز بر اثر شدت جراحات وارده، جان خود را از دست داد.



این کولبر ۱۹ ساله سردشتی، یک ماه قبل در پی شلیک مستقیم نظامیان حکومتی به شدت زخمی شده و جهت مداوای پزشکی به بیمارستان تبریز منتقل شده بود. در سال گذشته (۱۳۹۵)، ۱۵۴ کولبر در حوادث مختلف تیراندازی، انفجار مین، سرما، تعقیب و گریز کشته و یا زخمی شده اند. (کردانه، ۷ اردیبهشت)

تجمع دانشجویان علوم تغذیه مقابل وزارت بهداشت

جمعی از دانشجویان و اساتید علوم تغذیه کشور در اعتراض به اجرایی شدن آیین نامه دوره تخصصی MD-PhD، مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند.

در سال ۱۳۸۹ آیین نامه ای تحت عنوان "آیین نامه دوره MD-PhD" به تصویب رسید که برابر با آن، دانشجویان رشته پزشکی که در طول دوره تحصیل خود تنها دو واحد تغذیه می گذرانند، می توانند بدون شرکت در آزمون، به طور مستقیم وارد دوره دکترای تخصصی تغذیه شوند. این در حالی است که دانشجویان دارای کارشناسی ارشد تغذیه که حداقل شش سال در مجموع دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد تغذیه خود واحدهای تخصصی متعددی را در زمینه تغذیه گذرانده اند، بایستی در آزمون دوره PhD که تعیین کننده صلاحیت علمی لازم برای ورود به مقطع بالاتر است، شرکت نمایند. همین مساله باعث تجمع چندین باره دانشجویان علوم تغذیه شده است و امروز نیز آنها مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند تا مراتب اعتراض خود را به مسوولان این وزارتخانه برسانند. (سلامت نیوز، ۱۱ اردیبهشت)

تجمع دانشجویان دانشکده فنی باهنر شیراز

حدود ۱۰۰ نفر از دانشجویان خوابگاهی دانشکده فنی باهنر شیراز سه شبه شب ۱۲ اردیبهشت، پس از صرف شام در سلف دانشکده دچار مسمومیت شده و به بیمارستان منتقل شدند. همچنین تعداد زیادی از دانشجویان مسموم دیشب تا صبح در نمازخانه این دانشکده بستری بوده‌اند. (خبرنامه دانشجویان ایران، ۱۳ اردیبهشت)

غذای خوابگاه دانشگاه یزد ۴۵۱ دانشجو را مسموم کرد



بیش از ۴۰۰ نفر از دانشجویان پسر دانشگاه یزد به علت خوردن غذای خوابگاه دانشگاه مسموم شدند. بخش زیادی از ۲۰۰ دانشجویی که در نمازخانه دانشگاه بستری بودند، ترخیص شده اند و ۲۵۱ دانشجو در بیمارستان یزد بستری هستند. پیش از این نیز ده ها دانشجوی دانشگاه باهنر شیراز در اثر مصرف غذای سلف سرویس دانشگاه مسموم شده و به بیمارستان انتقال یافته بودند.

دانشجویان مسموم شده خوابگاه پسران دانشگاه یزد بامداد با ۱۴ آمبولانس و یک اتوبوس به بیمارستانهای شهر

منتقل شدند و بیش از ۲۰۰ نفر نیز به خوابگاه دانشگاه منتقل و در آنجا بستری شدند.

علی دهقان معاون دانشگاه علوم پزشکی صدوقی یزد گفته است هنوز علت مسمومیت در حال بررسی است و نتیجه آن بعد از ۴۸ تا ۷۲ ساعت روشن خواهد شد. (راديو زمانه، ۱۸ اردیبهشت)

اعتراض دانشجویان بهایی و معلول جنگی به کارشکنی در ادامه تحصیل

یکی از دانشجویان بهایی که در زمان جنگ معلول جنگی شده است، در استانه محرومیت از تحصیل قرار گرفت. بهروز فرزندی در آخرین ترم تحصیلی خود به سر می برد و با مشکلاتی برای ادامه تحصیل مواجه است. وی در اردیبهشت ۹۶ با مراجعه به دفتر مدیر گروه دانشگاه پیام نور استان فارس در رشته مدیریت بازرگانی متوجه مشکل در ادامه تحصیل خود شده است. او در نامه سرگشاده ای با عنوان "بار دیگر بازیگوشی حراست دانشگاه پیام نور استان فارس در مورد دانشجویان بهایی آن هم در ترم آخر!" می نویسد: اینجانب بهروز فرزندی که به مدت بیش از ۲ سال و ۲ ماه مفقودالاثراثر جنگ تحمیلی و تحت اسارت عراق بودم و جانباز ۲۵ درصدی می باشم، در تاریخ ۱۸/۰۲/۱۳۹۶ نزد مدیر گروه رشته ام (مدیریت بازرگانی) و کارشناس رشته رفتم تا در مورد چند درس باقی مانده و مراحل پیش رو مشاوره ای داشته باشم. او ادامه می دهد: "حراست گفت که شما اصلا اجازه تحصیل در دانشگاه را نداشته اید، چطور وارد شده اید؟ گفتم تمام موارد در پرونده موجود است و یک پروسه ی چند روزه با رییس حراست قبلی طی شد تا در نهایت گفتند به خاطر اینکه از آزادگان و جانبازان هستی، اجازه تحصیل می دهیم که البته با اعتراض من هم روبرو شدند که حقیر با حضور در کنکور و قبولی و انتخاب رشته مانند هر ایرانی وارد شده ام و شما هم حق تفتیش عقاید طبق اصل ۲۳ قانون اساسی ندارید و ...". وی می افزاید: "مسوول حراست ابراز داشتند دو تا موضوع هست ۱- پرونده شما گم شده ۲- اصل تحصیل شما مورد دار است و باید بررسی شود. قرار شد فردای آن روز بین ساعت ۱۰ - ۸ صبح بروم تا پرونده و موضوع بررسی شود. در ساعت مقرر فرد مسوول نبودند و دیگری در دفتر ایشان حضور داشتند. طی تماس تلفنی که با ایشان گرفتم، پاسخ دادند که شماره تماس شان را بگیرید خودمان با ایشان تماس می گیریم!"

این دانشجو در پایان نوشت: "از اشاره به اسامی و شرح ریز صحبتها در این لحظه خودداری میکنم تا دوشنبه آینده و مشخص شدن وضعیت." (دانشجو آنلاین، ۱۲ اردیبهشت)

جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران:

با انتشار بیانیه ای به تحریم انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ فراخوان دادند.

در این بیانیه گفته شد: "تجربه ۱۱ دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران با حضور کسانی که در طول بیش از ۳۸ سال عمر جمهوری اسلامی دارای نقشهای کلیدی و مسوولیتهای تاثیرگذار در عرصه های سیاسی و اجتماعی بودهاند، چیزی جز سلب آرامش و آزادیهای مردم و غرق شدن در بحرانهای عمیق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نبود. میراث صندوقهای رای در این دوران، تورم و فساد و رکود اقتصادی، سرکوب و خفقان هر چه بیشتر، افزایش آمار اعدام و افزایش آمار جمعیت زیر خط فقر، کلیه فروشی، انحطاط و فروپاشی فرهنگی و ... بود."

دانشجویان می افزایند: "در هر دوره ای با روی کار آمدن هر کدام از نفرات به عنوان رییس جمهور، پدیده های اجتماعی جدیدی رو شده اند. در دولت حسن روحانی که با شعار تدبیر و امید آغاز شد، حقوقهای نجومی، رکورد اختلاس، گورخوابی و جنین فروشی در جامعه و در دانشگاه پولی سازی دانشگاهها و کالایی شدن آموزش با تصویب قانون سنوات دانشجویی عرضه شد."

دانشجویان تاکید کردند: "ما دانشجویان دانشگاهتهران معتقدیم که تنها راه حل برای کمک به خروج از این بحرانها داشتن انتخاباتی آزاد و دموکراتیک، منطبق با استانداردهای بینالمللی است. لذا با اعلام تحریم و شرکت نکردن در این دوره از انتخابات ریاست جمهوری، به استمرار سرکوب و خفقان و اختناق نه می گوئیم و تمامی دانشجویان آگاه را فرامی خوانیم با ما در این جنبش تحریم همراه شوند." (من یک دانشجو، ۲۲ اردیبهشت)

تحصن دانشجویان دانشگاه پردیس هنرهای زیبای در اعتراض به خصوصی سازی

دانشجویان پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران در محل این پردیس تحصن کرده و نسبت به اقدام مسوولان این دانشگاه برای انتقال برخی رشته ها به خارج از فضای پردیس هنرهای زیبا اعتراض کردند.



طی روزهای اخیر شورای صنفی دانشجویان پردیس هنرهای زیبا، بیانیه ای منتشر کرده و از عملکرد مسوولان دانشگاه تهران در راستای "تنگ کردن عرصه بر دانشجویان" و "فروپاشی پردیس مرکزی" انتقاد کرده بودند؛ اعتراضی که در نهایت به تحصن دانشجویان و امضای صورتجلسه منجر شد.

در این تجمع نمایندگان دانشجویان با ریاست پردیس جلسه ای برگزار کردند که طی آن دکتر حیدری، رییس پردیس، خواسته های دانشجویان را پذیرفت و در صورت جلسه ای، این خواسته ها را تایید کرد.

در متن صورتجلسه مشترک امضا شده بین نمایندگان دانشجویان با شاهین حیدری، آمده:

- انتقال فضاهای موجود هر دانشکده در پردیس مرکزی به فضای خارج از پردیس صورت نخواهد گرفت، مگر اینکه قرار باشد فضایی اضافه بر فضای موجود به آن تعلق گیرد.

- هیچ رشته و گروهی از پردیس هنرهای زیبا به دانشکدهها و سایر پردیسهای دانشگاه تهران و مراکز خصوصی و جز آن، نه در حال حاضر و نه در آینده منتقل نخواهد شد.

- رییس پردیس پیشنهاد برقراری یک جلسه عمومی با حضور روسای محترم دانشکدهها و معاونهای پردیس دارند و قول داده شد که این جلسه سه بار در سال تکرار شود.

- با توجه به اهمیت اطلاع دانشجویان از بعضی تصمیماتی که موکول به دانشجویان است، مقرر شد در این موارد به دانشجویان اطلاع رسانی شود.

با این حال هنوز نگرانیهایی از سوی دانشجویان وجود دارد و باید منتظر ماند و دید این وعده ها چقدر عملی و پایدار خواهد بود. (ایلنا، ۲۴ اردیبهشت)



چالشهای معلمان در اردیبهشت ماه (۹۶)

فرنگیس بایقره

تجمع اعتراضی سراسری آموزشیاران نهضت سوادآموزی

فارس، شنبه ۲ اردیبهشت - جمعی از آموزشیاران نهضت سوادآموزی سراسر کشور در اعتراض به سطح نازل حقوق و بلا تکلیفی استخدامی مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند. در این تجمع، آموزش دهندگانی از استانهای کردستان، تهران، خوزستان، خراسان شمالی، خراسان رضوی، آذربایجان غربی، اردبیل و گیلان حضور داشتند. به گزارش ایلنا، این تجمع در روز یکشنبه ۳ اردیبهشت از ساعت ده صبح مقابل مجلس برگزار شد.

تجمع بازنشستگان فرهنگی برای بزرگداشت روز معلم

حقوق معلم و کارگر، ۱۲ اردیبهشت - گروهی از بازنشستگان برای بزرگداشت روز معلم و پیگیری طرح همسان سازی که اجرای آن طی مدت پنج سال وعده داده شده، در مقابل مجلس گرد آمدند. نیروی انتظامی از تجمع جلوگیری کرد و

بازنشستگان به آرامی به سمت مترو حرکت کردند تا به مرور همراهان به آنان ملحق شوند. یکی از معلمان بازنشسته با در دست داشتن دو قلم، شأن و مقام معلمان را با صدای بلند ابراز کرد و به برخورد نیروهای انتظامی اعتراض کرد.

شعارهای بازنشستگان به شرح زیر بود:

حق ما رو ندادند/ طرح پنج ساله دادند

حق ما رو ندادند/ طرح فلاکت دادند

حق ما رو ندادند/ طرح پس از مرگ دادند

ما رو به هم پاس دادند/ طرح پنج ساله دادند

و شعارهایی که در تجمعات قبلی مطرح بود بر زبانها جاری شد

تعویق شش ماهه پرداخت حقوق معلمان خارج از کشور

خانه ملت، ۱۲ اردیبهشت - رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس از تعویق شش ماهه حقوق معلمان خارج از کشور خبر داد.

محمد مهدی زاهدی در این باره گفت: "طبق گزارش رسیده به کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، معلمان شاغل در خارج از کشور بیش از شش ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده و این موضوع برای آنها در غربت سبب عسر و حرج شده است. اما بنا به صحبت‌های روز گذشته با آقای دانش آشتیانی، قول پرداخت معوقه این معلمان طی یک الی دو روز آینده داده شد."

وی توضیح داد: "به گفته وزیر آموزش و پرورش منابع ریالی برای پرداخت کامل این معوقه تامین و در اختیار بانک مرکزی قرار گرفته، اما هنوز تبدیل به ارز نشده به همین دلیل وزیر آموزش درصدد حل تبدیل به ارز آن در کوتاه ترین مدت است."

همراهی معلمان با اعتصاب غذای معلم دربند

حقوق معلم و کارگر - همزمان با روز معلم (۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۶) جمعی از فرهنگیان اعلام کردند که با هدف همراهی با معلم دربند که در اعتصاب غذا به سر می برد، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اردیبهشت ماه، اعتصاب غذا خواهند کرد. لازم به ذکر است ۱۲ اردیبهشت، سومین روز اعتصاب غذای اسماعیل عبدی است.

ادعای مقام دولتی در دو برابر شدن میانگین حقوق فرهنگیان

ایلنا، ۱۲ اردیبهشت - معاون امور مجلس حسن روحانی مدعی شد: "میانگین حقوق فرهنگیان در دوره چهار ساله دولت یازدهم دو برابر شده است."

حسینعلی امیری گفت: "توجه به معیشت فرهنگیان محترم موضوعی بوده که در دولت تدبیر و امید اتفاق افتاده به نحوی که میانگین حقوق این عزیزان که در سال ۱۳۹۲، یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بود، امسال به دو میلیون و ۴۵۰ هزار تومان رسیده است که رشد قابل توجهی را نشان می دهد."

او افزود: "با وجود همه تنگناهای مالی که به دلیل سقوط قیمت نفت به وجود آمده، دولت پرداخت مطالبات فرهنگیان محترم را که در ۱۲ سال گذشته انباشت شده بود، آغاز کرد و حدود ۹ هزار میلیارد تومان از این مطالبات را پرداخت کرد"



و بقیه هم در حال پرداخت است." او تاکید کرد: "بحث رتبه بندی معلمان از دیگر برنامه هایی است که دولت با جدیت آن را پیگیری می کند و انجام خواهد داد."
امیری تاکید کرد: "در دولت یازدهم توسعه عدالت آموزشی، توسعه فعالیتهای پرورشی و فرهنگی، توسعه فضا و تجهیزات و افزایش اعتبارات آموزش و پرورش با تاکید آقای روحانی ارتقا چشمگیری داشته است."

تبعید معلم هنرمند گیلانی به دلیل اجرای موسیقی زنده در کلاس درس



کمپین برای حقوق بشر، ۱۴ اردیبهشت - هیات رسیدگی به تخلفات اداره کل آموزش و پرورش گیلان، عزیز قاسمزاده، سخنگوی کانون صنفی معلمان این استان، را به یک سال تبعید از شهر انزلی به رودبار محکوم کرده است. محکومیت این معلم هنر گیلانی پس از آن صورت گرفت که او در کلاس درس به اجرای زنده موسیقی پرداخت.

عزیز قاسم زاده در کلاس هنر دانش آموزانش در شهرستان انزلی تصنیفی از همایون شجریان، خواننده جوان ایرانی، اجرا کرده که در فضای مجازی و به ویژه در تلگرام و اینستاگرام هم منتشر شده است. آموزش و پرورش گیلان آوازخوانی این معلم را تخلف، مذموم و خارج از موضوعات درسی تشخیص داده و وی را به یک سال تبعید محکوم کرد.

عزیز قاسم زاده، ۳۸ ساله، خواننده و سرپرست یک گروه موسیقی ایرانی به نام "سپهر" است که تا کنون کنسرت‌های متعددی در استان گیلان برگزار کرده است. این معلم با مدرک کارشناسی ارشد ادبیات و زبان فارسی، در مدارس بندر انزلی تدریس می کند.

عزیز قاسم زاده همچنین به عنوان سخنگوی کانون صنفی معلمان گیلان نیز انتخاب شده است.

تجمع حمایتی در حمایت از اسماعیل عبدی

تلگرام نه به زندان نه به اعدام، ۱۵ اردیبهشت - جمعی از فرهنگیان، فعالان صنفی و اعضای کانون صنفی معلمان، به مناسبت گرامیداشت هفته معلم و اعلام همبستگی با اسماعیل عبدی، معلم زندانی اقدام به راهپیمایی و تجمع در پارک لاله کردند. در این تجمع خانواده آقای عبدی نیز حضور داشتند و با در دست داشتن پلاکارهایی به ادامه زندان و عدم پاسخگویی مسئولان به وضعیت این زندانی سیاسی اعتراض کردند.



بیانیه کانون معلمان همدان به مناسبت هفته معلم

حقوق معلم و کارگر، ۱۹ اردیبهشت - کانون معلمان همدان به مناسبت هفته معلم با انتشار بیانیه ای با اشاره به شرایطی که کارورزان فرهنگی در آن بسر می برند، بر خواسته های آنها پای فشرده.

در این بیانیه تاکید شده: "در کشورهای جهان، ایامی که به نام معلم نام گذاری می شود، معلمان با برپایی گردهماییهایی علاوه بر بیان مشکلات حوزه فعالیت خود،

به نقد عملکرد مسوولان و دولتها می پردازند." معلمان می افزایند: "در ایران متأسفانه به جای قدردانی از معلمان منتقد، آنها را به چوب زندان و تبعید و انفصال می نوازند و با اتهامات امنیتی روانه زندان می کنند؛ اتهامی که هیچ سنخیتی با خواسته های فرهنگیان ندارد. سوال اساسی فرهنگیان کشور این است: معلمی که با انتقادات دلسوزانه در پی اصلاح نظام

آموزشی کشور است و دولتها را به اجرا و رعایت قانون فرا می خواند بر هم زننده امنیت ملی است یا اختلاس کنندگان نجومی از بیت المال، همچون صندوق ذخیره فرهنگیان؟"

بیانیه مشکلات معلمان را اینگونه برمی شمارد: "بی عدالتی آموزشی و نقض اصل ۳۰ قانون اساسی، بی توجهی به تخصیص بودجه شایسته برای نظام آموزشی، عدم رعایت الزامات آموزش کیفی، عدم اجرای کامل و بدون قید و شرط قانون مدیریت خدمات کشوری، بی توجهی به ساماندهی وضعیت اشتغال معلمان حق التدریس و معلمان آزاد، عدم تخصیص بیمه کارآمد برای بازنشستگان و شاغلان، حاکمیت نگاه امنیتی بر تشکلهای و فعالیتهای صنفی، نادیده گرفتن وضعیت معیشت و منزلت بازنشستگان و... همچنان چالشهای پیش روی فرهنگیان و نظام آموزشی کشور است."

کانون معلمان همدان در پایان بیانیه خود با اعلام همبستگی با معلم اعتصابی زندانی، اسماعیل عبدی، "حمایت کامل خود را از خواسته قانونی او مبنی بر برداشتن نگاه امنیتی از فعالیتهای صنفی و برگزاری دادگاه علنی با حضور هیات منصفه طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی" اعلام داشته است.

معلمان حمایتی تا شش ماه حقوق نگرفته اند

ایسنا، ۱۹ اردیبهشت - یک نماینده مجلس در تذکری به وزیر آموزش و پرورش خواستار رسیدگی به وضعیت معلمان حمایتی شد که بعضی از آنها در طول شش ماه گذشته حقوق دریافت نکرده اند.

محمد رضا صباغیان بافقی در تذکر شفاهی به وزیر آموزش و پرورش گفت: "در شرایطی حقوق معلمان حمایتی از آبان ماه گذشته پرداخت نشده است که آنها تنها ماهانه ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان حقوق می گرفتند که با این پول حتی نمی توان هزینه های جانبی را نیز تامین کرد و در این شرایط شش ماه است که حقوق به آنها داده نشده است."

وی افزود: "کسی که قرار است معلمی کند چطور می تواند بدون دریافت پول و با داشتن دغدغه، معیشت رسالت معلمی خود را بهترین شکل ایفا کند. آنها مجبورند به شغل دومی همچون رانندگی آژانس و فروشندهی روی آورند که این در شان نظام تعلیم و تربیت ما نیست. احساس می شود دستی پشت قضیه است تا فرزندان ما به درستی تعلیم و تربیت نشود. درخواست بنده توجه ویژه وزیر به این مقوله است."



تجمع مجدد آموزشیاران نهضت سواد آموزی

مهر، ۱۹ اردیبهشت - آموزشیاران نهضت سواد آموزی برای باری دیگر در اعتراض به بلا تکلیفی استخدامی مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند. در همین رابطه، یکی از آموزشیاران به گفت: وزارت آموزش و پرورش نسبت به تعیین تکلیف و استخدام ما اقدامی نمی کند. وی ادامه داد: با وجود مصوبه مجلس برای به کارگیری آموزشیاران نهضت سواد آموزی وزارت آموزش و پرورش اهمیتی به ما نمی دهد.

کمبود ۲۵ هزار کلاس درس در طرحهای مسکن مهر

ایسنا، ۲۰ اردیبهشت - رییس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس از کمبود ۵۲ هزار کلاس درس در کشور خبر داد و گفت: "از این تعداد ۲۵ هزار کلاس در طرحهای مسکن مهر نیاز بوده که هنگام ساخت به آن توجه نشده است." محمد تقی نظرپور افزود: "علاوه بر کمبود کلاسهای آموزشی، در شرایط کنونی ۲۷۰۰ کلاس درس غیرمقاوم در سراسر کشور داریم که تبدیل این تعداد به کلاس درس ایمن و مناسب، به پنج هزار میلیارد ریال اعتبار نیاز دارد." وی تصریح کرد: "با مساعدت دولت و کمکهای نیکوکاران در نظر داریم کلاسهای غیر مقاوم را طی دو سال آینده تبدیل به کلاسهای مناسب کنیم."

عفو بین الملل: عبدی را آزاد کنید



حقوق معلم و کارگر، ۳۱ اردیبهشت - سازمان عفو بین الملل در نامه ای خطاب به مقامات ایران خواستار آزادی اسماعیل عبدی شده است.

در این درخواست آمده است: "ما خواهان آزادی فوری و بی قید شرط اسماعیل عبدی که تنها به دلیل فعالیتهای صنفی و تلاش حقوق حق طلبانه اش زندانی شده است، هستیم."

ما خواهان رسیدگی بی درنگ به وضعیت جسمی او بوده و از شما (مقامات ایران) می

خواهیم که عبدی را به بیمارستانی در خارج زندان منتقل کرده تا او در انطباق با معیارهای پزشکی، از جمله اصول محرمانه بودن، استقلال و رضایت آگاهانه، تحت مراقبتهای ویژه پزشکی قرار گیرد."

عفو بین الملل، مقامات جمهوری اسلامی را خطاب قرار داد و گفت: "ما از شما می خواهیم که به حق هر کس در تشکیل و پیوستن به اتحادیه های کارگری به انتخاب خود که تحت میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) و تضمین میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) است و هر دو توسط دولت ایران امضاء شده، احترام گذاشته و آنها را اجرا کنید."



کارورزان سلامت (اردیبهشت ۹۶)

امید برهانی



مدیریت نامناسب طرح تحول سلامت طی ۴ سال

نظام پرستاری، ۱ اردیبهشت - ریس هیات مدیره نظام پرستاری ملایر با بیان این که با اجرای طرح تحول سلامت، پرداخت از جیب کاهش یافت اما از سوی دیگر میزان تعرفه های پزشکی چندین برابر شد، خاطرنشان کرد: "از این رو این کاهش از جیب تاثیر چندانی نداشت."

مرادی با بیان اینکه می شد میزان پرداخت از جیب بیش از اینها کاهش یابد، افزود: "اگر تعرفه های پزشکی مناسب

دیده می شد و برنامه ریزها بهتر بود، در این صورت به نفع مردم بود."

مرادی اظهار کرد: "در گام نخست این طرح خوب برنامه ریزی نشد. باید در نقاطی از کشور به صورت آزمایشی اجرا و ایرادات اولیه برطرف سپس به صورت سراسری اجرا می شد."

تجمع اعتراضی متخصصان پاتولوژی

ایسنا، ۴ خرداد - جمعی از متخصصان پاتولوژی و علوم آزمایشگاهی در اعتراض به امکان تاسیس آزمایشگاه پاتولوژی توسط فارغ التحصیلان برخی رشته های علوم پایه، مقابل سازمان نظام پزشکی تجمع کردند. معترضان با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضمون "حوزه سلامت جای غیرپزشکان نیست" و "با فعالیت رشته های علوم پایه در آزمایشگاهها مخالفیم" مقابل سازمان نظام پزشکی حضور یافتند.

پرستاران: وزیر غیر پزشک می خواهیم

ایلنا، ۶ اردیبهشت - در فاصله کمتر از چند هفته به انتخابات ریاست جمهوری، کمپین "نه به وزیر پزشک" با بیش از سه هزار عضو در فضای مجازی به راه افتاده تا مطالبات بر زمین مانده جامعه پرستاری کشور را به گوش مسوولان برساند. پرستاران می گویند، این کمپین می خواهد به دولت آینده بگوید که مانند کشورهای پیشرفته و صاحب نظر در مدیریت نظام سلامت، وزیر بهداشت را از کادر پزشکی انتخاب نکند، تا این فرد بتواند به جای منافع شخصی و صنفی به منافع ملی و مردم بپردازد.

برگزاری دو تجمع در برابر مجلس و یک تجمع در مقابل ساختمان ریاست جمهوری و همچنین نوشتن دو نامه سرگشاده به رییس جمهوری و طرح شکایتهای متعدد در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس هنوز نتوانسته است بخشی از مطالبات صنفی پرستاران را برآورده کند.

به همین دلیل به نظر می رسد راه اندازی کمپین نه به وزیر پزشک، آخرین جنبش اعتراضی پرستاران قبل از پایان دولت یازدهم باشد؛ جنبشی که با یک خواست واحد دنبال می شود و آن اصلاح سیستم توزیع و تقسیم منابع در وزارت بهداشت و درمان کشور است.

یکی از پرستاران با انتشار پستی در کانال تلگرامی این کمپین، با اشاره به لزوم ریاست یک غیر پزشک در وزارت بهداشت آورده است: "یکی از شاخصهای مهم فساد در دنیا بحث تعارض منافع است که می گوید نباید فعالان بخش خصوصی، مدیریت بخش دولتی را برعهده بگیرند، زیرا امکان همه نوع فساد وجود دارد. راهکار مقابله با چنین رویکردی، ایجاد کارزار مطالبه محور برای به کارگیری وزیر بهداشتی غیر پزشک یا انتخاب وزیری بدون منافع است؛ کسی که به تضاد منافع بین تصمیمات کلان دولتی و سودآوری بخش خصوصی که در اختیار دارد، مرزبندی قایل شود."

اعتراضات به وزارت بهداشت مقابل نهاد ریاست جمهوری



فارس، ۸ خرداد - پس از بالا گرفتن اختلافات بین فارغ التحصیلان رشته های علوم پایه و رشته هایی چون پاتولوژی و کشیده شدن این اعتراضات مقابل سازمان نظام پزشکی و مجلس، پاتولوژیست ها در ادامه اعتراضات خود مقابل نهاد ریاست جمهوری اقدام به تجمع کردند. نایب رئیس انجمن آسیب شناسی ایران معتقد است که وزیر

بهداشت بدون در نظر گرفتن ابعاد موضوع و تحت تأثیر لابی نسبت به امضای یک آیین نامه اقدام کرده که با این امضاء سلامت مردم به خطر خواهد افتاد.

مشکلات داروسازان / سونامی بیکاری فارغ التحصیلان داروسازی

خبرگزاری فارس، ۹ اردیبهشت - حجت الله یزدان شناس، رئیس مجمع نمایندگان انجمن داروسازان ایران، در گردهمایی نمایندگان شعب انجمن داروسازان، با لیست کردن برخی از مهمترین معضلات داروخانه ها تاکید کرد: "تاخیر در پرداخت



معوقات بیمه، چالش ارزش گذاری خدمات داروسازان در کتب ارزش نسبی، مالیات ستانی های غیر منطقی، مصوبات عجیب شورای رقابت، داروخانه های زنجیره ای، تحمیل طرح های ملی پرهزینه مانند اچ آی ایکس بدون تامین منابع، تغییرات روزمره آیین نامه ها و پذیرش بی رویه دانشجو از جمله مشکلاتی است که توانمند سازی داروخانه ها را مختل ساخته و موجبات شکوه داروسازان را ایجاد کرده است."

در ادامه این جلسه محمدحسین صومی، رئیس دانشگاه علوم پزشکی تبریز، با اشاره به چالش هایی که ذهن دانشجویان داروسازی را به خود مشغول کرده، تاکید کرد: "بازار کار برای فارغ التحصیلان داروسازی جزو دغدغه های اساسی این حوزه است و باید در این خصوص بازنگری دقیقی منطبق بر اسناد بالادستی صورت گیرد."

حمید خیری، مدیر روابط عمومی انجمن داروسازان ایران، نیز در این جلسه تاکید کرد: "از آنجایی که در گذشته برنامه ریزی اصولی و منطبق بر نیاز و تقاضای کشور صورت نگرفته است، امروز با سونامی بیکاری فارغ التحصیلان رشته داروسازی روبرو هستیم و این برای کشوری که در آن داروسازی، آرزوی جوانان آن است، یک فاجعه تمام عیار است که موجب اتلاف نیروی انسانی ارزشمند این کشور می شود."

نقض قانون بازنشستگی پرستاران تامین اجتماعی

نظام پرستاری، ۹ اردیبهشت - به تازگی در فضای مجازی دستور العملی از سوی مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی، دکتر تقی نوربخش، منتشر شده که در آن گفته شده: "با عنایت به ضرورت مدیریت منابع انسانی در پیشبرد اهداف سازمان و لزوم نگهداشت نیروهای تخصصی و با تجربه در راستای ارتقا سطح کیفیت خدمات درمانی و افزایش رضایتمندی مراجعان و بیمه شدگان محترم و با توجه به وجود مشکلات جذب نیروهای درمانی کارآمد در حوزه بهداشت و درمان کشور که امکان جایگزینی نیروهای خروجی را در حال حاضر دچار چالش نموده است، لذا ضروری است مدیریت درمان استان صرفاً نسبت به ارسال درخواستهای بازنشستگی کادر پرستاری با استفاده از قانون مشاغل سخت و زیان آور با سنوات خدمتی حداقل ۲۵ سال اقدام نماید."

محمود عمیدی، عضو شورای مرکزی خانه پرستار، با تاکید بر این که دستورالعمل یادشده با نص صریح قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور مغایرت دارد، می گوید: "پرستاران سازمان تامین اجتماعی که به طور صریح مدنظر این دستورالعمل هستند، تابع قوانین این مجموعه به شمار می آیند. چنانکه در ماده ۵۹ قانون پنجم توسعه نیز ذکر شده که فعالان این حوزه جزو قانون کار می باشند. به این ترتیب بنا بر ماده ۵۶ قانون مشاغل سخت و زیان آور هر سال خدمت کارکنان یک و نیم برابر محاسبه می شود. همچنین مفاد قانونی و اسناد متعددی بر سخت و زیان آور بودن حرفه پرستاری تأکید دارد به طوری که حکم دیوان عدالت اداری درباره آن وجود دارد و در قانون بهره وری که مصوب مجلس شورای اسلامی است، به این مقوله اشاره شده است. همچنین موضوع یادشده در آیین نامه اجرایی قانون بهره وری و مصوبات دولتهای متعدد به تصویب رسیده است."

مرگ ۱۴ پرستار در سال گذشته بر اثر فشار کاری

ایلنا، ۱۰ اردیبهشت - در سال گذشته، ۱۴ پرستار بر اثر استرس و فشار کاری جان خود را از دست داده اند. سختی کار پرستاران، عواقب بسیار ناگواری برای آنها دارد. این در حالیست که به گفته دبیرکل خانه پرستار، پرستاران نمی توانند به راحتی از مزایای بازنشستگی پیش از موعد استفاده کنند و آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور برای پرستاران شرکتی نیز اجرایی نمی شود.

در همین سال جدید که حدود چهل روز از آغاز آن گذشته، اخبار وقوع حادثه برای دو پرستار جوان بر اثر فشار کاری منتشر شد که در مورد اول به مرگ یک پرستار و در مورد دوم به خونریزی مغزی پرستاری دیگر منجر شد. حالاً رییس سازمان نظام پرستاری از مرگ ۱۴ پرستار بر اثر فشار کاری در سال گذشته خبر داد.

علی محمد آدابی گفت: "سال گذشته ۱۴ نفر از پرستاران کشور که اغلب در گروه سنی ۲۵ تا ۴۵ سال بودند، بر اثر فشار کاری زیاد جان خود را از دست دادند."



وی خاطر نشان کرد: "کمبود پرستار در تمام بخشهای بیمارستانی مشهود است، اما در بخش اورژانس، جراحی و مراقبتهای ویژه، کمبود پرستار بیشتر احساس میشود که یکی از دلایل این امر پایین بودن تمایل پرستاران برای اشغال در این بخشهاست، زیرا پرستاران در این بخشها باید ضمن تحمل فشار کاری بسیار، از درآمد اندکی برخوردار باشند."

علی محمد آدابی گفت: متأسفانه ظرفیت پرستاران

موجود در بیمارستانهای کشور نصف حداقل استانداردها است که این امر فشار کاری فزاینده ای را بر دوش پرستاران گذاشته است.

سوالات نظام پرستاری از کاندیداهای ریاست جمهوری

خبرگزاری مهر، ۱۳ اردیبهشت - با نزدیک شدن به موعد برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و آغاز تبلیغات انتخاباتی کاندیدها، سازمان نظام پرستاری طی نامه ای به طرح پنج سوال در باره برنامه های نامزدهای انتخاباتی پرداخت. متن نامه به این شرح است:

- ۱- آیا جنابعالی اساساً اعتقادی به تفکر مشارکت در تصمیم گیری دارید و اگر دارید، برنامه جنابعالی جهت نظام مبتنی بر خرد جمعی با جلب مشارکت صاحبان فرآیند به ویژه پرستاری در حوزه سلامت چگونه خواهد بود؟
- ۲- راهکارهای جنابعالی برای جبران خدمت و صیانت از نیروی کار پرستار به منظور دسترسی استاندارد آحاد مردم به خدمات مراقبتی ایمن و کاهش خسارات در این زمینه چیست؟
- ۳- آنچه که جامعه پرستاری کشور از آن رنج می برد، اختلاف طبقاتی، تبعیض و بی عدالتی حاکم بر وزارت بهداشت در خصوص توزیع منابع و امکانات و اعطای مسوولیتها است. برنامه جنابعالی در خصوص برقراری عدالت همه جانبه در نظام سلامت چیست؟



۴- به رغم تصویب قوانین مختلف در حوزه پرستاری، متأسفانه برخی قوانین مثل قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری با وجود گذشت بیش از ۱۰ سال تا کنون اجرایی نشده و برخی از قوانینی که اجرایی شده، مثل قانون سخت و زیان آور بودن حرفه پرستاری، بسیاری از کارکنان پرستاری از مزایای آن محرومند. برنامه جنابعالی برای اجرا شدن قوانین معطل مانده و عدم اجرای قانون برای مضمولین قانونی چیست؟

- ۵- آیا جنابعالی برنامه ای برای استفاده از تجربیات موفق کشورهای توسعه یافته در به کارگیری وزیر، معاونین و مسوولین متخصص، لکن غیر پزشک برای نظام سلامت دارید؟

حذف بی سر و صدای بند مهم طرح تحول سلامت

خبرگزاری فارس، ۱۸ اردیبهشت - یکی از مباحثی که وزارت بهداشت دولت تدبیر و امید از آن سخن گفت، توجه به مناطق محروم و ماندگاری پزشکان در این مناطق بود و یکی از ایده هایی که وزارت بهداشت برای این موضوع در نظر گرفت، تمام وقت شدن پزشکان بود.

مصری، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، قانون تمام وقتی را این چنین تعریف می کند: "پزشکان بخش دولتی از کار کردن و کسب درآمد از بخش خصوصی منع شده اند."

برای اجرای این هدف و نگهداری پزشکان بخصوص در مناطق محروم نیاز بود امتیازات خاصی برای این پزشکان در نظر گرفته شود، پس تعرفه ها بالا رفت. اما از آنجایی که نبود نظارت در هر کاری راه را برای تخلف هموار می کند، در این قانون نیز به دلیل فقدان یک ناظر قوی تخلفات انجام شد.

به گفته مصری، قانون تمام وقتی پزشکان در عمل اجرا نشد و بسیاری از پزشکان بخش دولتی، مانند وزیر بهداشت، از بخش خصوصی کسب درآمد کرده و جراحی انجام دادند.

مصری افزود: "وقتی وزیر بهداشت از این قانون تخلف می کند، از سایر پزشکان آنها در مناطق محروم، برای عمل و اجرای این قانون چه انتظاری می توان داشت."

از این قانون در برنامه پنجم، با وجود قانونی بودن، تخلف شد و کسی هم وزارت بهداشت را بابت آن مواخذه و توبیخ نکرد، اما فشارهای رسانه ای، وزارت بهداشت را به این تکاپو انداخت که برای حفظ حیثیت و نگه داشتن چهره موجه و قانونی خود، این موضوع را از برنامه ششم توسعه حذف کند.

به گفته مصری، قانون تمام وقتی پزشکان با تلاش کمیسیون بهداشت و درمان مجلس و وزارت بهداشت، از برنامه ششم توسعه حذف شد و هم اکنون محدودیتی برای کار کردن همزمان پزشکان در بخش خصوصی و دولتی وجود ندارد.

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در اردیبهشت ۱۳۹۶

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

۱۰۴ حرکت اعتراضی

*روز شنبه ۲ اردیبهشت، کارگران سد چم شیر گچساران (شرکت سابیر) در اعتراض به بیکاری و عدم پرداخت ماهها حقوق مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش آفتاب جنوب، تجمع کنندگان به شرایط تعلیق پروژه سد چم شیر، بیکار شدن و پرداخت نشدن ۶ ماه حقوق معوقه خود اعتراض کردند.

*روز شنبه ۲ اردیبهشت، جمعی از اهالی ویس از توابع شهرستان باوی در استان خوزستان در اعتراض به ناتمام ماندن طرح آسفالت منطقه خود مقابل شهرداری ویس تجمع کردند. به گزارش ایرنا، شهردار ویس در این باره گفت: سه خیابان این منطقه آسفالت شده و خیابان مدنظر معترضان درحد زیرسازی است که آسفالت آن با تاخیر روبه رو بوده است.

*روز یکشنبه ۳ اردیبهشت، همزمان با سفر رئیس جمهور به قزوین، کارگران اخراجی چند شرکت و کارخانه تولیدی در این استان در اعتراض به تعدیل نیرو، اخراج و بیکار شدن خود مقابل استانداری قزوین تجمع کردند. به فارس، کارگران معترض خواستار رسیدگی به اوضاع پیش آمده و تحقق وعده‌های مسؤولان شدند.

*روز یکشنبه ۳ اردیبهشت، کارگران معدن آق دربند سرخس در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق مقابل استانداری خراسان رضوی تجمع کردند. به گزارش تسنیم، کارگران این معدن ۱۳ ماه و نیم است که حقوق نگرفته و فقط عیدی و پاداش گرفته اند با این وجود این معدن از نظر بهره‌وری هیچ مشکلی نداشته است.

*روز یکشنبه ۳ اردیبهشت، جمعی از بازنشستگان فولاد کشور برای باری دیگر مقابل صندوق بازنشستگی فولاد واقع در خیابان خالد استانبولی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع‌کنندگان خواستار اجرای همسان سازی بر اساس تبصره ۵ ماده ۱۰۹ آیین‌نامه فولاد، دریافت مطالبات معوقه، تضمین اجرای تعهدات درمانی مطابق با آیین‌نامه فولاد و افزایش حقوق سال ۹۶ خود از فروردین ماه شدند.

*روز یکشنبه ۳ اردیبهشت، کارگران شهرداری طبس در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق، عیدی و مطالبات دیگر دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، کارگران شرکت زرین برکت که مدتی است با شهرداری و قسمت خدمات شهری قرارداد بسته اند، از اسفند ماه سال گذشته تا کنون دستمزد، عیدی و سنوات خود را دریافت نکرده اند.

*روز یکشنبه ۳ اردیبهشت، جمعی از کارگران کارخانه آونگان اراک در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان مقابل ساختمان صدا و سیمای استان مرکزی تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری صدا و سیما مرکز اراک، این کارگران خواهان پرداخت مطالبات ۳۰ ماهه خود بودند. یکی از کارگران که سابقه ۳۰ ساله در این کارخانه دارد گفت از ۱۰۰۰ نفر کارگران این کارخانه تنها ۳۲ نفر نگهبان باقی مانده و همه طی سالهای اخیر اخراج شده اند و هیچ سنواتی هم دریافت نکرده اند.

*روز یکشنبه ۳ اردیبهشت، تعدادی از کشاورزان و باغداران از استان ایلام مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش ایسنا، اهالی سد و نیروگاه سیمره با تاکید بر مشکلات ناشی از آبگیری سد و نیروگاه سیمره از وزارت نیرو درخواست کردند تکلیف شان را روشن کند. محرومیت ۲۰ ساله از خدمات عمرانی و رفاهی و تملک کامل املاک و مستغلات، اراضی و باغات دلیل اعتراضات افراد تجمع کننده مقابل مجلس بود.

*روز یکشنبه ۳ اردیبهشت، جمعی از کارگزاران مخابرات روستایی استان خوزستان مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش ایسنا، کارگزاران معترض خواستار انعقاد قرارداد دائم و طرح طبقه بندی مشاغل براساس ماده ۸۳ قانون بودند.

*به گزارش ایلنا، روز یکشنبه ۳ اردیبهشت، جمعی از کارگران بازنشسته برق منطقه ای تهران که از ۲۰ سال پیش اقدام به خرید زمین از طریق تعاونی منطقه ای برق تهران کرده بودند، در اعتراض به عملکرد هیات مدیره این تعاونی در رابطه با تحویل نگرفتن زمین مقابل اداره کل تعاون استان تهران تجمع کردند.

*بامداد روز یکشنبه ۳ اردیبهشت، رانندگان تعداد زیادی از کامیونهای حامل سوخت کرمان دست از کار کشیده و با کامیونهای خود مقابل شرکت نفت کرمان تجمع کردند. به گزارش تجارت امروز، چندی پیش یک شرکت بزرگ نفتی با عنوان برند سازی، اغلب شرکتهای نفتی در استانهای کرمان و سیستان و بلوچستان را تحت پوشش خود قرار داد. این شرکت تمامی رانندگان تانکرهای نفتکش را ملزم کرد با نرخهایی که توسط این شرکت تعیین شده به حمل و نقل مواد سوختی بپردازند و این قیمتها را آنقدر پایین در نظر گرفت که موجب اعتراض رانندگان شده است.

*روز دوشنبه ۴ اردیبهشت، جمعی از کارگران کارخانه کاشی سهیل میبد در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی، عدم پرداخت مطالبات و خانه کارگر مقابل فرمانداری میبد تجمع کردند. به گزارش میبد خبر، کارگران معترض که معوقات حقوقی خود را مطالبه داشتند، خواستار احقاق حق و همچنین پیگیری مطالبه خود از مسئولان شدند.

*روز دوشنبه ۴ اردیبهشت، جمعی از کارگران بازنشسته کارخانه رنگین نخ سمنان در اعتراض به آنچه بلا تکلیفی چندین ساله در دریافت مطالبات سنواتی و مزدی عنوان می شود، برای چندمین بار مقابل ساختمان استانداری و فرمانداری سمنان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، مراجعه این کارگران از زمان بازنشستگی آنها در شهریور سال ۹۳ تاکنون بی نتیجه بوده است.

*روز دوشنبه ۴ اردیبهشت، شهردار دزفول قصد قطع تعدادی از درختان در محدوده ورودی تقاطع غیر همسطح فتح المبین را داشت که با ممانعت دوستداران محیط زیست مواجه شد. یکی از اهالی دزفول با اعتراض نسبت به این تصمیم شهرداری به ایرنا گفت: تعدادی درخت کنار تنومند در بلوار ورودی تقاطع غیر همسطح فتح المبین دزفول وجود دارد که شهرداری به منظور تعریض مسیر خودروها قصد قطع آنها را داشت.

*روز چهارشنبه ۶ اردیبهشت، اپراتورهای تاکسی تلفنی بیسیم سامانه ۱۳۳ شهرداری تهران برای چندمین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت حقوقشان اعتصاب کردند. به گزارش تیترا شهر، این سامانه چند روز است که قطع شده و رانندگان را بیکار کرده است.

*روز چهارشنبه ۶ اردیبهشت، کارگران کشتارگاه دام و طیور ایرانشهر برای جلوگیری از تعطیلی محل کارشان، بیکار شدن و سطح پایین حقوق دست به اعتصاب زدند. به گزارش راه دانا به نقل از پهره، کشتارگاه دام و طیور ایرانشهر که تنها کشتارگاه فعال استان سیستان و بلوچستان است، در کمال ناباوری روز به روز قدرت رقابت را از دست داده و در حال تحلیل نیرو است.

*روز آدینه ۸ اردیبهشت، جمعی از کارگران، خانواده ها و فعالان کارگری، اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و جمعی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران با راهپیمایی در سنجیدگ به استقبال اول ماه مه رفتند. به

گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، این راهپیمایی از میدان گاز شروع شد و تا میدان کوزه به شان ادامه یافت.

*روز پنجشنبه ۷ اردیبهشت، کشاورزان خشمگین اصفهانی که از شرق و غرب این استان آمده بودند با تجمع در محل عبور ستون خودروهای محمود چیت چیان وزیر نیرو و بستن جاده، فریاد می زدند وزیر بی لیاقت استعفا استعفا. به گزارش ایران خبر، یکی از تظاهرکنندگان فریاد زد، این حتی لیاقت استعفا ندارد.

*روز شنبه ۱۰ اردیبهشت، صدها کارگر شرکت حمل و نقل خلیج فارس در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان برای دومین روز متوالی در محوطه این شرکت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، همزمان با تجمع این کارگران، تعدادی از رانندگان تجاری شرکت حمل و نقل خلیج فارس به نمایندگی از ۶۲۰ راننده نیز بابت ۴۲ میلیارد تومان از مطالبات خود خارج از محوطه مقابل درب ورودی شرکت دست به تجمع زدند.

*بامداد روز شنبه ۹ اردیبهشت، رانندگان نفتکشهای جاده ای سراسر کشور در اعتراض به کامیونهای بی کیفیت و گران مقابل مجتمع صنعتی ماموت واقع در اتوبان کرج - قزوین تجمع کردند. به گزارش خبر آنلاین، یکی از معترضان گفت؛ در حال حاضر بیش از ۱۵۰ راننده از سراسر کشور به این محل آمده اند تا حق خود را از شرکت ماموت بگیرند. شرکت ماموت دیزل که زیر مجموعه مجتمع صنعتی ماموت است به عنوان نماینده انحصاری کامیونهای اسکانیا در ایران فعالیت می کند.

*بامداد روز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت، جمعی از کارگران بازنشسته صنعت فولاد در اعتراض به عدم پرداخت حقوق، مطالبات معوقه و مشکلات بیمه برای دومین روز متوالی مقابل اداره کار استان اصفهان تجمع کردند. به گزارش تسنیم، یکی از این کارگران گفت: ابتدا امور بازنشستگان فولاد زیر نظر وزارت معادن و فلزات بود، سپس زیر نظر وزارت صنعت و معدن قرار گرفت و بعد از آن زیر نظر وزارت تعاون قرار گرفته است.

*بامداد روز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت، جمعی از کارگران فصلی بخش کشاورزی مجتمع کشت و صنعت هفت تپه در اعتراض به بیکارشدن پیش از پایان بهره برادری نیشکر در محل ورودی درب کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض گفتند اگر کارفرما به نیروی کار جدید نیاز دارد چرا از کارگران فصلی که سالهاست در این واحد مشغول کارند استفاده نمی کند.

*بامداد روز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت، جمعی از اهالی امین شهر در اعتراض به مسدود شدن یکی از چهار راههای واقع در بولوار خاتم الانبیا، یک تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش انار پرس، معترضان پس از ساعاتی، بلوکهایی را که باعث مسدود شدن چهار راه شده بود را شکستند و مسیر را باز کردند.

*ظهر روز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت، اهالی روستای حسن آباد در اطراف سنندج در اعتراض به وضعیت نامطلوب جاده روستای حسن آباد مقابل شهرداری این روستا تجمع کردند و از تردد ماشینها در داخل روستا جلوگیری و خواستار رسیدگی سریع به مشکلات شان شدند. به گزارش تسنیم، اهالی روستای حسن آباد که در ۵ کیلومتری سنندج واقع شده با مشکلات زیادی دست به گریبان هستند. از جمله مسائلی که مردم این روستا گفتند این بود که آیا ما ساکنان این روستا آدم نیستیم و حق استفاده از جاده مطلوب و بدون دست انداز را نداریم؟ و چرا مسئولان کردستانی فکری به حال وضعیت نامطلوب آسفالت جاده، خیابانهای اصلی و کوچه های این روستا نمی کنند.

*روز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت، جمعی از کارگران بیکار شده جایگاههای سوخت به دنبال خصوصی سازی دست به تجمع اعتراضی مقابل وزارت نفت زدند. به گزارش ایلنا، این کارگران که پس از خصوصی سازی و واگذاری جایگاههای سوخت به بخش خصوصی، بیکار شده اند گفتند: سالها سابقه کار و تخصص داریم؛ ولی با واگذاری جایگاههای سوخت به شرکتهای خصوصی، بیکار شده ایم.

حرکتهای اعتراضی در اول ماه مه



بامداد روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت، جمعی از کارگران علی‌رغم ممانعت شدید نیروهای انتظامی موفق به تجمع در مقابل مجلس و برپایی مراسم مستقل روز جهانی کارگر شدند. در این تجمع که از ساعت ده بامداد و با هماهنگی اتحادیه آزاد کارگران ایران برگزار شد، نیروهای انتظامی مستقر در محل با اعلام اینکه مجلس تعطیل است، اعلام کرد اجازه برپایی مراسم را نخواهند داد اما کارگران شرکت کننده در مراسم با باز کردن بنرهایی در رابطه با گرامیداشت روز جهانی کارگر و تصاویر اسماعیل عبدی و بهنام ابراهیم زاده اقدام به آغاز مراسم نمودند که با عکس العمل ماموران برای جمع کردن بنرها و پلاکاردها مواجه شدند. در ادامه این کشمکش و در حالی که کارگران بیشتری به تجمع می پیوستند، نیروهای انتظامی مجبور به پذیرش قرائت قطعنامه از سوی تجمع کنندگان و سپس پایان مراسم شدند.

کارگران بنرهایی با مضمون بزرگداشت روز جهانی کارگر و تصاویر زندانیان سیاسی در بند را در دست داشتند و شعار می دادند: «کارگر زندانی آزاد باید گردد»، «روز کارگر روز ماست، خیابان از آن ماست»، «عزا عزاست امروز زندگی کارگر رو به فنا است امروز» و

روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران مراسم روز جهانی کارگر را در پایانه آزادی و با تبریک این روز به کارگران برگزار کرد. به گزارش سندیکای کارگران شرکت واحد، هرچند که از ابتدا ماموران لباس شخصی و نیروهای انتظامی از برگزاری این مراسم ممانعت می کردند و حتی می خواستند به خشونت کشیده شود، اما با هوشیاری و همکاری رانندگان این مراسم در شرایط سخت پلیسی امنیتی برگزار شد.

روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت، شمار کثیری از کارگران ذوب آهن اصفهان برای دومین روز متوالی در محل کارخانه تجمع کردند. آنها به قطع پاداش و مزایای خود اعتراض کردند.

در همین روز در تبریز کارگران تراکتور سازی در برابر استانداری آذربایجان شرقی تجمع بزرگی برگزار کرده و خواهان حقوق به یغمارفته خود شدند.

به گزارش ایلنا، روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت، کارگران سهامدار معدن کرومیت اسفندقه در مقابل اداره کل بازرسی استان کرمان دست به تجمع زدند و نسبت به خرید و فروش غیرقانونی سهام این معدن توسط کارگزاران رژیم اعتراض کردند.

به گزارش شیرازه، روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت، کارگران کارخانه قند ممسنی در مقابل استانداری دست به تجمع زدند و بر روی پلاکاردهای خود نوشته بودند: معیشت؛ منزلت؛ حق مسلم ماست؛ ما گرسنه ایم!

به گزارش تابناک، روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت، کارگران اخراجی طرح توسعه حوزه گازی تنگ بیجار در اعتراض به توخالی درآمدن وعده و وعیدهای مسئولان مبنی بر بازگشت به کارشان مقابل استانداری ایلام تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت، ۵۰۰ کارگر بازنشسته شرکت فولاد خوزستان جلوی درب شماره یک این واحد بزرگ صنعتی در اعتراض به شرکت بیمه ای طرف قرارداد خود تجمع کردند.

به گزارش ذاکر، روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت، همزمان با روز جهانی کارگر، کارگران هلدینگ توسعه نیشکر و صنایع جانبی در اعتراض به عدم تایید مشمولیت قانون سختی و زیان آور بودن شغل شان از طرف سازمان تامین اجتماعی و غیردولتی خواندن شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی در اداره تامین اجتماعی اهواز تجمع کردند.

*بامداد یکشنبه ۱۰ اردیبهشت، کارگران کارگاه ۵۱ مهندسی نت ذوب آهن اصفهان دست از کار کشیدند و به سمت کوره بلند حرکت کردند و در طول مسیر کارگران کارگاههای ۴۶، ۴۷ و ۴۸ مهندسی نت به آنها پیوستند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز سه شنبه ۱۲ اردیبهشت نیز حدود صد نفر از کارگران شرکت ((پویش صنعت ذوب آهن)) که هنوز حقوق دی ماه خود را دریافت نکرده اند اعتصاب کرده و به سمت درب اصلی حرکت کردند که در نهایت معاونان شرکت در مذاکره با نمایندگان کارگران تعهد دادند تا آخر اردیبهشت مطالبات آنها را پرداخت کنند.

*به گزارش ایلنا، بامداد روز سه شنبه ۱۲ اردیبهشت، کارگران پستهای فشار قوی برق سراسر کشور در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت و عملی نکردن طرح قرارداد دائم و جلوگیری از واگذاری به بخش خصوصی برای باری دیگر مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تجمع کردند.

*روز سه شنبه ۱۲ اردیبهشت، تعدادی از کارگران اخراجی فرو آلیاژ ازنا دست به تجمع مقابل کارخانه زدند. به گزارش فارس، این کارگران به دلیل مشکلات بوجود آمده برایشان مقابل این کارخانه تجمع اعتراضی کرده و با سر دادن شعارهایی خواستار رسیدگی مسئولان به خواسته خود شدند.

*روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت، کارگران فرش پارس برای دومین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و ۲ سال عیدی دست به تجمع در کارخانه واقع در شهر صنعتی البرز در استان قزوین زدند. به گزارش فارس، چند سالی است که موج تجمع اعتراض آمیز کارگران در استان قزوین بیداد می کند که از نمونه این تجمعها می توان به تجمع کارگران نازنخ، فرنخ، شیشه، کنتورسازی و امروز هم شرکت فرش پارس اشاره کرد.

*عصر روز سه شنبه ۱۲ اردیبهشت، رانندگان اتوبوسرانی زابل در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و مطالبات ۵ ساله، راهی زاهدان شده و مقابل استانداری سیستان و بلوچستان اجتماع کردند. به گزارش عصر هامون، یکی از رانندگان حاضر در تجمع گفت: ۴ ماه است که حقوق دریافت نکرده و از ۵ سال گذشته تا کنون علیرغم اضافه کاری هیچ اضافه کار یا پاداشی به آنها پرداخت نشده است.

*روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت، کارگران فولاد خراسان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق دست از کار کشیدند و در کارخانه تجمع کردند. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، کارگران پیمانکار مجتمع فولاد خراسان به علت عقب افتادگی حقوق اعتراض کردند که فیلم آن را مشاهده می نمایید.

*روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت، متقاضیان کار از چند روستای اطراف اهواز برای پنجمین روز متوالی مقابل مجتمع کشت و صنعت نیشکر دهخدا تجمع کردند. به گزارش تسنیم، درخواست این روستاییان که ساکنان روستاهایی همچون دغاغله، مراونه، غدیر و چند روستای دیگر هستند فقط کار است و خواسته دیگری از مسئولان شرکت ندارند.

*روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت، کارگران پیمانکار بخش بسته بندی و تخلیه و بارگیری شرکت زمزم کرمانشاه، با هماهنگی و برنامه ریزی از قبل و در موقعیت معینی، در اعتراض به دستمزد بسیار پایین و ناچیز ماهانه و ۴ ماه مطالبات

معوقه خود و شرایط سخت و طاقت فرسا کار، دست به اعتصاب زدند. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، اعتصاب کارگران پیمانی کارخانه زمزم کرمانشاه با خواست پرداخت حداقل دستمزد اعلام شده از طرف دولت و قانون کار و اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه ۴ ماه گذشته و ندادن عیدی سالیانه انجام گرفت.

*روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت، جمعی از کارگران شاغل در شرکت کشتی سازی بحر گستر هرمز در بندر عباس، در اعتراض به دو ماه مطالبات مزدی معوقه در محوطه کارگاه مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، حدود ۴۰۰ نفر از مجموع کارگران شرکت کشتی سازی بحر گستر هرمز از شرکتهای تابعه مجتمع کشتی سازی و صنایع فراساحل ایران (ایزوایکو) هستند.

*روز پنجشنبه ۱۴ اردیبهشت، کارگران کارخانه فولاد خراسان برای دومین روز متوالی به اعتصاب شان ادامه دادند. به گزارش فارس، پس از افتتاح کارخانه شماره دو فولاد خراسان با حضور علی ربیعی وزیر کار و محمدرضا نعمت زاده وزیر صنعت، پاداش ۲۰ میلیون ریالی به کارکنان کارخانه فولاد پرداخت می شود که موجب اعتراض کارگران شرکتهای پیمانی فعال در مجتمع فولاد خراسان و در نتیجه اعتصاب آنها طی روزهای چهارشنبه و پنجشنبه می گردد.

انفجار معدن زغال سنگ زمستان یورت

روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت، انفجار در تونل معدن زغال سنگ زمستان یورت آزادشهر در استان گلستان، سبب جان باختن شمار زیادی از کارگران شد. انفجار گاز در عمق حدود ۲۰۰۰ متری تونل این معدن صورت گرفت.

خانواده های محبوسان و کارگران معدن شبانه روز در محوطه حضور داشتند و به هیچ وجه از کنار ورودی تونل دور نمی شدند.

روز پنجشنبه ۱۵ اردیبهشت، جلسه ستاد بحران حادثه معدن یورت آزادشهر برگزار شد و در حاشیه آن معدنچیان معترض و خانواده محبوس شدگان تجمع کردند.

معدنچیان گفتند که دو هفته قبل به مسئولان تذکر داده بودیم که معدن استاندارد نیست و گاز نشتی دارد، اما مسئولان گفتند اگر کار نمی کنید می توانید بروید.

به گزارش ایلنا، جمعی از کارگران معدن زغال سنگ طزره در سمنان، طبس و کرمان برای شرکت در عملیات مربوط به جستجو و نجات همکاران گرفتار شده خود در معدن زمستان یورت شمال غربی راهی استان گلستان شدند.

روز آدینه ۱۵ اردیبهشت، نیروهای سرکوبگر یگان ویژه در تلاش برآمدند که خانواده های محبوسان و کارگران معدن را از محوطه دور کنند که با مقاومت و درگیری مواجه شدند.

تحویل اجساد کارگران معدن آزادشهر به خانواده های آنان موجی از اعتراضات را به سمت مقامات دولتی به همراه داشت. در همین روز خانواده های کارگران جان باخته معدن آزادشهر خواهان استعفای مسئولان اداره کار استان گلستان شدند. معدن زمستان یورت مدتی است که به بخش خصوصی واگذار شده است. به گزارش ایلنا، معدن زمستان یورت (قشلاق) در فاصله ۱۴ کیلومتری شهرستان آزادشهر از توابع استان گلستان قرار دارد. این معدن تحت پوشش شرکت صنعتی و



معدنی شمال شرق شاهرود است که سه عضو از پنج عضو هیات مدیره آن به شرکتهای زیرمجموعه هلدینگ توسعه معادن روی ایران تعلق دارند که عمده سهام آن متعلق به شرکتهای گروه مالی مهر اقتصاد و شرکت سرمایه گذاری مهر اقتصاد ایرانیان تحت پوشش بانک مهر اقتصاد است. بانک مهر اقتصاد با نام موسسه قرض الحسنه بسیجیان در سال ۱۳۷۲ شکل گرفت که هم اینک زیر مجموعه بنیاد تعاون بسیج است.

*روز شنبه ۱۶ اردیبهشت، کارگران کارخانه گداختار اراک در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه دست به تجمع مقابل استانداری مرکزی زدند. به گزارش اراک امروز، یکی از کارگران تجمع کننده شرکت صنایع شیرآلات گاز گداختار اراک در مقابل استانداری مرکزی گفت: کارگران این شرکت هرکدام بین ۶، ۷ و ۸ ماه حقوق دریافت نکرده اند و همچنین بیمه کلیه کارگران ۸ ماه و بیمه تکمیلی کارگران یکسال است پرداخت نشده است.

*روز شنبه ۱۶ اردیبهشت، جمعی از رانندگان تاکسی بین شهری (قزوین به بیدستان) به منظور رسیدگی به وضعیت معیشتی و شغلی تاکسیرانان و عدم توجه مسئولان شهری به دغدغه های تاکسیرانان دست از کار کشیده و مقابل شهرداری بیدستان تجمع کردند. به گزارش تسنیم، این اعتصاب به منظور رسیدگی به وضعیت معیشتی و شغلی تاکسیرانان بین شهری و همچنین عدم توجه مسئولان شهری به دغدغه های تاکسیرانان صورت گرفت.

*روز شنبه ۱۶ اردیبهشت، تعدادی از کارگران میدان میوه و تره بار تهران در اعتراض به وضعیت نامناسب غرفه ها دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، در روزهای گذشته خدمات رفاهی از جمله وسایل خواب و تجهیزات تهیه چای از غرفه ها جمع آوری شده و این در حالیست که در هر غرفه، حدود هشت کارگر به صورت شبانه روزی حضور دارند.

*روز شنبه ۱۶ اردیبهشت، کارگران بازنشسته کارخانه رنگین نخ سمنان برای پنجمین بار در سال جاری در اعتراض به آنچه بی توجهی مسئولان به پیگیری پرداخت مطالبات سنواتی و مزدی خود عنوان کردند، مقابل ساختمان فرمانداری سمنان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، با وجود آنکه در چندین نوبت از مسئولان استانی و شهرستانی خواسته شده است تا پی گیری مطالبات مزدی و سنواتی آنان باشند اما تا این لحظه به خواسته های آنها توجهی نشده است.

*روز شنبه ۱۶ اردیبهشت، کارگران بخش روباز معدن کوشک بافق در استان یزد در اعتراض به عدم افزایش حقوق و عملی نشدن وعده های مدیران در همین رابطه دست به اعتصاب زدند. به گزارش بافق خبر، نارضایتی کارگران معدن کوشک بافق از میزان حقوق و عملی نشدن وعده های مدیران این معدن باعث شد تا آنها قسمت روباز این مجموعه معدنی را تعطیل نموده و دست به اعتصاب زنند.

*بامداد روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت، جمعی از کارکنان مجتمع پتروشیمی پردیس در اعتراض به نادیده انگاشتن اصول ایمنی و سوء مدیریت، دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، یکی از کارکنان این مجتمع گفت: با بروز حادثه هفته گذشته نشستی آمونیاک در فاز یک پتروشیمی پردیس و مصدومیت همکاران ما که تا سر حد مرگ پیش رفتند، خواستار برکناری مدیر مجتمع (تولید) هستیم. وی توضیح داد که: در تاریخ ۱۲ اردیبهشت (روز حادثه) با وجود نشستی شدید آمونیاک، اصرار بر راه اندازی باعث این حادثه شد.

*بامداد روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت، جمعی از کارگران پیمانکاری کشت و صنعت و دامپروری مغان در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق، حق اضافه کاری و سنوات به طرف شهر پارس آباد مغان راهپیمایی و مقابل اداره مرکزی شرکت تجمع کردند. به گزارش آران مغان، این کارگران گفتند: ما به غیر از حق و حقوق مان هیچ چیز دیگری از شرکت نمی

خواهیم. ما از مدیر عامل جدید شرکت، استاندار و فرماندار می‌خواهیم که به این پرونده رسیدگی کنند و نگذارند حق صدها کارگر زیر پا گذاشته شود.

*روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت، کارگران کارخانه پی وی سی واقع در مهدی شهر سمنان برای دومین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق، حق اضافه کاری و حق بیمه از رفتن سر کار خودداری و در کارخانه تجمع کردند. به گزارش فارس، علت تجمع و اعتصاب این کارگران عقب افتادگی ۱۲ ماه حقوق، ۱۷ ماه اضافه کاری و نداشتن دفترچه بیمه است.

*روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت، کارگران کارخانه تولید لوازم خانگی برفاب واقع در شهرکرد در اعتراض به عدم پرداخت حقوق شان در سال جدید دست از کار کشیدند و در محوطه این کارخانه تجمع کردند. به گزارش فارس، یکی از کارگران کارخانه برفاب گفت: از ابتدای سال جاری کارگران این کارخانه هیچ حقوقی دریافت نکرده‌اند.

*کارگران معادن البرز شرقی در ادامه اعتراضات شان برای ششمین روز نسبت به عدم پرداخت ماهها حقوق و برای ایمنی کار، روز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت مقابل مجتمع البرز شرقی در شاهرود تجمع کردند. به گزارش مهر، یکی از کارگران البرز شرقی گفت: یکی از خواسته‌های ما در کنار معوقات که ۹ الی ۱۰ ماه از آن می‌گذرد ایمنی معادن است. وی افزود: اعتراض کارگران طزره روز گذشته هم صورت گرفته بود که از سه راهی جاده دامغان - مهماندوست به پیشنهاد یکی از نمایندگان کارگران البرز شرقی به تأمین اجتماعی منتقل شد.

*روز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت، بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران کارخانه روغن نباتی قو در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق و عیدی مقابل وزارت کار تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران می‌گویند؛ اعتراض آنان به عدم پرداخت مطالبات مزدی اسفند ۹۵، فروردین ۹۶ و بخشی از عیدی سال گذشته باز می‌گردد.

*روز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت، کارگران شناورهای لایه روبی بندر امام نسبت به عدم پرداخت حقوق و حق بیمه و بلا تکلیفی قرارداد کاری مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش تسنیم، یکی از کارگران معترض گفت: کارگران شناورهای لایه روبی بندر امام نماینده داشتند اما نماینده کارگران به دلیل پیگیری مداوم حق و حقوق کارگران اخراج شد و یکی از مشکلات اصلی ما اخراج نماینده است.

*روز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت، جمعی از کارگران بیکار شده جایگاههای سوخت کشور به دنبال واگذاری به بخش خصوصی مقابل شرکت ملی پالایش نفت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران پس از خصوصی سازی و واگذاری جایگاهها به بخش خصوصی، بیکار شده‌اند. یکی از تجمع کنندگان گفت: سالها سابقه کاردارم اما اکنون ماههاست که بیکارم و هیچ نهادی هم پاسخگوی وضعیت نابسامان ما نیست.

*بامداد روز سه شنبه ۱۹ اردیبهشت، برای سومین روز، تعداد زیادی از کارگران واحدهای تعمیراتی در فاز ۱۲ کنگان در اعتراض به نداشتن قرارداد کاری، کاهش حقوق و شرایط کاری و زیستی دست به تجمع و تحریم غذا زدند. به گزارش ایلنا، کارگران گفتند: این اعتراض از سه روز گذشته آغاز شده و دلیل آن نامشخص بودن وضعیت قراردادهای کاری، وضعیت نامناسب استراحتگاهها و بی کیفیت بودن وعدهای خوراک تدارک شده از سوی کارفرما است.

*روز سه شنبه ۱۹ اردیبهشت، برای دومین روز متوالی، تجمع کارگران سهامدار معدن کرمیت اسفندقه در اعتراض به بی توجهی کارفرما به وضعیت سهام شان مقابل فرمانداری ارزوئیه ادامه پیدا کرد. یکی از کارگران معترض به خبرنگار ایلنا گفت: در سال ۷۱ سهام معادن کرمیت اسفندقه که یکی از بزرگترین معادن کرومیت کشور محسوب می شود، از سوی وزارت صنعت و معدن دولت وقت بین صندوق بازنشستگی فولاد و شرکت صنعتی معدنی امیر و بیش از ۶۵۰ کارگری که آن زمان در این واحد معدنی مشغول بوده‌اند، تقسیم شد. در حال حاضر سهام‌داران این شرکت صندوق بازنشستگی فولاد با ۵۱ درصد سهم، شرکت صنعتی معدنی امیر با ۱۷ درصد سهم و پرسنل و کارگران معدن اسفندقه ۳۲ درصد سهام را دارا هستند.

*روز چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت، کارگران خدمات شهری شهرداری سیرجان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دیگر مطالبات شان دست به اعتصاب زدند. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، این کارگران اعلام کردند؛ الان مدت دو ماه است که بیش از ۳۰۰ کارگر حقوق خود را نگرفته ایم و معوقات ما از ۳ سال قبل پرداخت نشده است.

*ظهر روز چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت، جمعی از کارگران اخراجی کارخانه کاشی جم بروجرد در اعتراض به بیکاری و برای بازگشت به کار مقابل فرمانداری تجمع کردند. به گزارش بازتاب بروجرد، سال گذشته بود که کارخانه کاشی جم همه کارگران را اخراج کرد و خط تولید در این کارخانه متوقف شد.



*بامداد روز پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت، کارگران بخش صنعت مجتمع کشت و صنعت هفت تپه که تعداد آنها به حدود ۶۰۰ نفر گزارش می شود در اعتراض به آنچه امنیتی شدن محل کار خود عنوان می کنند در محل ورودی درب کارخانه مقابل ساختمان اداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارفرمای بخش خصوصی کارخانه اخیراً با کار گذاشتن دوربینهای مدار بسته فضای کار را امنیتی کرده که این موضوع باعث اعتراض کارگران شد. کارگران معترض گفتند: از زمانی که دوربینهای مدار بسته در محل کارشان نصب شده است حدود ۳۰ نفر از کارگران از کار اخراج و یا معلق از کار شدند.

*بامداد روز چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت، جمعی از کارگران پیمانکاری یکی از شرکتهای نفتی در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و عیدی دست به تجمع مقابل فرمانداری مهران زدند. به گزارش آوای مهران، از ۴ ماه پیش دستمزد و عیدی کارگران پیمانی پرداخت نشده و به همین دلیل وضعیت این کارگران و اعضای خانواده های شان را دچار مشکل کرده است.

*روز شنبه ۲۳ اردیبهشت، کارگران شرکتی شهرداری هشتگرد شهر در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق، حق بیمه و دو سال عیدی شان، دست از کار کشیده و مقابل ساختمان شورای شهر تجمع کردند. به گزارش ایسنا، یکی از کارگران

معترض گفت: در طول شش ماه دریافتی ما از پیمانکار ۵۰۰ هزار تومان بوده است و من یک سوال دارم، مگر با ۵۰۰ هزار تومان در این دور و زمانه می شود خرج زندگی داد؟ این در حالی است که ما کارگران شرکتی شب و روز نداریم و برای نظیف شهر حتی روزهای تعطیل هم کار می کنیم.

*روز شنبه ۲۳ اردیبهشت، تجمع جمعی از کارگران فصلی معدن طلای آق دره وارد سومین روز خود شد. به گزارش ایلنا، کارگران معترض گفتند: تا پیش از این به صورت فصلی در معدن طلای آق دره مشغول کار بودند اما در سال جدید هنوز موفق به یافتن شغل همیشگی خود نشده و در نتیجه هنوز بیکارند.

*روز شنبه ۲۳ اردیبهشت، جمعی از کارگران کارخانه کاشی نیلوی اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق شان مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند. به گزارش تسنیم، یکی از کارگران تجمع کننده گفت: مشکلات کارخانه کاشی نیلو از دو سال قبل به دنبال واگذاری به بخش خصوصی آغاز شد. وی در ادامه افزود: مالکان جدید پس از چند ماه از واریز حق بیمه کارگران خودداری کردند و در حال حاضر ۲۲ ماه است که کارگران این کارخانه هیچ گونه دستمزدی دریافت نکرده اند.

*روز یکشنبه ۲۴ اردیبهشت، همزمان با روشن کردن مشعل کارخانه فولاد شایگان با حضور معاون وزیر صنعت، جمعی از کارگران این کارخانه و جوانان متقاضی کار شهر شادگان دست به تجمع زدند. به گزارش جوان، کارگران تجمع کننده کارخانه فولاد شادگان گفتند: قراردادشان پایان اردیبهشت ماه سال جاری باتمام می رسد و از این بابت نگران اخراج از کار و بیکار شدن هستند.

همچنین جمعی از جوانان متقاضی کار شهر شادگان با تجمع شان همزمان با این مراسم، اعتراض شان را به نمایش گذاشتند و خواهان اشتغال شدند.

*بامداد روز یکشنبه ۲۴ اردیبهشت، جمعی از کارگران شاغل در واحدهای تعمیرات و بهره برداری پروژه های فاز ۱۲ کنگان نسبت به تصمیم کارفرما و پیمانکار برای کاستن از مبلغ دستمزدها در قرار دادهای جدید اقدام به تجمع اعتراضی کردند. به گزارش ایلنا، در این تجمع کارکنان آتش نشانی نیز شرکت کردند.

*بامداد روز یکشنبه ۲۴ اردیبهشت، حدود ۲۰۰ نفر از کارگران پستهای فشار قوی برق سراسر کشور به نمایندگی از طرف نزدیک به ۵۰۰۰ نفر از اپراتورها قرارداد کار معین پستهای فشار قوی برق به تهران آمدند و در اعتراض به بدعهدی وزارت نیرو نسبت به اجرای تبدیل وضعیت، مقابل نهاد ریاست جمهوری در خیابان پاستور تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در ادامه ظهر امروز کارگران پست های فشار قوی برق مقابل وزارت نیرو رفتند و در آنجا تجمع کردند.

*روز یکشنبه ۲۴ اردیبهشت، بازنشستگان صنایع فولاد به دلیل عدم رفع مشکل بیمه خود دست به تجمع اعتراض آمیز در مقابل این شرکت در اهواز زدند. به گزارش فارس، با وجود این که از بامداد امروز بهره برداری از فاز نخست فولاد شادگان در استان خوزستان به سرتیتر رسانه ها تبدیل شده است و معاون وزیر صنعت برای بهره برداری از این طرح به این استان سفر کرده است، هم اکنون بازنشستگان فولاد در اهواز نسبت به مشکلات خود تجمع انجام دادند.

*روز دوشنبه ۲۵ اردیبهشت، جمعی از کارکنان موسسه مالی و اعتباری ثامن الحجج به نمایندگی از طرف ۲۷۰۰ نفر از همکاران شان در سراسر کشور در اعتراض به بیکاری و برای بازگشت به کار دست به تجمع مقابل بانک مرکزی زدند. به گزارش ایلنا، اگرچه در نتیجه تخلفات مدیران و صاحبان وقت موسسه مالی و اعتباری ثامن الحجج، فعالیت تمامی شعب

این موسسه از پاییز سال ۹۴ در سراسر کشور متوقف شده است اما در نتیجه این اقدام اکنون تمامی کارکنان آن بیکار شده‌اند.

*روز سه شنبه ۲۶ اردیبهشت، کارگران کارخانه سها سرام برای چندمین بار در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق شان مقابل فرمانداری اردکان تجمع کردند. به گزارش اردکان گویا، یکی از کارگران این کارخانه در خصوص علت تجمع چند باره جلوی فرمانداری اردکان گفت: قریب به یک سال است که حقوق نگرفته ایم و هر بار که تجمع می کنیم با بهانه ای ما را به ماه بعد حواله می کنند.

*روز چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت، کارگران پیمانکاری موتوربست، فنی و برق شرکت حمل و نقل ریلی رجاء در اعتراض به عدم پرداخت حقوق فروردین ماه شان مقابل ساختمان این شرکت واقع در خیابان کریم خان زند نبش سنایی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از این کارگران که در روزهای گذشته همراه با بیش از دویست کارگر موتوربست دیگر مقابل ساختمان سنایی شرکت رجاء تجمع کرده بود گفت: شرکتهای پیمانکاری رجاء قادر به برآورده کردن تعهدات خود نیستند و در این بین دستمزدهای کارگران با تاخیر پرداخت می شود.

*روز چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت، جمعی از کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان دست به تجمع مقابل کارخانه و فرمانداری شوش زدند. به گزارش ایلنا، حدود ۳۵۰ نفر از کارگران بازنشسته این واحد تولیدی که از اسفند ماه سال ۹۵ تا هم اکنون بازنشسته شده اند؛ هنوز نتوانسته اند مطالبات بازنشستگی و زمان اشتغال خود را دریافت کنند. به گفته یکی از کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه؛ کارگران خواستار پرداخت سهم ۴ درصدی بازنشستگی خود در مشاغل سخت زیان آور به تامين اجتماعی هستند و در عین حال بابت پاداش بهره برداری سالهای ۹۴ و ۹۵ را از کارفرما طلبکارند.

*روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت، جمعی از کارگران کارخانه آذر آب واقع در شهر اراک در استان مرکزی برای ششمین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و مطالبات دیگرشان، دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران معترض گفت: ۳ ماه است مزد پرداخت نشده طلبکاریم و تا این لحظه با وجود برپایی چند نوبت اجتماع اعتراضی و مراجعه به مسئولان مربوطه هنوز هیچ تغییری در شرایط ما ایجاد نشده است.

*بامداد روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت، کارگران روغن نباتی پارس قو برای بازگشایی کارخانه و اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق، عیدی و حق سنوات، دو باره مقابل وزارت کار تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران که تعداد آنها در حدود ۲۰۰ نفر است خواستار بازگشایی هر چه سریعتر کارخانه پارس قو شدند.

*ظهر روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت، اهالی و ساکنان مسکن مهر پیشوا در اعتراض به قطع شدن آب آشامیدنی منزل شان دست به تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان زدند. به گزارش تسنیم، یکی از معترضان اظهار داشت: مدت سه روز است که آب آشامیدنی ما در مسکن مهر شهرستان پیشوا قطع شده است.

*بامداد روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت، برای باری دیگر جمعی از تاکسیرانان فرودگاههای تهران مقابل شرکت تعاونی تاکسیرانی در خیابان ملک تجمع کردند. به گزارش ایلنا، از چند وقت پیش همچنان مشکل بیمه رانندگان تاکسی پابرجاست و علاوه بر آن، عدم پرداخت کرایه توسط شرکت تعاونی به فرودگاهها، رفت و آمد تاکسیرانان را با مشکل مواجه کرده است.

رویدادهای هنری ماه (اردیبهشت ۹۶)

فتح الله کیاییها

ادبیات

استفن کینگ و رییس جمهور وحشتناک

"استفن کینگ"، جنایی نویسنده آمریکایی، در جدیدترین حمله خود به رییس جمهور کشورش، او را از تمام داستانهای ژانر وحشتش، ترسناک تر خوانده است.

در این مورد "گاردین" نوشت: "استفن کینگ، نویسنده رمانهای ترسناکی چون "درخشش" و "مه" که از منتقدان سرسخت دونالد ترامپ، رییس جمهور آمریکا، به حساب می آید، به تازگی در توییت خود باز هم به او تاخته است.

کینگ چند پست توییتی درباره مقایسه ترامپ با داستانهای خود منتشر کرده است. او نوشته است: "این آدمی که انگشتش را روی ماشه اتمی گذاشته، بدتر از هر داستان وحشتی است که من تا به حال نوشته ام."

نویسنده "مسیر سبز" همچنین توییت کرده: "تویتهای ترامپ در صد روز اول، پرتره شفافی ترسیم کرده است: او کاملا یک مورد مطالعاتی اختلال شخصیتی خود شیفته است."

کینگ که جزو پرفرودارترین نویسندگان حال حاضر آمریکاست و کتابهایش هر بار صدرنشین فهرست پرفروش ترینها می شود، ماه گذشته نیز پیامی را خطاب به هواداران ترامپ منتشر کرد: "این را مهربانانه و آرام می گویم: اگر شما به ترامپ رای دادید و هنوز هم فکر می کنید او دارد کارش را خوب انجام می دهد، معلوم است که توجه نکرده اید."

انتقاد رییس جدید انجمن قلم از جمهوری اسلامی

"آزادی بیان در خطر است"، این جمله ایست که خانم "رگولا ونسکه"، رییس جدید انجمن قلم، بر زبان رانده است. او که وظیفه اصلی خود را پشتیبانی از نویسندگان در بند و همچنین مبارزه علیه پوپولیستهای راست گرا در آلمان می داند، دولت ایران را به عنوان کشوری که آزادی بیان را زیر پا می گذارد، مورد انتقاد شدید قرار داده است.

ونسکه که علاوه بر نویسندگی به عنوان کارشناس ادبیات نیز فعالیت دارد، وضعیت آزادی بیان در ایران را "وخیم"



ارزیابی کرد. این نویسنده ۶۲ ساله که از سال ۲۰۱۳ به عنوان دبیرکل انجمن قلم فعالیت دارد، مسوول بخش "دفاع از حقوق بشر در بخش ادبیات" بود. او در آلمان با رمان "جشن اپرا" به شهرت رسید. دستمایه اصلی این رمان حملهراست گرایان افراطی به "خانهاپرا" در شهر وین است.

موزه و نمایشگاه

موزه تاریخ اروپا در بروکسل

بالاخره پس از ده سال برنامه ریزی و تلاش، سرانجام اتحادیه اروپا در بروکسل (مرکز این اتحادیه) صاحب موزه تاریخ شد. در این موزه می توان فراز و نشیبهای این اتحادیه را در طول زمان و به بیست و چهار زبان رسمی این اتحادیه مرور کرد.

این موزه با صدها عکس، مقاله، تابلو و یادگارهای تاریخی در ۷ طبقه افتتاح شده است. بازدیدکنندگان می توانند با تبلتی که هنگام ورود دریافت می کنند، تاریخ سده های ۱۹ و بیست قاره اروپا را مرور کنند و توضیحات تابلوها و عکسها و چیدمانها را هم از راه گوشی و هم از طریق صفحه تبلت به ۲۴ زبان رسمی کشورهای عضو اتحادیه اروپا بخوانند و بشنوند.

نمایشگاه بزرگ ایران در آلمان

نمایشگاهی با تیتراژ "ایران، تمدن باستانی میان بیابان و آب" بیش از ۴۰۰ اثر و یافته باستانی را در تالار هنر شهر بن (بوندس کونست هاله) به نمایش گذاشته است.

تاکید نمایشگاه بر تمدنهای کهن و سرآغاز یکجانشینی در فلات ایران است. به گفته برگزارکنندگان، مردم کشورهای غربی به ویژه آلمان، با تمدن پارسیان که نخستین پادشاهی بزرگ دوران باستان را پایه گذاشتند، کمابیش آشنا هستند، اما این فلات پهناور جولانگاه تمدنهایی کهن تر بوده که پیشینه شهرنشینی در این دیار را به بالای ۱۱ هزار سال می رساند. نمایشگاه با نمایش پیوسته ها فیلم و عکس و سند و دیوار نوشته همراه با آثار مالتی مدیا، اطلاعات وسیعی درباره تمدنهای باستانی مستقر در فلات ایران عرضه می کند که هم برای کارشناسان و هم برای بازدیدکنندگان معمولی بی نهایت جالب است.

نمایشگاه، توالی تمدنهای فلات ایران را در گستره زمانی شش هزار ساله نشان می دهد. در چهار سالن بزرگ با رنگهای متفاوت و ویتزینهای متعدد، آثاری متنوع عرضه شدهاند، از نخستین آثار یکجانشینی در هفت هزار سال پیش از میلاد مسیح تا عروج هخامنشیان در هزاره اول قبل از میلاد.

نمایشگاه "بینابین" و آثار هنرمندان ایرانی در نیویورک



در نمایشگاه "بینابین" که طراحی آنرا شهرام کریمی، نقاش مقیم نیویورک به عهده دارد، آثار هنرمندان دیوید آبیر، افروز آمیغی، شجاع آذری، رضا درخشانی، فریدون غفاری، هادی هزاوه ای، سارا عیسی خاریان، طلا مدنی، شیرین نشاط، نیکی نجومی، رها رییس نیا، فرشید شفیع و منوچهر یکتایی به نمایش گذاشته شد.

در سالهای اخیر آثار تجسمی هنرمندان

ایرانی مورد توجه موزه ها، نگارخانه ها و کلکسیون داران جهان قرار گرفته است. پرسش کانونی نمایشگاه بینابین چنین است: ویژگیها و مختصات هنر معاصر ایران چیست که آنرا از گذشتگان ما متمایز می کند و نقش هنرمندان و رای مرزها در آن چیست؟

طراح نمایشگاه، شهرام کریمی، تلاش دارد برای پاسخ به این پرسش از کلیشه های رایج خودداری کند. وی معتقد است در نمایشگاه "بینابین" گزینه ای از آثار متفاوت هنرمندان انتخاب شده که فردیت هنری خود هنرمند محور آن است.

سینما

تهران تابو، تابو شکن می شود

علی سوزنده با فیلم "تهران تابو" در بخش منتقدان جشنواره سینمایی کن ظاهر می شود. بنا بر گزارش روابط عمومی جشنواره کن، اثر این سینما گر مقیم آلمان در بخش منتقدان به مصاف شش فیلم دیگر می رود.

این فیلمساز جوان ایرانی در این درام اجتماعی به تابوهای جامعه ایران پرداخته و می خواهد صدای بخشی از جوانان هموطنش باشد.

درام اجتماعی "تهران تابو" که ۳۲ بازیگر در آن نقش ایفا کردهاند، داستان پنج جوان ساکن تهران را به تصویر می کشد که هر کدام با مشکلی درگیر هستند، اما سرنوشت آنها



به هم گره خورده است.

این فیلم هنری در استودیویی در شهر وین اتریش و با بازیگران واقعی فیلمبرداری و در کامپیوتر به صورت انیمیشن مونتاژ شده است.



توافق نویسندگان و تهیه کنندگان هالیوود را نجات داد

تهیه کنندگان سینما و تلویزیون آمریکا سرانجام با نویسندگان به توافق رسیدند و تولید فیلم و سریال که در غیر این صورت فلج می شد، ادامه پیدا خواهد کرد.

این توافق سه ساله که باید توسط اعضای اتحادیه نویسندگان آمریکا به امضا برسد، روز سه شنبه دوم ماه می و درست در

همان روزی که قرارداد پیشین به پایان می رسید، به دست آمد. اتحادیه نویسندگان آمریکا در نامه ای به اعضای خود گفته است که در توافق جدید سهم بیشتری به خدمات درمانی و بازنشستگی اختصاص خواهد یافت.

در صورتی که این توافق به دست نمی آمد، پخش بسیاری از برنامه های تلویزیونی از جمله تاک شوهای پربیننده آخر شب مانند برنامه های "جیمی کیمل"، "جیمی فلن" و "استیون کولبر" که نویسنده - محور هستند، متوقف می شد.

در ماه آوریل، اعضای اتحادیه نویسندگان آمریکا اعلام کردند که در صورت حاصل نشدن توافق دست به اعتصاب خواهند زد.

جشنواره "ترایبکا" رکورد شکن شد

برای نخستین بار در ۱۶ سال اخیر، جشنواره فیلم "ترایبکا" نیویورک موفق شد از طریق پخش مستقیم در اینترنت، شمار شرکت کنندگان در برنامه های کنسرت موسیقی، نمایش فیلم و بحث و سخنرانی را به ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر افزایش دهد. بنا به گزارش روابط عمومی جشنواره ترایبکا، با پخش مستقیم ۱۵ برنامه کنسرت، مصاحبه و سخنرانی از طریق "فیسبوک لایو"، شمار تماشاگران غیرحضورى این جشنواره نسبت به سالهای قبل که فیلمها از طریق تلویزیون کابلی توزیع می شد، به طرز قابل ملاحظه ای افزایش یافت. همچنین بیش از ۱۵۳ هزار نفر بلیتهای ۵۳۱ جلسه نمایش فیلم این جشنواره را خریدند.

جشنواره ترایبکا که "رابرت دونیرو" هنرمند نیویورکی، و "جین روزنتال"، شریک تهیه کننده او، ۱۶ سال پیش در واکنش به فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر بنیان گذاشتند، طی ۱۲ روز، ۹۸ فیلم سینمایی و مستند نشان داد که ۷۷ عدد آنها، برای نخستین بار رونمایی می شد.



جوایز "ام تی وی" این بار بدون تفکیک جنسیتی

مراسم اهدای جوایز سینمایی و تلویزیونی "ام تی وی" که از ۱۹۹۲ تاکنون هر سال برگزار می شود، امسال برای اولین بار برای قدردانی از هنرمندان، جوایز خود را بدون تفکیک جنسیت اهدا کرد.

"اما واتسون" که اولین بار برای بازی در مجموعه فیلمهای "هری پاتر" نامش بر سر زبانها افتاد، در شب مراسم، جایزه بهترین بازیگر را فارغ از جنسیت خود دریافت کرد و به عنوان بهترین بازیگر در میان همه نامزدهای زن و مرد معرفی شد.

او این جایزه را برای بازی در فیلم سینمایی 'دیو و دلبر' کسب کرد و هنگام دریافت جایزه گفت: "اولین جایزه بازیگری که نامزدها را بر اساس جنسیت آنها تفکیک نمی کند، برای هرکس یک معنایی دارد، اما برای من به این معناست که

بازیگری نشان دهنده توانایی شما برای ایفای نقش یک شخصیت دیگر است و احتیاجی به تفکیک آن به دو بخش مختلف نیست.

اما واتسون توانست با پیشی گرفتن از "هیو جک من" و "جیمز مک اووی"، دیگر نامزدهای دریافت جایزه بهترین بازیگر، برنده این جایزه شود.

موسیقی

تاجیکستان میزبان جشنواره بین المللی موسیقی جاز

اردیبهشت ماه در شهر دوشنبه جشنواره بین المللی "اتنیک جاز" با حضور بیست گروه موسیقی از تاجیکستان و برخی از کشورهای دیگر برگزار شد.

این سبک موسیقی این اواخر در تاجیکستان طرفداران زیادی پیدا کرده است. دفتر همکاریهای سوییس در تاجیکستان مبتکر و سرمایه گذار اصلی این جشنواره بوده است.

"رولینگ استونز" این بار در اروپا

گروه "رولینگ استونز" تاریخ تور کنسرتی جدیدش را اعلام کرد. اعضای گروه راک بریتانیایی، "میک جگر"، "کیت ریچاردز"، "چارلی واتز" و "رانی وود" که همه حدود هفتاد سال سن دارند، پاییز امسال در اروپا روی صحنه می روند. این تور کنسرتی در پی تور موفق گروه در آمریکای جنوبی برگزار خواهد شد که شامل یک کنسرت تاریخی در کوبا بود. تور جدید شامل ۱۳ برنامه است که از هامبورگ در نهم سپتامبر شروع می شود و در شهرهای بزرگ مانند مونیخ، بارسلونا، استکهلم و کپنهاگ ادامه خواهد داشت و ۲۲ اکتبر در پاریس به پایان می رسد. جدیدترین اثر گروه رولینگ استونز آلبوم "Blue and Lonesome" سال پیش منتشر شد و در ۱۵ کشور مختلف به شماره یک رسید.

"پینک فلوید" خاطره ای فراموش ناشدنی

"پینک فلوید" بدون شک یکی از اثرگذارترین گروههای موسیقی است که شهرتش فراتر از چندین نسل پاییده است. نمایشگاهی در لندن نگاهی به ۵۰ سال فعالیت پرفراز و نشیب این گروه داشته و آثاری به یادماندنی اش را به نمایش گذاشته است.

پینک فلوید چیزی بیش از یک گروه موسیقی ساده بود. "راجر واترز"، "نیک میسون"، "دیوید گیلر" و "ریچارد رایت" با خلق اثرگذارترین ملودیهایی تاریخ نه تنها انقلابی در موسیقی راک رقم زدند، بلکه از نظر هنری هم استانداردها را جابه جا کردند.

جلوه های بصری بی نظیر کنسرتها، تصاویر روی جلد آلبومها و همچنین تکنولوژی نوآورانه ضبط صدا همه دستبهدست هم دادند تا محبوبیت این گروه بریتانیایی فراتر از نسلهای برود.

پرتقالیهها برنده نهایی "یوروویژن ۲۰۱۷"

نماینده پرتغال در مرحله نهایی مسابقه آواز "یوروویژن ۲۰۱۷" با تصنیف عاشقانه "Amar Pelos Dois" که ترانه آن را خواهرش لویزا نوشته، برنده شد. او ۷۵۸ امتیاز کسب کرد. این اولین بار در تاریخ ۶۱ ساله یوروویژن است که پرتغال برنده می شود. این کشور با وجود اینکه از ۵۳ سال پیش در این رقابتها شرکت می کند، تاکنون حتی به جمع ۵ کشور برتر هم راه نیافته بود.

"سالوادور سابرال" در کنار "کریستین کوزتف" بلغاری از همان ابتدا یکی از امیدهای قهرمانی بود. کوزتف که فقط ۱۷ سال دارد، با ۶۱۵ امتیاز دوم شد. گروه "سان ستروک پراجکت" (Sunstroke Project) از مولداوی هم سوم شد.

بر فراز تمثیلهما

م. وحیدی (م. صبح)

خانه ام
 دریاچه کوچکی است
 که صدای موج موج آبی پرندگان
 ستاره ساز طاقها و رواقهاست
 از زخم هایت
 آفتابی روشن کن!
 در عصر دلتنگی با بونه ها
 و قناریهات را بگو
 تا از اصالت آب و نسیم و ستاره
 پنجره ایی بکشایند
 ای ساعت‌های پنج!
 تلخی خشکیده صدایتان را
 با عطر آبی سپیدارها تازه کنید
 این اقیانوس دستها
 صدای قلب تو را
 تا دور دستها می برد
 در شوق سبک روزهایت
 تاب می خورم
 ای سفر کرده
 در غمناکی پاییز و باد و خاطره!
 بر زلالی جعد آشفته موهایت
 - که خون پیروزمند سالهای ما
 بر آن نگارینه شده است -
 بوسه می زنم
 پرتو کلامت
 صداقت آینه را ویران می کند
 افسانه ها
 در پیچ و خم راه
 عزلت گرفته اند
 وقتی که در دهلیز اسطوره ها
 گام می زنی
 با تو می سراپیم
 با تو
 "تا رنگی دیگر
 براین زمانه زنم"

شهدای فدایی در خرداد ماه

رفقا: امیر پرویز پویان - اسکندر صادقی نژاد - رحمت الله پیرو نذیری - بهروز دهقانی - حسن معصومی همدانی - علیرضا شهاب رضوی - حبیب برادران خسروشاهی - مریم شاهی - خسرو تره گل - حسین سلاحی - شیرین معاضد (فضیلت کلام) - مینا طالب زاده شوشتری - علیرضا رحیمی علی آبادی - حسین موسی دوست موچالی - رفعت معماران بناب - نادر شایگان شام اسبی - سلیمان پیوسته حاجی محله - سعید معینی - نعمت با شعور - سعید سلطان پور - ماریا کاظمی - اسماعیل هادیان - منصور فرسا - مهدی پهلوان - شهرام میرانی (در هند) - محمدرضا محمدیان باباعلی - حمید امیر میرشکاری - ولی سوسنی - منوچهر ویسی - جعفر قنبرنژاد - مهنوش آذریون - شاپور جلیلی - جواد باقری (مهرداد)، طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و یا در زندانهای دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh



دو DVD در یک بسته

- ۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در گنن - آلمان،
 - ۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک
- ۹ ساعت در این مجموعه
 قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار
 برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید
nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظر با سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

NABARD - E - KHALGH

No : 385 22 May 2016

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

NABARD CULTURAL ASSOCIATION : Published by